

## جلسه اول: مفاهیم بازارهای مالی

### آشنایی با بورس های بین المللی " تبادلات ارزی " مبادلات ارز

بورس و بورس بازی از زمان های دور مورد توجه سرمایه داران و تاجران بوده است. در این بین تبادلات ارزی با سابقه ای به اندازه تاریخچه اختراع پول برای خود پیشینه معاملاتی دارد. از سال 1876 تا جنگ جهانی اول پایه ارزش هر ارز، بر مبنای پشتوانه طلا باعث ثبات نسبی ارزها در مقابل یکدیگر بود قبل از این تاریخ دولت ها و کشورها همیشه سعی در تضعیف ارز خود را داشتند و این مساله عموماً منجر به تورم و ناکارآمدی اقتصاد ها می شد. پس از جنگ جهانی دوم (1944) توافقنامه ای با نام برتن وودز ([Bretton Woods](#)) ایجاد شد که بر مبنای آن کشورهای امضا کننده متعهد شدند ارزش پول خود را در ارزش ثابتی در برابر دلار نگه داری کنند و نرخ مرجع دلار نیز، 35 دلار برای هر اُنس طلا تعیین گردید. در این توافقنامه هیچ کشوری مجاز نبود به خاطر منافع تجاری ارزش ارز خود را بیش از 10 درصد در مقابل سایر ارزها کاهش دهد. این سیستم که برای ایجاد ثبات پولی بین المللی ایجاد شده بود با کاستی ها، نابسامانی ها و جلوگیری از به جریان افتادن سرمایه ها همراه بود. سرانجام در سال 1971 توافقنامه برتن وودز باطل گردید و از سال 1973 ارزش ارزهای کشورهای مهم صنعتی در بازارهای بین المللی شناور اعلام شد. در ابتدا، آزاد سازی ارزش ارزها بعد از سال 1973 اغلب روند کند تغییرات قیمت در بین ارزها را به دنبال داشت ولی آزادسازی کمک شایانی به ارزش گذاری ارزها بر مبنای عرضه و تقاضای بازارهای بین المللی انجام داد. به مرور با کاهش مقررات، آزاد شدن بازار و فعالیت بازیگران در بازارهای مالی جهانی، کاراترین بازاری که تا به حال بشر به خود دیده به وجود آمد. امروزه دولت ها، بانک ها، شرکت های تجاری، سوداگران و مردم عادی پنج گروه عمده شرکت کنندگان بازار تبادلات ارزی هستند و در این بین از دهه 1990 به این سو با پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی روند نظارت بر بازارهای جهانی، اجرای سفارش ها، تحلیل فرصت های مالی و گسترش این بازار سرعتی بیش از پیش پیدا کرده است.



تعداد زیاد بازیگران بورس های بین المللی ارز باعث بالا رفتن حجم معاملات در بازار شده است. امروزه حجم معاملات بورس های تبادلات ارزی به بیش از 1.6 تریلیون دلار در روز می رسد. در این درس پس از آشنایی با دیگر بورس های بین المللی به مقایسه انحصاری بازار تبادلات ارزی با دیگر بورس های بین

المللی خواهیم پرداخت. بطور کلی بورس های بین المللی را می توان به چهار نوع تقسیم کرد.

## آشنایی با انواع بورس های بین المللی

### آشنایی با بازار سهام Stock

بازار سهام یا (Stock Market) بازاری است که معامله گران با سرمایه گذاری و خرید سهم یا سهامی از یک شرکت یا مجموعه ای از شرکت ها و کارخانه ها در سود و زیان تفاوت قیمت سهام آن بنگاه اقتصادی و یا در سود و زیان حاصل از فعالیت آن بنگاه شریک می شوند. نمونه این بورس، بورس اوراق بهادار تهران و سهام شرکت های داخل آن می باشد.

### آشنایی با بازار کالاها Commodity

بازار کالا یا (Commodity Market) شامل بورس هایی است که قیمت تبادلات کالاها به صورت جهانی یا منطقه ای بر اساس عرضه و تقاضا ارزش گذاری می شود. بورس های کالا به سه دسته عمده تقسیم می شود.

Hard-طلا، نقره، سیمان، فلزات و غیره

Soft-آب پرتقال، قهوه، اقلام خوراکی و غیره

Energy-نفت، گاز، برق، ذغال سنگ و غیره

### آشنایی با اوراق بهادار Bond Market

بازار اوراق قرضه (Bond Market) اوراق مشارکتی که اغلب از طرف دولت ها برای مشارکت مردم و جذب سرمایه های آنها برای طرح های سودآور جذب می شود. مانند اوراق مشارکت وزارت خانه ها در ایران.

### آشنایی با بازار تبادلات ارزی - مبادلات ارز Foreign Exchange -

بازار تبادلات ارزی مبادلات ارز (Foreign Exchange) بازاری که در آن مانند بورس های فوق الذکر، ارزش گذاری پول ملی کشورها بر اساس عرضه و تقاضا در مقابل سایر ارزها سنجیده می شود. مانند نرخ برابری دلار به ریال یا یورو به دلار.

## اصول انحصاری مقایسه بورس های بین المللی

هر کدام از بورس های فوق دارای مزایا و معایبی برای سرمایه گذاری نسبت به یکدیگر می باشند. در ادامه علت تمرکزمان بر روی بازار تبادلات ارزی را بیان کرده و مزایای این بورس را نسبت به سایر بورس ها به صورت خلاصه بررسی می کنیم.

**(A) فعالیت 24 ساعته بازار-** به علت باز بودن بانک ها و موسسات مالی گوناگون در سراسر جهان و وظیفه اعلام قیمت در هر ساعتی از شبانه روز (به جز شنبه و یکشنبه) در هفته بازار تبادلات ارزی فعال و امکان معاملات وجود دارد.

**(B) وجود همیشگی خریدار و فروشنده -** حجم بالای معاملات که به آن اشاره شد و تعدد شرکت کنندگان باعث شده در هر زمانی، امکان نقد شوندگی معاملات وجود داشته باشد و همیشه خریدار و فروشنده ای در نقطه مقابل فعالیت شما در بازار وجود دارد.

همیشه بانک ها و موسسات طرف تجاری معامله گران مسئول نقد کردن دستورات شما در بازار هستند و از این نظر هیچ نگرانی مانند بورس های دیگر برای پیدا شدن خریدار و فروشنده وجود ندارد.

**C) معاملات دو طرفه** - برای کسب سود در مورد کالاها فقط می توان از پیش بینی روند صعودی قیمت ها استفاده کرد ولی در بازار ارز به علت اینکه معاملات بر اساس ارزش گذاری دو نوع پول تعیین می گردد، با افزایش ارزش یک ارز متقابلا ارزش ارز مقابل کاهش می یابد به همین دلیل نه تنها از روند صعودی افزایش ارزش یک ارز بلکه از روند نزولی کاهش ارزش یک ارز می توان سود گرفت. روند نزولی ارزش یک ارز در اصل روند صعودی ارزش ارز متقابل می باشد.

**D) معاملات لحظه ای** - خرید و فروش لحظه ای از هر نقطه ای از جهان، تنها با دسترسی به اینترنت یا تلفن. مزیت دیگر معاملات لحظه ای شفاف و یکسان در بازار است که تا خبری به صورت جهانی و عمومی انتشار نیابد تاثیری بر بازار ندارد.

**E) احتمال کم تغییرات قیمت** - به علت حجم بالای جابجایی مالی در بازار تبادلات ارزی و درعین حال تعداد زیاد معامله گران، به همراه نوع قراردادهای متفاوتشان در بازار، احتمال کمی برای جابجایی شدید و زیاد در بین جفت ارزهای اصلی وجود دارد. معمولا در بازار تبادلات ارزی در بین جفت ارزهای اصلی و مهم، روزانه بصورت میانگین یک تا دو درصد جابجایی را نسبت به ارزش ذاتی آن جفت ارز شاهد هستیم که در مقایسه با بازارهای کالا یا سهام مقدار کمتری است.

**F) اهرم افزایش سرمایه** - تسهیلات سرمایه گذاری از سوی کارگزار به صورت وام به خریدار برای انجام معاملات انجام می شود. میزان این تسهیلات در بازار های مختلف متفاوت و گاه تا چند صد برابر اصل سرمایه می باشد. بدیهی است که حد ضرر به اندازه اصل سرمایه می باشد اما محدودیتی برای کسب سود وجود ندارد.

## آشنایی با انواع معاملات

### 1- قرارداد لحظه ای - اسپات (Spot)

در این قرارداد خریدار باید کل مبلغ قرارداد را به علاوه کارمزد کارگزار به صورت نقد پرداخت نماید و فروشنده نیز باید تا حداکثر دو روز کاری کالایمورد معامله را به خریدار تحویل نماید. این نوع قرارداد در بازار مبادلات ارزغالبا به صورت لحظه ای نقد می شود.

### 2- قرارداد سلف - فوروارد (Forward)

در این قرارداد، کل مبلغ در زمان انجام معامله از طرف خریدار پرداخت میشود و فروشنده متعهد می شود در تاریخ و زمان معین کالا را با قیمت مورد توافق به خریدار تحویل دهد.

### 3- قرارداد آتی - فیوچر (Future)

در این روش فروشنده مطابق یک قرارداد صلح تعهد می نماید

مقدار معینی از دارایی یا کالایی مشخص را در زمانی معین در مقابل مبلغی به خریدار تحویل دهد. بر اساس این قرارداد، فروشنده مقدار دارایی مورد مصالحه را در سررسید مشخص تحویل می دهد و خریدار نیز مبلغ مورد مصالحه و توافق شده را در سررسید می پردازد. طرفین در قالب شرط ضمن قرارداد به شخص ثالث یا کارگزاری وکالت می دهند که از وجه الضمان آنها متناسب با نوسانات قیمت در بورس به طرف دیگر اباحه تصرف بدهد. هر یک از طرفین می توانند قبل از سررسید با انعقاد قرارداد صلح دیگری شخص ثالثی را در قرارداد صلح اولیه جایگزین خود نمایند و پس از تسویه از قرارداد خارج شوند. کلیه قرارداد ها در زمان سررسید مقرر حتما باید تسویه شوند.

#### 4- قرارداد اختیار معامله - آپشن (Option)

قرارداد اختیار خرید: قراردادی است که به موجب آن عرضه کننده کالا، حق خرید مقدار معینی از کالای مورد نظر را در زمان معین و با قیمت مشخص تعیین شده در حال حاضر به طرف دوم قرارداد اعطا می نماید بدون اینکه طرف دوم ملزم به خرید آن کالا باشد.

قرارداد اختیار فروش: قراردادی است که به عنوان شرط ضمن عقد، به موجب آن خریدار حق فروش مقدار معینی از کالای مورد نظر را در زمان معین و با قیمت مشخص به طرف دیگر اعطا می نماید. بدون آنکه فروشنده ملزم به فروش کالا در تاریخ قید شده باشد.

در همه قراردادهای اختیار خرید و فروش کارمزد بالاتری نسبت به انواع قراردادهای دیگر مورد محاسبه قرار میگیرد. بسته به زمان لغو یا تحویل کالا این قراردادها به دو نوع سیستم آمریکایی و اروپایی نیز تقسیم بندی می شوند.

در اینجا چهار مورد از عمومی ترین قراردادهای استفاده شده در بورس های بین المللی توضیح داده شد. شایان ذکر است موارد دیگری مانند قرارداد اعتباری، قرارداد معاوضه، قرارداد صلح و موارد مختلف دیگری قرارداد وجود دارد که به علت عمومیت نداشتن در بازار مبادلات ارز از توضیح در مورد آنها صرف نظر می نمایم.

#### جلسه دوم : تعاریف پایه در بازار مبادلات ارز

- [آشنایی با ISO کدها \(نمادها\)](#)
- [آشنایی با \(Pairs\) جفت ارزهای متداول](#)
- [آشنایی با \(PIPs, Points\) واحد سنجش تغییرات](#)
- [آشنایی با تعاریف \(Spread\) کارمزد و \(Bid&Ask\)](#)
- [آشنایی با تعاریف Leverage و \(Margin\) اهرم افزایش سرمایه](#)
- [آشنایی با Amount ، Lot واحد اندازه گیری حجم معاملات](#)
- [اصول انجام محاسبه سود و زیان](#)
- [آشنایی با انواع دستورات](#)

- [آشنایی با Market Orders](#)
- [آشنایی با Pending Order](#)
- [آشنایی با سایر دستورات معاملاتی](#)
- [آشنایی با روش های بررسی بازارهای مالی](#)
- [آشنایی با مفهوم بهره شبانه و نحوه محاسبه در معاملات](#)

## آشنایی با ISO کدها (نمادها) در بازار مبادلات ارز

نمادها علامت های اختصاری هستند که سازمان استاندارد جهانی (ISO) برای ارزها، شاخص ها و کالاهای اساسی معین نموده است. این نمادها معمولاً سه حرفی هستند. معمولاً در نام اختصاری ارزها دو حرف اول نماد علامت اختصاری کشور مربوطه و حرف سوم نماد یا حرف اول ارز مربوطه می باشد.

دولار ایالات متحده امریکا USD United States Dollar

یورو اتحادیه اروپا EUR European Union Euro

ین ژاپن JPY Japanese Yen

پوند انگلستان GBP Pound Sterling

فرانک سوئیس CHF Swiss Franc

دولار استرالیا AUD Australian Dollar

دولار کانادا CAD Canadian Dollar

یک اونس طلا XAU Gold ounce

یک اونس نقره XAG Silver ounce

## آشنایی با مفهوم جفت ارز (Currency Pairs)

همواره ارزش یا قیمت هر ارز در بازار با ارز دیگری تعیین می شود. به عنوان مثال ارزش یورو باید بر اساس ارز دیگری بیان شود، قیمت یورو در مقابل دلار (یعنی هر یک یورو چه میزان برابری نسبت به دلار ارزش دارد) قیمت یورو در مقابل پوند (برای هر یک یورو چه مقدار پوند باید پرداخت شود). از اینرو در بازار مبادلات ارز با جفت ارزها سر و کار خواهیم داشت. جفت ارزها با نماد اختصاری (ISO) دو ارز مشخص می شوند مانند:

(EUR/USD میزان برابری یورو در مقابل دلار)

(GBP/USD میزان برابری پوند در مقابل دلار)

(USD/CHF میزان برابری دلار در مقابل فرانک سویس)

(USD/JPY میزان برابری دلار در مقابل ین ژاپن)

چهار جفت ارز فوق را جفت ارزهای اصلی (Major Currency) می گویند و در صورتی که در یک جفت ارز دلار ایالات متحده وجود نداشته باشد آن را ارز متقاطع (Cross Rate) می نامند. مانند EUR/JPY : GBP/CHF- AUD/CAD

در یک جفت ارز، ارز اول را ارز پایه (Base Currency) و ارز دوم را ارز متقابل (Counter Currency) می نامند. این ترتیب از آنجا حائز اهمیت است که نرخ یک واحد از ارز پایه را بر اساس ارز متقابل بیان می کنند. بعنوان مثال اگر نرخ خرید جفت ارز EUR/USD برابر 1.4328 باشد بدین معنی است که هر یک یورو، 1.4328 دلار می ارزد و برای خرید یک یورو باید 1.4328 دلار بپردازیم.

### آشنایی با واحد سنجش تغییرات جفت ارزها (PIPs, Points)

به علت حجم بالای معاملات در بازار تبادلات ارزی (مبادلات ارز) معمولاً نرخ برابری ارزها تا پنج رقم صحیح و اعشار محاسبه می شوند. در اغلب موارد، در ارزهای اصلی به جز ین ژاپن برابری ارزها به شکل یک رقم صحیح و چهار رقم اعشار آورده می شوند. در جفت ارزهایی که نرخ برابری آنها تا چهار رقم اعشار محاسبه می شود، به رقم چهارم بعد از اعشار پیپ (Pips) یا (Point) می گویند.

مثلاً اگر قیمت یورو به دلار از 1.3382 به 1.3384 برسد، می گوئیم 2 پیپ افزایش یافته است. به عنوان یک مثال دیگر اگر قیمت پوند به دلار از 1.8855 به 1.8757 برسد می گوئیم نرخ برابری پوند به دلار، 98 پیپ کاهش یافته است.

در جفت ارزهایی که شامل ین ژاپن هستند (و طبق آنچه گفته شد تا دو رقم اعشار محاسبه می شوند) رقم دوم بعد از اعشار را پیپ یا پوینت می نامیم.

به عنوان مثال اگر قیمت GBP/JPY از 188.99 به 188.88 برسد می گوئیم 11 پیپ افزایش یافته است.

### آشنایی با مفهوم اسپرد (Spread) و قیمت خرید و فروش (Bid & Ask)

در بازار مبادلات ارز، برای هر جفت ارز در هر لحظه دو قیمت متفاوت وجود دارد. یکی قیمتی است که شما می توانید در آن قیمت خرید انجام دهید (این نرخ را Ask می گویند) و دیگری قیمتی است که شما می توانید در آن قیمت فروش انجام دهید



(این قیمت را Bid می گویند) تفاوت این دو قیمت را اسپرد (Spread) می نامیم.

مثلا در نرم افزار معاملاتی به EUR/USD نگاه کنید، خواهید دید: Ask 1.4703 و Bid 1.4701 بدین معنی که قیمت خرید جفت ارز یورو به دلار برای شما 1.4703 و قیمت فروش این جفت ارز برای شما 1.4701 می باشد. تفاوت این نرخ ها معمولا در یک کارگزار مقدار ثابتی است. مثلا در این مثال اسپرد EUR/USD دو پوینت یا دو پیپ می باشد.

اسپرد در واقع هزینه ای است که معامله گر برای انجام معامله خود می پردازد. همانطور که ملاحظه می کنید، نسبت به حجم معامله عدد بسیار کوچکی خواهد بود.

### آشنایی با تعریف لوریج (Leverage) اهرم افزایش سرمایه

از آنجا که تغییر نرخ برابری ارزها در بازار، روزانه در حدود یک درصد می باشد، ممکن است معامله گران و سرمایه گزاران شخصی و خرده پا رغبتی به معامله در بازار تبادلات ارزی نداشته باشند. چرا که اگر بتوانند با انجام معامله مناسب در زمان مناسب کل این تغییر نرخ را به نفع خود داشته باشند نیز در روز حداکثر یک درصد سود خواهند داشت که برای سرمایه های کوچک رقم بسیار ناچیزی خواهد شد. از این رو در بازار مبادلات ارز مفهومی به نام اعتبار اهرمی یا Leverage مطرح می گردد.

با استفاده از اعتبار اهرمی، سرمایه گزار می تواند تا 100 برابر سرمایه خود وارد معامله شود (این رقم می تواند بسته به کارگزار شما بین 50 تا 500 متغیر باشد) به عنوان مثال معامله گری که 10000 دلار سرمایه در اختیار دارد، می تواند تا 1000000 دلار معامله انجام دهد. بنابراین اگر در یک معامله 1000000 دلاری، بتواند یک دهم نوسان روزانه یک جفت ارز را شکار کند، یعنی 0.1 درصد، 1000 دلار سود عاید وی خواهد شد که برابر 10 درصد سرمایه اولیه وی می باشد. به این معنی که با در اختیار داشتن 10000 دلار، یک معامله یک میلیون دلار را آغاز می کند. در اینجا معامله گر صاحب یک معامله یک میلیون دلاری است، هر چقدر که این معامله سود ایجاد کند متعلق به وی خواهد بود ولی اگر این معامله به ضرر منجر شود، ضرر معامله یک میلیون دلاری از 10000 دلار وی کاسته می شود تا جایی که ممکن است ضرر این معامله به اندازه کل 10000 دلار سرمایه برسد. در چنین وضعیتی، معامله به طور خودکار از طرف کارگزار بسته می شود. همانطور که مشاهده می کنید، اعتبار اهرمی یا Leverage مانند یک شمشیر دو لبه عمل می کند. هم می تواند سودهای معامله گر را صدها برابر کند و هم منجر به ضرر او شود.

## آشنایی با لات Amount - ، Lot واحد اندازه گیری حجم معاملات

Contract Size اندازه حجم قرارداد یک معامله در بازار مبادلات ارز می باشد. اندازه قراردادها با واژه هایی مانند لات Amount یا Lot سنجیده می شود. در Amount حجم معامله به ارز پایه یا ارز اصلی سنجیده میشود و Lot واحد اندازه گیری حجم معامله می باشد در بیشتر قراردادها هر لات برابر با 100000 واحد ارز پایه است.  
 $100000 = \text{Lot } 1 = K \text{ Amount } 100$   
اندازه اغلب معاملات مضربی از 100000 واحد محاسبه می شود.  
 $10000 = \text{Lot } 0.1 = K \text{ Amount } 10$

### اصول انجام محاسبه سود و زیان

محاسبه سود و زیان معامله ای از یک جفت ارز بر اساس ارز دوم (Counter Currency) انجام می شود.  
نحوه محاسبه سود و زیان تغییرات قیمت بر اساس ارز دوم  
 $(\text{Profit or Loss} = (\text{Sell Price} - \text{Buy Price}) * (\text{Amount}))$   
مثال: معامله گری جفت ارز یورو به دلار آمریکا را با اعتبار نیم لات در قیمت 1.2744 فروخته و در قیمت 1.2717 خرید انجام داده است سود یا زیان این معامله به شیوه زیر محاسبه می شود.

EUR/USD

Buy Price= 1.2717

Sell Price= 1.2744

Contract Size= 0.5 Lot or 50K

Profit or Loss =  $(1.2744 - 1.2717) * 50000 = 135\$$

این معامله 135 دلار سود داشته است.

از آنجا که ارز مبنا اغلب حساب های معاملاتی در بازار مبادلات ارز به دلار می باشد معامله گران ترجیح می دهند سود و زیان معامله ایشان به دلار محاسبه گردد. روش محاسبه ای که در بالا ذکر شد سود و زیان بر مبنای ارز دوم (Counter Currency) محاسبه می شود. در صورتی که ارز دوم دلار نباشد یک مرحله عملیات تقسیم قیمت لحظه خروج معامله به دلار نیز محاسبه می گردد.

$(\text{Profit or Loss} = ((\text{Sell Price} - \text{Buy Price}) / \text{Closing Price}) * (\text{Amount}))$

قیمت خروجی (Closing Price) قیمتی است که فارق از نوع فرمان اولیه خرید یا فروش، معامله در این قیمت پایان می یابد. در صورتی که در ابتدا اقدام به خرید کرده باشیم قیمت خروجی قیمت فروش می باشد و در صورتی که در ابتدا اقدام به خرید کرده باشیم قیمت خروجی قیمت خرید می باشد. در انتها، محاسبه ما تقسیم بر این قیمت خروجی می شود تا سود و زیان معامله به ارز اول سنجیده شود.

مثال: معامله گری جفت ارز دلار آمریکا به ین ژاپن را با اعتبار Lot 2 ابتدا در قیمت 106.89 خریده و در قیمت 107.10 فروخته است سود یا زیان این معامله به شیوه زیر حساب می شود.

USD/JPY



Buy Price= 106.89 (Opening Price)

Sell Price= 107.10 (Closing Price)

Contract Size= 2 lot or 200K

Profit or Loss=  $((107.10 - 106.89)/107.10) * 200000 = 392.16\$$

این معامله 392.16 دلار سود داشته است.

## آشنایی با انواع دستورات

هر نوع معامله در بازار مبادلات ارز با مشخص شدن چهار شاخص دستوری انجام می پذیرد: 1- نوع جفت ارز 2- حجم معامله 3- تعیین دستور خرید یا فروش 4- قیمت ورودی معاملات در بازار مبادلات ارز به دو شکل کلی انجام می پذیرد 1- Market Order 2- Pending Order

## آشنایی با Market Orders

سفارش و دستوری که معامله گر به صورت دستی و لحظه ای بر اساس نرخ های موجود ارائه شده وارد بازار می شود. دستوراتی که برای کارگزار دارای چهار شاخص بالا باشد دستورات لحظه ای ورود به بازار نامگذاری می شود. این دستورات توافق مشتری با نرخ لحظه ای ارائه شده کارگزار را برای ورود به معامله جدید نشان می دهد.

## آشنایی با Pending Order

سفارش و دستوری که بر اساس قیمت حال حاضر بازار تعیین نشود بلکه بر اساس تغییرات قیمت دستور ورود به بازار تنظیم گردد دستورات معلق نامیده می شود. به عنوان مثال اگر قیمت جفت ارز EUR/USD برابر 1.4328 باشد، معامله گر می تواند یک دستور به کارگزار ارسال کند که اگر قیمت به 1.4421 رسید، خرید یا فروشی برای وی انجام دهد. دستورات معلق نسبت به دستورات بازاری دارای یک پارامتر اضافی یعنی زمان می باشد. در زیر دو نمونه از این دستورات بسته به جهت و قیمت توضیح داده می شود.

1- (GTC (Good till cancelled) دستوری که تا زمانی که معامله گر آن را باطل نکند در بازار آماده فعال شدن باقی می ماند.

2- (GFD (Good for day) دستوری که تا پایان همان روز کاری اعمال دستور آماده باقی می ماند و در صورت اتمام روز کاری دستور غیر فعال می شود. اتمام روز، ساعت توافقی کارگزار می باشد که از قبل به اطلاع سرمایه گذار رسیده است. اغلب کارگزاران ساعت 24 گرینویچ را پایان روز کاری خود قرار می دهند و دستورات GFD در صورت فعال نشدن در این ساعت ابطال می شود.

انواع Pending Order غیر از مبحث زمان فعال سازی به قیمت فعال سازی دستور نیز وابستگی دارند و از این لحاظ به چهار دسته تقسیم می شوند.

(A) Buy Limit) دستور بای لیمیت دستوری است که سفارش خرید در

قیمتی پایین تر از قیمت جاری بازار گذاشته می شود. این دستور زمانی استفاده می شود که معامله گر آغاز روند صعودی را پایین تر از قیمت فعلی بازار پیش بینی می کند.

**(B) Sell Limit** دستورسل لیمیت دستوری است که سفارش فروش در قیمتی بالاتر از قیمت جاری بازار گذاشته می شود. این دستور زمانی استفاده می شود که معامله گر آغاز روند نزولی را بالاتر از قیمت فعلی بازار پیش بینی میکند.

**(C) Buy Stop** دستور بای استاپ دستوری است که سفارش خرید را در قیمتی بالاتر از قیمت جاری بازار قرار می دهد. این دستور زمانی استفاده می شود که معامله گر آغاز روند صعودی را بالاتر از قیمت فعلی بازار، پیش بینی می کند.

**(D) Sell Stop** دستور سل استاپ دستوری است که سفارش فروش را در قیمتی پایین تر از قیمت جاری بازار قرار می دهد. این دستور زمانی استفاده می شود که معامله گر آغاز روند نزولی را پایین تر از قیمت فعلی بازار، پیش بینی می کند.

### آشنایی با سایر دستورات معاملاتی

غیر از انواع دستوراتی که برای ورود به معاملات نزد کارگزار قابل تعریف می باشد دستورات دیگری نیز وجود دارند که از جنبه های مختلف مدل معاملات را برای کارگزار مشخص می کند. از مهمترین این دستورات که برای معاملات فعال و باز تعریف می شود (تیک پرافیت و استاپ لاس **Stop Loss** (و **Take Profit** هستند.

**Stop Loss** یا **Cut Loss** از خانواده دستورات استاپ می باشد. این دستور برای کارگزار مشخص می کند در صورتی که معامله وارد ضرر شد در چه قیمتی کارگزار معامله را با زیان متوقف کند.

**Take Profit** دستوری از خانواده دستورات لیمیت می باشد. این دستور برای کارگزار مشخص می کند در صورتی که معامله وارد سود شد کارگزار معامله را با چه میزان سود به پایان برساند. سفارشات دیگری نیز بین کارگزاران وجود دارد که قابلیت های دیگری را به معامله گر برای انجام معاملات ارائه می دهد مانند سفارش **OCO (One cancel the other)**، در این سفارش دو دستور به هم ربط پیدا می کنند. فعال شدن هر کدام بصورت خودکار دستور مرتبط را باطل می کند.

با اینکه دستورات دیگری نیز بین کارگزاران یا شبکه بانکی وجود دارد به علت عمومیت نداشتن فعلا به ذکر همین نمونه ها بسنده می کنیم.

### آشنایی با روش های بررسی بازارهای مالی

بطور کلی سوداگران (معامله گران) از سه روش پایه برای تحلیل و پیش بینی بازار استفاده می کنند.

**الف) Technical Analysis**: تحلیل تکنیکال) تکنیکالیست ها افرادی هستند که از مطالعه رفتار های بازار با استفاده از نمودارها با هدف پیش بینی آینده روند قیمت ها استفاده می کنند. آنها عقیده دارند هر چیزی که بتواند در قیمت تاثیرگذار باشد عینا

در قیمت فعلی لحاظ شده است. تکنیکالیست ها بر پایه سه نظریه پایه به تجزیه و تحلیل بازار می پردازند:

- تغییر قیمت ها هدفمند می باشد
- قیمت ها بر اساس روند ها حرکت می کنند
- در مورد قیمت، تاریخ تکرار می شود

(ب) **Fundamental Analysis**: تحلیل فاندامنتال) فاندامنتالیست ها، سوداگرانی هستند که بر اساس متغیرهای سیاسی، واقعیت های اقتصاد بین الملل و وضعیت اقتصاد داخلی با تفسیر بنیادی در جستجوی انگیزه ها و دلایل حرکت نرخ های مبادله ارزی می باشند.

(ج) **Technical & Fundamental Analysis**: تحلیل تکنیکال و فاندامنتال) سوداگرانی که با ترکیب و تجزیه تحلیل عوامل تکنیکال و فاندامنتال به تفسیر و پیش بینی آینده قیمت در بازار می پردازند. روش این دسته از سوداگران بیش از آنکه وابسته به هر کدام از دو دسته بالا باشد بر اساس تجربه و ترکیب عوامل گوناگون تغییرات قیمت و عوامل بنیادی می باشد.

## آشنایی با مفهوم بهره شبانه (سواپ) Swap- و نحوه محاسبه در معاملات

از آنجا که اغلب معاملات در بازار ارز در شبکه بانکی انجام می شود و واسطه سرمایه گذاران با بانک ها در قالب موارد بروکر (کارگزاران) می باشند. کارگزاران به علت اینکه نرخ بهره در کشورهای مختلف نزد بانک ها متفاوت می باشد بر اساس ساعت مشخص خویش ما به تفاوت نرخ بهره معاملات باز مشتریان را محاسبه و نرخ بهره آنرا در سود و زیان معامله لحاظ می کنند. بروکری نیز وجود دارند که در زمان بازگشایی حساب به مشتریان اطلاع می دهند سیستم آنها بر مبنای کسر مبلغی معین به ازای هر لات معامله بعد از پایان روز کاری می باشد. مفهوم بهره شبانه در معاملات اسپات (لحظه ای) که کمتر از دو روز کاری معاملات باز می باشند کاربرد زیادی ندارد ولی در صورتی که قصد سوداگری با معاملات بلند مدت را دارید حتما از روش محاسبه بهره شبانه کارگزار و نرخ های بهره کشورهای مختلف آگاهی داشته باشید.

جلسه سوم: توانایی کار با نرم افزار معاملاتی متاتریدر ، پلاتفرم MT4

- [اصول نصب نرم افزار \(MetaTrader\)](#)
- [اصول کار با منوهای مختلف](#)
- [اصول کار با منوی File](#)
- [اصول کار با منوی View](#)
- [اصول کار با منوی Insert](#)
- [اصول کار با منوی Charts](#)

- [اصول کار با منوی Tools](#)
- [اصول کار با منوی Window](#)
- [اصول نصب و استفاده از Expert و Indicator](#)

بروکرها در بازار مبادلات ارز کارگزارانی می باشند که مشتریان خرد را به بانک ها و موسسات مالی بین المللی متصل می کنند. ایشان با ایجاد شرایط دادوستد برای سوداگران (معامله گران) امکان حضور ایشان را در بورس های بین المللی فراهم می کنند. با اینکه عمر سوداگری و کسب سود از تغییر نرخ ارزهای مختلف سابقه ای به اندازه اختراع پول دارد ولی حضور عامه مردم و آسان شدن شرایط معامله برای سرمایه گزاران کوچک سابقه ای بیش از 15 سال ندارد. پیشرفت تکنولوژی و آسان شدن ارتباطات باعث فراهم شدن این شرایط برای سرمایه گزاران شده است. هر بروکر در بازار مبادلات ارز جهت انجام معاملات نیاز به محیطی دارد که بتواند از طریق آن با مشتریان خود ارتباط برقرار کرده و در عین حال که آنها را از قیمت های خود آگاه می سازد شرایطی را فراهم سازد که بر اساس آن بتوان مراحل انجام یک معامله را به ثبت رساند. اصولا این مراحل شامل دریافت تقاضای پیش خرید و پیش فروش و بستن معاملات می باشد که هر کارگزاری بر روی کالاها یا ارزهای به خصوصی کار می کند که به کاربران خود بر اساس آن سرویس می دهد. برای ارائه این خدمات هر بروکر از محیطی خاص با نام پلتفرم (پایانه معاملاتی Platform) استفاده می کند که ممکن است بروکرهای مختلف از پلتفرم های مشابهی استفاده کنند. بعضی از این پلت فرم ها در بین کاربران از محبوبیت بیشتری برخوردارند. هر پلتفرم امکانات مخصوص به خود را دارد به طوری که در بعضی از آنها فقط امکان انجام معامله وجود دارد و آنالیز بازار و تغییرات قیمت را باید از محل دیگری به دست آورد. البته پلتفرم های دیگری وجود دارند که علاوه بر قبول دستورات خرید و فروش، این امکان را به ما می دهند که علاوه بر عملیات ذکر شده، منحنی تغییرات لحظه ای قیمت را دنبال کرده و با استفاده از ابزارهای مختلف موجود در این فضا به تحلیل و آنالیز بازار بپردازیم. برای دستیابی به پلتفرم مخصوص هر بروکر باید به سایت اینترنتی آن بروکر مراجعه نمود و پلتفرم را از آنجا دریافت کرد. نکته قابل ذکر این است که بسیاری از بروکرها بابت استفاده از پلتفرم هزینه جداگانه ای دریافت می کنند، در حالی که تعداد دیگری از بروکرها، پلتفرم خود را به رایگان در اختیار مشتریان و حتی عموم قرار می دهند. امکان بسیار جالبی که در اغلب پلتفرم ها وجود دارد. قابلیت انجام معاملات مجازی در حسابهای دمو (Demo Account)، یعنی بدون واریز هیچگونه مبلغی، در شرایط کاملا واقعی بازار می باشد که باعث می شود افراد مبتدی در شروع کار بدون وارد شدن ضرر به آنها کسب تجربه نمایند. در این قسمت با آموزش نسخه نرم افزار متاتریدر 4، شما را با یکی از معروفترین و کاربردی ترین پلتفرم های بروکرها آشنا می کنیم MetaTrader. از معروف ترین نرم افزارهایی است که علاوه بر اینکه رایگان است، نمودارهای قیمت

را در اختیار ما قرار می دهد و شرایط دمو را نیز دارا است. این نرم افزار متعلق به شرکت MetaQuotes می باشد که تحت نظر این شرکت بروکرهای بسیاری در بازار مبادلات ارز به مشتریان خود از طریق آن ارائه خدمات می کنند <http://www.metaquotes.net>.

### اصول دانلود نرم افزار متاتریدر (MetaTrader)

اصول دانلود نرم افزار متاتریدر 4 و فعال سازی این نرم افزار : پس از کلیک بر روی لینک [دانلود نرم افزار متاتریدر از اینجا](#) ، و انتخاب دکمه save file مطابق تصویر (1) ، یک فایل اجرایی با نام fibo4setup.exe بر روی کامپیوتر شما ذخیره میشود ؛ به محلی که این فایل اجرایی ذخیره شده رفته و بر روی آن دوبار کلیک می کنیم تا این فایل اجرا شود (برای انجام این مرحله میتوانید مستقیماً به دسک تاپ رفته و بر روی شورت کات - fibo4setup دابل کلیک کنید و یا به پوشه دانلود در فولدر داکيومنت کامپیوتر خود رفته و بر روی فایل ذخیره شده fibo4sutup دابل کلیک کنید) ؛ که در این صورت پنجره ای مانند تصویر دوبار می شود .



تصویر یک

در پنجره باز شده جدید تصویر دو گزینه Next را میزنیم.



تصویر دو - برنامه نصب متاتریدر 4

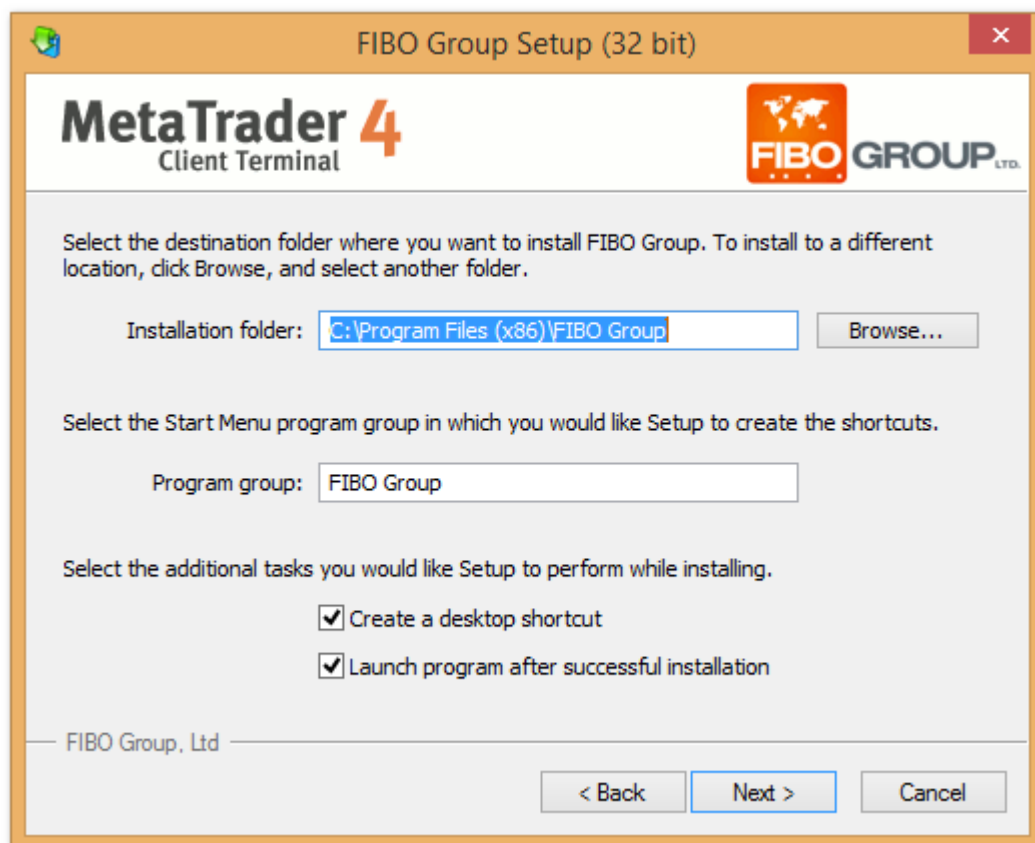
پس از آن در پنجره جدید - تصویر سه ، با تیک زدن گزینه Yes, I agree with all the terms of this license agreement موافقت خود را با توافقنامه نرم افزار برای استفاده اعلام می کنیم، با انجام این کار و فعال شدن گزینه Next به نصب نرم افزار ادامه می دهیم .





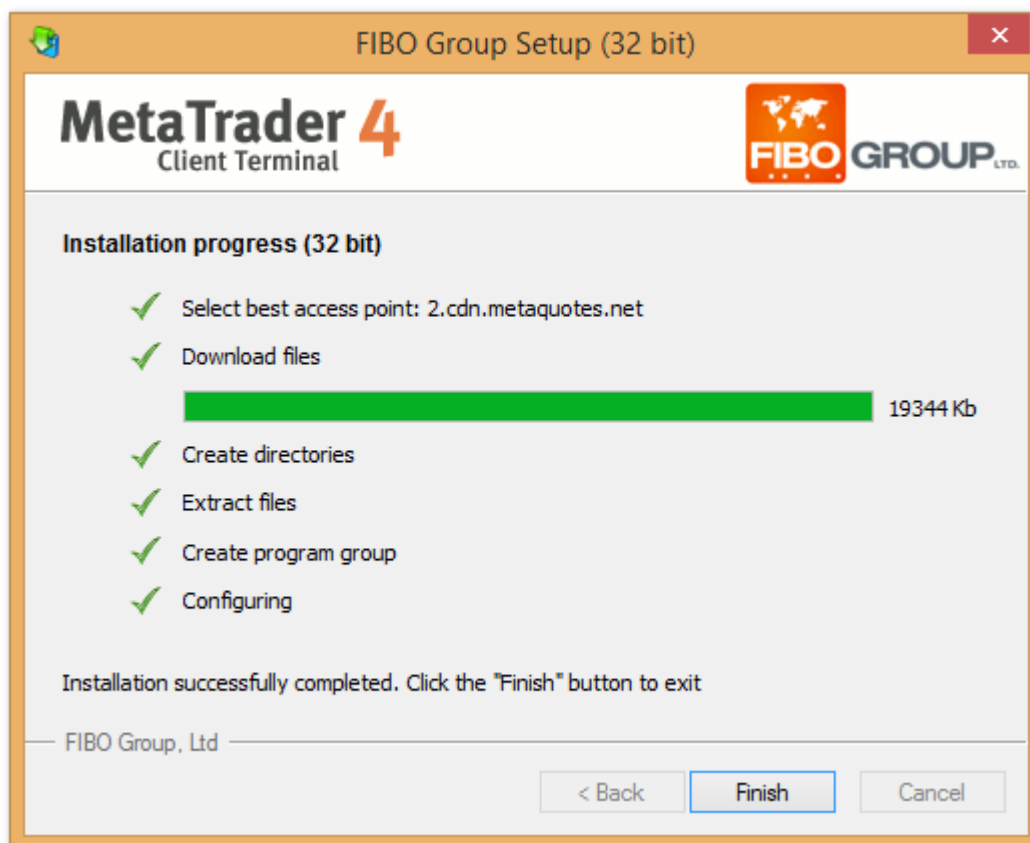
تصویر سه - موافقتنامه استفاده از نرم افزار

در پنجره باز شده جدید، تصویر چهارم با انتخاب مسیر نصب نرم افزار پلتفرم معاملاتی، گزینه Next را برای ادامه نصب میزنیم. شایان ذکر است که به خاطر سپردن مسیر نصب نرم افزار، برای اضافه کردن ابزارهای جانبی حائز اهمیت می باشد.



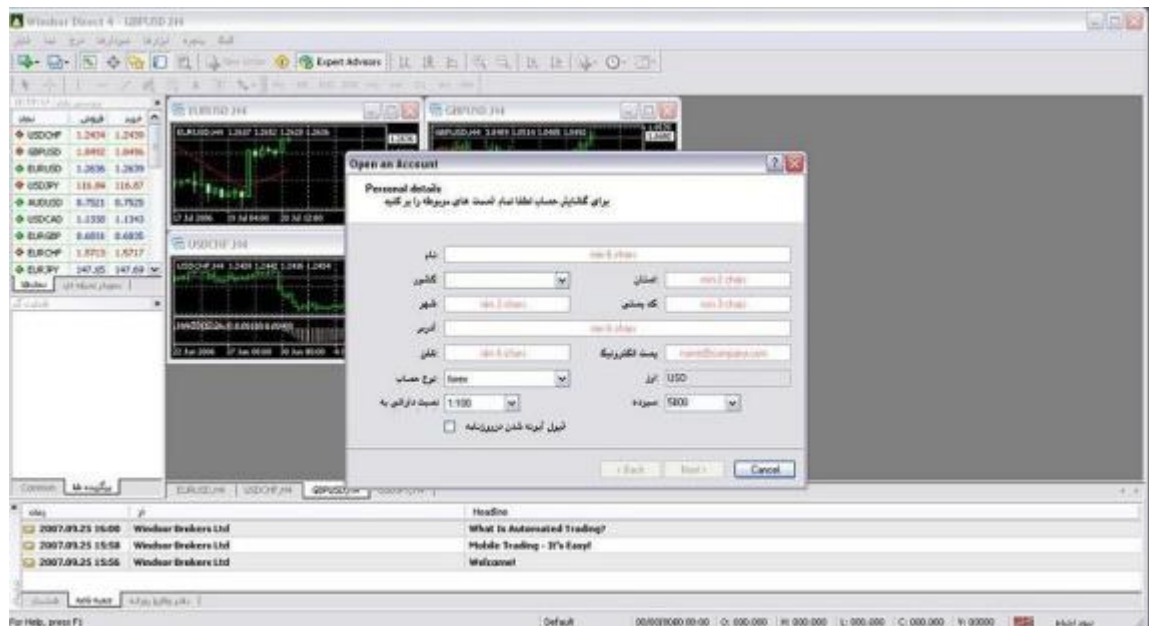
تصویر چهار - محل نصب و...

نصب نرم افزار در جایگاه تعریف شده انجام می پذیرد. و در انتها پنجره ای مانند تصویر پنج پایان موفقیت آمیز نصب نرم افزار را نشان می دهد و با فشار دادن گزینه Finish به پایان نصب نرم افزار می رسیم.



تصویر پنج - پایان نصب برنامه

پس از نصب کامل، نرم افزار ( پلتفرم متاتریدر ) به شکل خودکار برای اولین بار روی رایانه اجرا می شود. پس از چند لحظه صفحه مشکی رنگ پلتفرم متاتریدر ظاهر شود ، ( تصویر شش ) ممکن است بر روی آن یک فرم برای درج اطلاعات اولیه شما وجود داشته باشید پنجره این فرم را ببندید و در صورتی که شماره حساب و پسورد دارید درج نموده و وارد سیستم شوید. در غیر این صورت برای دریافت مشخصات لاگین و پسورد حساب آزمایشی [\(دمو\) اینجا را کلیک کنید](#)



تصویر شش - پنجره باز شده را کنسل نمایید

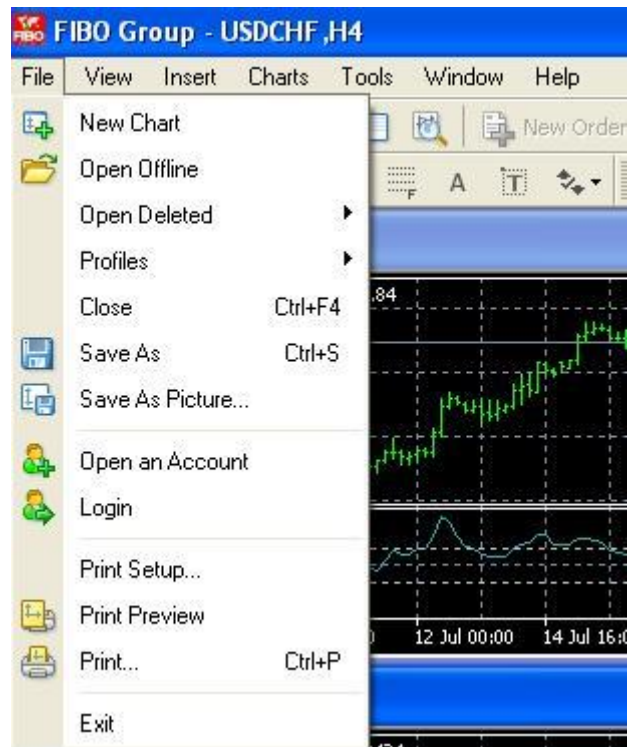
شایان ذکر است در صورتی که گزینه **Save account information** انتخاب شده باشد پس از هر بار باز شدن نرم افزار نیازی به وارد کردن این اطلاعات نیست و نرم افزار به صورت خودکار، اطلاعات شما را برای باز کردن حساب استفاده می کند. پس از پایان مراحل فوق نرم افزار شما به بروکر متصل و قابلیت تحلیل و معاملات در صورت داشتن اطلاعات آنلاین وجود خواهد داشت.

### اصول کار با منوهای مختلف پلتفرم متاتریدر

به طور کلی نرم افزار معاملاتی متاتریدر (پلتفرم متاتریدر) دارای چهار قسمت کلی می باشد. الف) منوهای بالای نرم افزار که کلیه ابزارهای نرم افزار در داخل آنها قرار دارد. ب) تولبار ابزارهای میان بر منوهای نرم افزار، که برای راحتی و سرعت استفاده کاربر در یک یا دو سطر زیر منوهای اصلی قرار دارند. ج) محیط میانه نرم افزار که نمودارها و ابزارهای کاربردی در این قسمت نمایش داده می شود. د) تولبار زیرین که شامل دو قسمت **Status Bar** و **Charts Bar** می شود.

### اصول کار با منوی (File)

بعد از کلیک بر روی منوی مربوطه تصویر زیر دیده می شود.



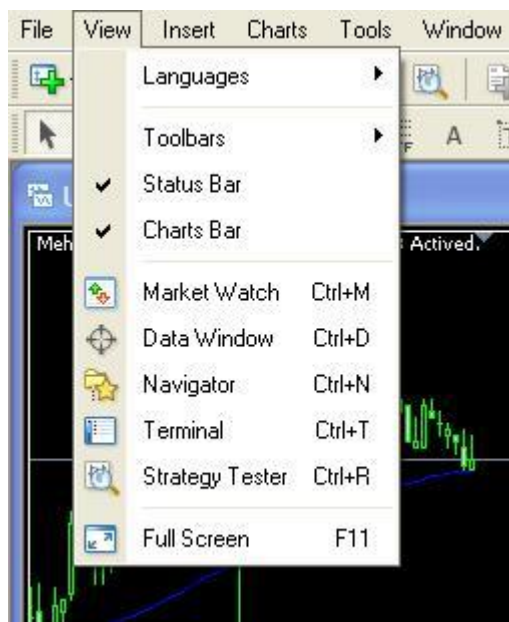
این منو از پنج قسمت اصلی و 13 گزینه تشکیل شده است: New 1 )  
**Chart:** در این قسمت شما می توانید نمودار زوج ارز، سهام، کالاها یا شاخص هایی را که کارگزارتان به ارائه قیمت می پردازد را مشاهده کنید. 2: **Open Offline** (در صورتی که چارتی را قبلا باز کرده باشید یا اطلاعات قیمتی از آن بر روی یارانه ذخیره شده باشد در این قسمت ذخیره شده و حتی در صورت دسترسی نداشتن به اینترنت یا باز نبودن آن چارت می توانید از این نمودارها استفاده نمایید. 3: **Open Deleted** (این قسمت نیز مانند قسمت قبل امکان دسترسی کاربر به نمودارهایی را می دهد که در گذشته بر روی نرم افزار باز بوده اند و سپس پاک یا بسته شده اند. 4 )  
**Profile:** قسمتی که اجازه ذخیره اطلاعات، چیدمان جفت ارزها و تنظیمات شخصی را به کاربر می دهد. گزینه **Profile** از دو بخش کلی و چند زیر مجموعه تشکیل شده است قسمت اول امکان رفتن یا برگشتن به پروفایل های بعدی یا قبلی را می دهد گزینه بعدی مربوط به ذخیره پروفایل جاری است. گزینه پس از آن برای پاک کردن پروفایل های دیگر می باشد در قسمت **Remove** میتوان به جز دو پروفایل **Default** و پروفایل فعال، باقی پروفایل ها را پاک کرد. 5: **Close** (برای بستن نمودار **(Chart)** فعال در نرم افزار بکار می رود در صورتی که به اشتباه چارتی بسته شد میتوان از قسمت **Open Deleted** دوباره آن چارت را با همان تنظیمات گذشته باز کرد. 6: **Save As:** گزینه ای که اجازه ذخیره اطلاعات ارقامی نمودار فعال نرم افزار را با فرمت های عددی می دهد: **Save As Picture:** 7) گزینه ای که اجازه ذخیره تصاویر را می دهد. در داخل پنجره باز شده این قسمت سه گزینه وجود دارد انتخاب گزینه اول به معنای

ذخیره کلی تصویر نرم افزار با تمامی منوهای آن می باشد  
 گزینه دوم به معنای ذخیره تصویر چارت فعال با اندازه در حال  
 نمایش و اصلی آن می باشد گزینه سوم نیز امکان ذخیره تصویر  
 فعال چارت را با قابلیت تنظیم پیکسل های خواهان نمایش آن،  
 به ما می دهد. **Open an Account: 8** (همانطور که در گذشته به تشریح  
 این قسمت پرداخته ایم از این گزینه برای بازکردن حساب دمو  
 یا حقیقی نزد بروکر استفاده می شود. **Login: 9** (این گزینه برای  
 باز کردن حساب و ارائه اطلاعات شماره حساب و پسورد به سرور  
 بروکر استفاده می شود. **Print Setup: 10** (گزینه ای که تنظیمات  
 خروجی چاپ را برای نرم افزار تعریف می کند. **Print Preview: 11**  
 گزینه ای که پیش نمایش تصویر قابل چاپ را نمایش می دهد (12).  
**Print:** گزینه ای که اجازه چاپ تصویر را از نرم افزار متاتریدر  
 با تنظیمات دلخواه ارائه می کند. **Exit: 13** (برای خروج از نرم  
 افزار استفاده می شود.

### اصول کار با منوی (View)

بعد از کلیک بر روی منوی مربوطه تصویر زیر دیده می شود.

این منو از چهار قسمت اصلی و 10 گزینه تشکیل شده است:



منوی (View)



Languages (1) در این قسمت قابلیت تعویض زبان نرم افزار بر اساس زبان های پیش فرض وجود دارد.

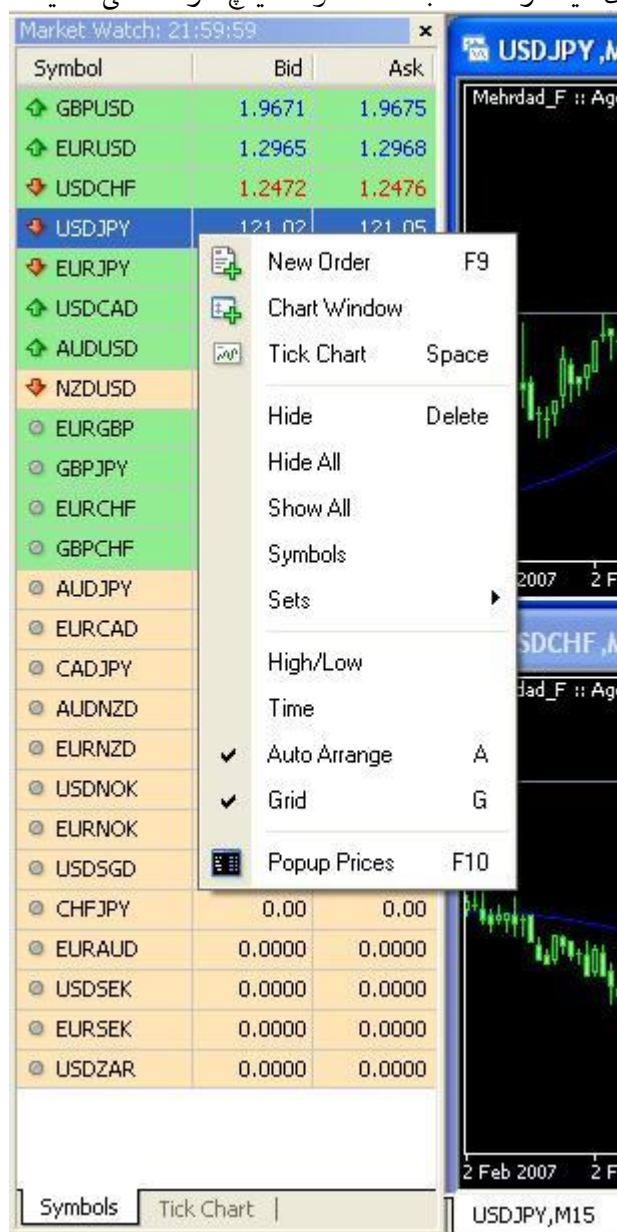
Toolbars (2) این قسمت مربوط به تنظیمات تولبارهای زیر منوهای اصلی می باشد معمولا چهار تولبار پیش فرض با زیر مجموعه هایشان در دو خط زیر منوهای اصلی قرار دارند گزینه Customize این قسمت پنجره ای را باز می کند که در این پنجره اجازه اضافه کردن، کم کردن یا جابجایی گزینه های تولبارها داده می شود.

Status Bar (3) در این قسمت قابلیت نمایش Status Bar زیرین نرم افزار وجود دارد. Status Bar چهار قسمت کلی دارد در سمت چپ کلید F1 صفحه کلید یارانه برای توضیحات کمکی نمایان است بعد از آن از راست به چپ پروفایل فعال (Current profile) نمایش داده شده است که با کلیک روی آن میتوان پروفایل فعلی را تغییر داد سپس اعداد مربوط به تاریخ، قیمت باز شدن، قیمت بالایی، قیمت پایینی، قیمت بسته شدن و والیوم بازه زمانی (کندل استیک) که ماوس روی آن قرار دارد نشان داده می شود و گزینه سمت راست Status Bar مربوط به Connection Status می باشد که در صورت سبز بودن، اتصال نرم افزار به سرور را نشان می دهد.



Charts Bar (4) انتخاب این گزینه قابلیت نمایش تولبار چارت های جفت ارزهای فعال صفحه می باشد این تولبار بر روی تولبار Status Bar قرار دارد (5) Market Watch. این گزینه پنجره ای جدید در سمت راست نرم افزار باز می کند که شامل دو بخش است قسمت اول، آخرین قیمتی که در اتصال با بروکر، نرم افزار داشته است را نشان می دهد. حالت پیش فرض ستون سمت چپ این پنجره جفت ارز یا قیمت سهام و کالا را نشان می دهد دو ستون جلوی جفت ارز قیمت Bid & Ask را نشان می دهد. با کلیک راست در قسمتی از این پنجره روی جفت ارزها گزینه های دیگری مشاهده می شود گزینه اول آن پنجره دستورات جدید نزد بروکر را نشان می دهد گزینه دوم باز کردن چارت آن جفت ارز را انجام می دهد گزینه سوم که قسمت دوم کلی پنجره قیمت ها نیز هست نمودار تغییرات قیمت را بصورت تیک بار و لحظه ای نمایش می دهد پنج قسمت

بعدی مربوط به مخفی کردن یا نمایش گروه های قیمتی از سوی بروکر می باشد چهار قسمت بعدی راست کلیک این پنجره مربوط به نمایش بالاترین و پایین ترین قیمت روز جاری بروکر، آخرین زمان تغییر قیمت آن جفت ارز، مرتب بودن کلیه ارزها و داشتن جدول بین آنها می باشد. آخرین گزینه ای که با راست کلیک در این پنجره مشاهده می کنیم **Popup Prices** می باشد این گزینه حکم همین پنجره قیمت ها را در نرم افزار دارد با این تفاوت که از لحاظ گرافیکی این پنجره قیمتی با پنجره قیمتی نرم افزار متفاوت بوده و قابلیت دیگر آن این می باشد که می توان با راست کلیک و انتخاب گزینه **Always on the Top** همیشه این پنجره بر روی تمامی پنجره های فعال یارانه باشد و هیچ زمانی قیمت ها



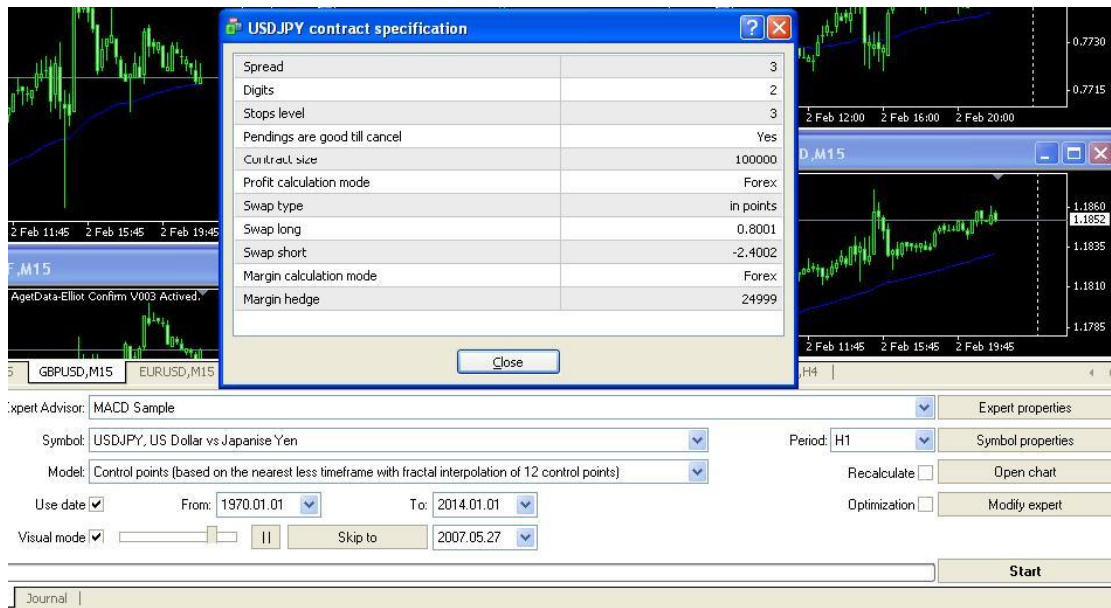
از دید کاربر مخفی نماند

**Data Window:** (6) پنجره ای که با این گزینه فعال می شود جفت ارز فعال نرم افزار، بازه زمانی آن، آخرین زمان تغییرات قیمتی آن جفت ارز، قیمت آغازین، بالایی، پایینی، بسته شدن و حجم

معاملات آن ارز را به همراه اطلاعات ایندیکاتورهای فعال نمودار آن جفت ارز نشان می دهد. **Navigator: 7** (پنجره ای که از بالا به پایین اطلاعات حساب های فعال نرم افزار، ایندیکاتورهای پیش فرض، اکسپرت ها، ایندیکاتورهای اضافه شده و دستورات قابل ارسال به بروکر را نشان می دهد.



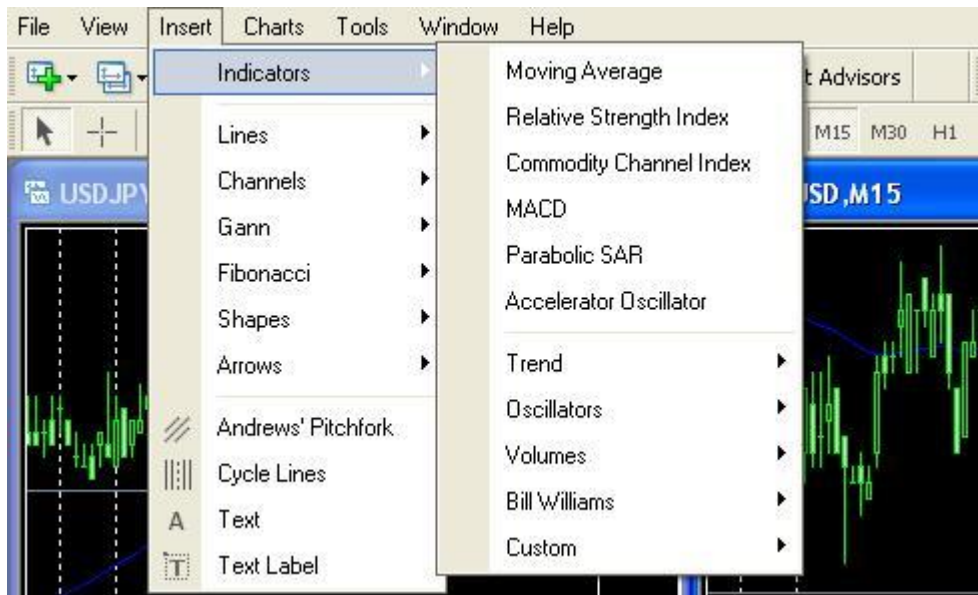
**Terminal :** (8 این قسمت شامل اطلاعات معاملات باز حساب فعال نرم افزار، صورت حساب معاملات، آخرین اخبار ارسالی بروکر، اظهارهای فعال شده کاربر، ایمیل های رسیده از بروکر، اکسپرت های نرم افزار و دفتر انجام فعالیت های نرم افزار می باشد مهمترین استفاده از این قسمت در زمان باز بودن معاملات انجام می شود. **Strategy Tester : 9** (در این قسمت می توان استراتژی هایی را که بصورت برنامه نویسی نوشته شده را در گذشته بازار امتحان کرد این قسمت قابلیت این را دارا می باشد که با سرعتی تعریف شده تغییرات قیمت را بصورت فیلم از گذشته تا بحال نشان داده و نتایج را بصورت های عددی یا نموداری نشان دهد یکی از مهمترین قسمت های آن، گزینه **Symbol properties** می باشد در این قسمت در صورت انتخاب جفت ارز، اسپرد، مقدار فاصله از قیمت و حد ضرر برای تغییر دستورات، اجازه دستورات آینده برای آن ارز، سائز معامله، محاسبه مقدار بهره شبانه برای خرید یا فروش آن جفت ارز و مارجین مورد نیاز را می توان مشاهده کرد.



10) Full Screen: با انتخاب این گزینه تولبارهای زیر منوهای اصلی بالای صفحه و منوی Status Bar به صورت موقت مخفی می شوند. برای باز کردن دوباره این تولبارها به قسمت دوم و سوم منوی View رفته و دوباره آنها را فعال کنید.

### اصول کار با منوی (Insert)

این منو ابزارهای تحلیل و آنالیز بازار را در اختیار کاربر قرار می دهد: **Indicators (1)**. اندیکاتورهای معاملاتی ابزارهایی هستند که بوسیله فرمول های ریاضی از روی تغییرات قیمتی بازار، قابلیت پیش بینی و تحلیل بازار را برای کاربر ایجاد می کند. شش گزینه اول آن آخرین اندیکاتورهایی استفاده شده توسط کاربر می باشد. چهار گزینه بعدی دسته بندی اندیکاتورهای پیش فرض توسط نرم افزار می باشد و آخرین گزینه در این قسمت اندیکاتورهایی می باشد که از منابع مختلف یا بصورت برنامه نویسی شده در پوشه اندیکاتورها قرار داده شده است.



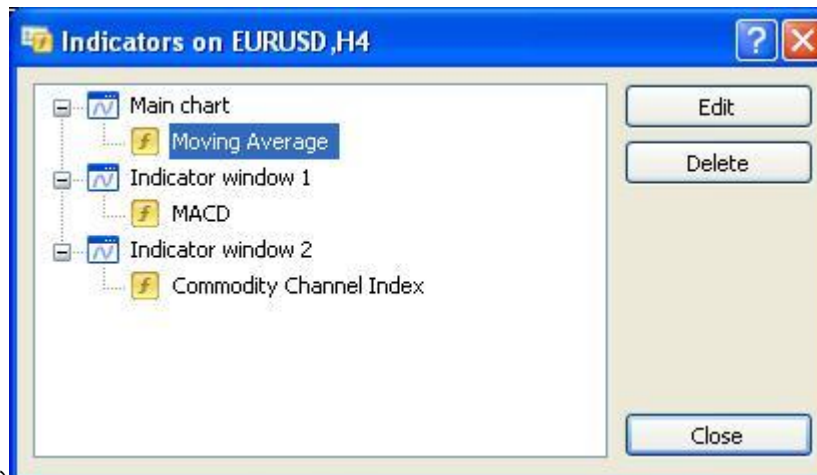
2) Lines :

ابزارهایی که خطوط افقی، عمودی و شیب دار با زاویه های مورد نظر ترسیم می کند. 3) Channels (ابزارهای این قسمت کانال های قیمتی با قابلیت های ترسیمی گوناگون رسم می نماید. 4) Gann (ابزارهای گوناگون استفاده از تئوری گن Gann در این قسمت قرار دارد. 5) Fibonacci (ابزارهای گوناگون استفاده از تئوری فیبوناچی Fibonacci در این قسمت قرار دارد. 6) Shapes (ابزارهای این گروه شکل های گوناگون برای ترسیم در چارت را رسم می نمایند. 7) Arrows (ابزارهای این گروه پیکان ها و نشانه هایی را برای استفاده بر روی چارت رسم می نمایند. 8) Andrews Pitchfork (چنگال اندروز- از این ابزار برای رسم نوعی ترند لاین استفاده می شود. 9) Cycle Lines (از این ابزار برای رسم دوره های زمانی یکسان بر روی چارت استفاده می شود. 10) Text (از این ابزار برای نوشته های گوناگون بر روی چارت استفاده می شود. 11) Text Label: از این ابزار نیز مانند ابزار قبلی برای نوشتن بر روی چارت استفاده می شود با این تفاوت که نوشته های این قسمت در بازه های زمانی گوناگون در مکان های مختلف قابل دید و استفاده قرار می گیرند.

### اصول کار با منوی (Charts)

ابزارهای این منو تنظیمات نمایش و استفاده از نمودارها را ارائه می دهد. 1) Indicators List: لیست اندیکاتورهایی را که در نمودار فعال صفحه قرار دارند نمایش می دهد. از پنجره این گزینه میتوان اندیکاتورهای باز بر روی نمودارها را پاک نمود و یا تغییراتی در آنها انجام داد.





در این قسمت 2) Objects:

لیست اشیا و اشکال داخل پنجره ها نمایش داده می شود. گزینه های زیر مجموعه آن برای حذف، اضافه، تغییرات و پاک کردن و یا برگرداندن اشیا آنها استفاده می گردد. 3) Bar Chart (نمودارها به صورت میله ای نمایش داده می شود. 4) Candlesticks (نمودارها به صورت شمعی نمایش داده می شود. 5) Line Chart (نمودارها به صورت خطی نمایش داده می شود. 6) Foreground Chart با انتخاب این گزینه هر مدل از نمودارهای قیمت بالاتر از تمام اشیا، خطوط و ایندیکاتورهای نمودار نشان داده می شود. 7) Periodicity در این قسمت بازه زمانی هر مدل از نمودارهای میله ای، شمعی یا خطی نمایش داده می شود. قابل به ذکر می باشد منظور از بازه زمانی، مقدار زمان تعریف شده برای آغاز و پایان یک میله، شمع یا نقطه اتصال نمودار خطی می باشد. 8) Template (الگوهایی که از اندیکاتورها، اشکال، دوره های زمانی و موارد دیگر در نمودار فعال ذخیره شده است در این قسمت قرار می گیرد. از الگوی هر نموداری میتوان برای نمودارهای دیگر یا برای تحلیل های گوناگون استفاده کرد. حذف، اضافه و بازیابی این الگوها از این قسمت انجام می شود. 9) Refresh در صورتی که نرم افزار به بروکر یا سرور دریافت قیمت ها متصل باشد با زدن این گزینه قیمت های نمودار فعال دوباره از سرور بازیابی می شود. 10) Grid (انتخاب این گزینه نقطه چین های افقی و عمودی نمودار را نمایان یا مخفی می کند. 11) Volumes (انتخاب این گزینه حجم معاملات بر روی زیر نمودار فعال را نشان می دهد. قابل به ذکر می باشد از آنجا که حجم معاملات بازار مبادلات ارز قابل اندازه گیری نمی باشد حجم نمایان فقط مربوط به بروکر نرم افزار می باشد. 12) Auto Scroll (در صورت فعال بودن این گزینه، با تغییرات قیمت، به شکل خودکار آخرین تغییرات قیمت را در سمت راست نمودار نمایش می دهد. 13) Chart Shift (برای راحتی تحلیل و تمرکز بر روی آخرین تغییرات، یک پنجم قسمت فضای راست نمودار فعال به شکل آزاد باقی می ماند و تغییرات قیمت در چهار پنجم فضای نمایش نمودار لحاظ می گردد. 14) Zoom In (با انتخاب این گزینه حالت نمایش بازه های زمانی نمودار فعال فشرده تر نشان داده می شود. 15) Zoom Out (با انتخاب این گزینه حالت نمایش بازه های زمانی نمودار فعال بازتر نشان داده می شود. 16) Step

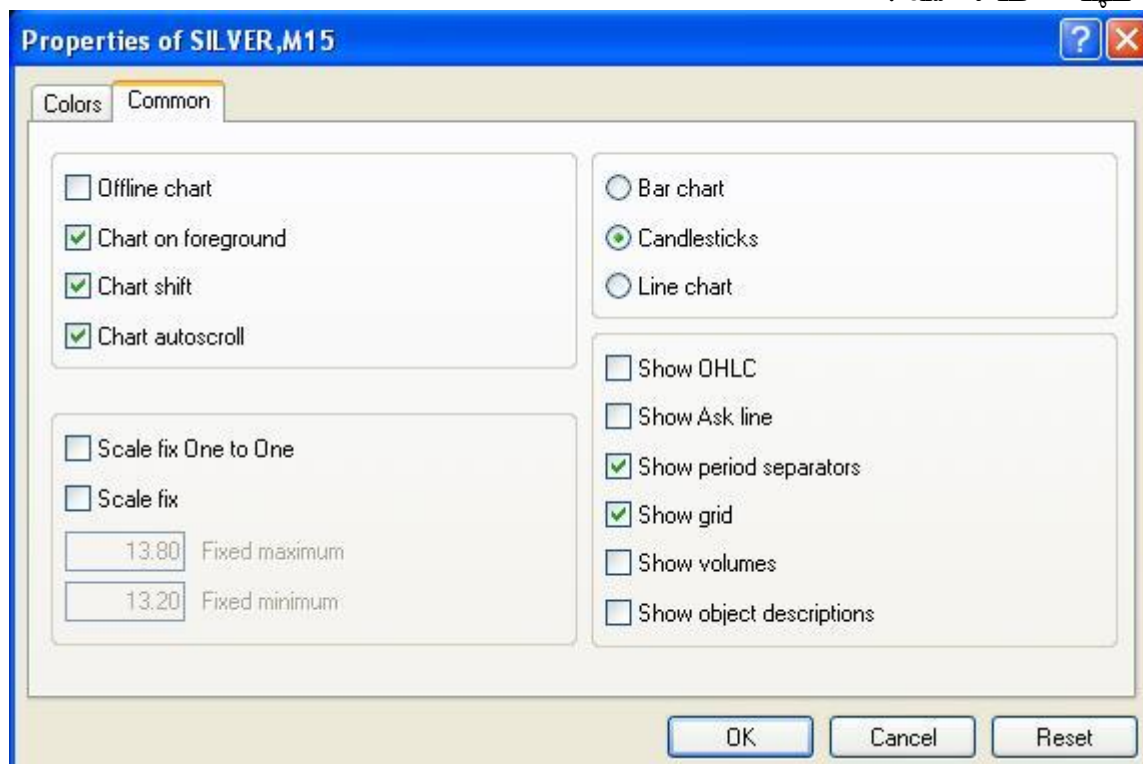


by Step: این گزینه به کمک کلید میانبر آن (F12) به کاربر این اجازه را می دهد که تغییرات گذشته نمودار را در هر بازه، گام به گام رو به جلو ببیند. برای نمایش چهارتایی جلو یا عقب بردن تغییرات نمودار میتوان از فلش های جهت دار چپ و راست صفحه کلید استفاده کرد. 17 Properties (قسمت اول پنجره ای که در این گزینه باز می شود) (Colors) مربوط به تنظیمات رنگ نمودار فعال می باشد.



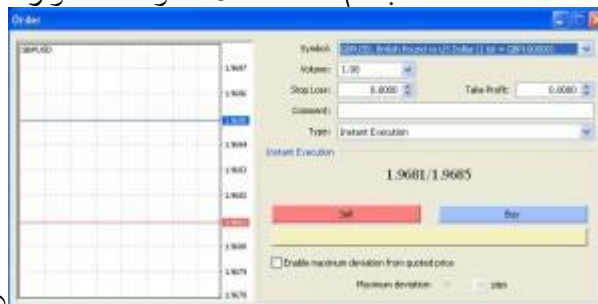
قسمت دوم این پنجره (Common) مربوط به تنظیمات نمایشی نمودار فعال می باشد. بسیاری از این تنظیمات در منوی Chart توضیح داده شده است. این پنجره از چهار قسمت تشکیل شده است قسمت بالا سمت راست مربوط به شکل نمایش میله ای، شمعی یا خطی نمودار می باشد. گزینه اول قسمت بالا سمت چپ مربوط به غیر فعال کردن نمودار در صورت متصل بودن به سرور می باشد، بقیه گزینه های این قسمت قبلا توضیح داده شده است. قسمت پایین سمت راست مربوط به تنظیماتی از قبیل نمایش اطلاعات کندل آخر، نمایش قیمت خرید بروکر، نمایش دوره های زمانی نمودار فعال می باشد. بقیه گزینه های این قسمت نیز قبلا توضیح داده شده است. قسمت پایین سمت چپ نیز مربوط به درجه اعداد و پیکسل های نمودار فعال می باشد. برای آشنایی هرچه بیشتر با گزینه های این قسمت میتوان با انجام تغییرات روی آنها از ماهیت فعالیت

آنها آگاه شد.



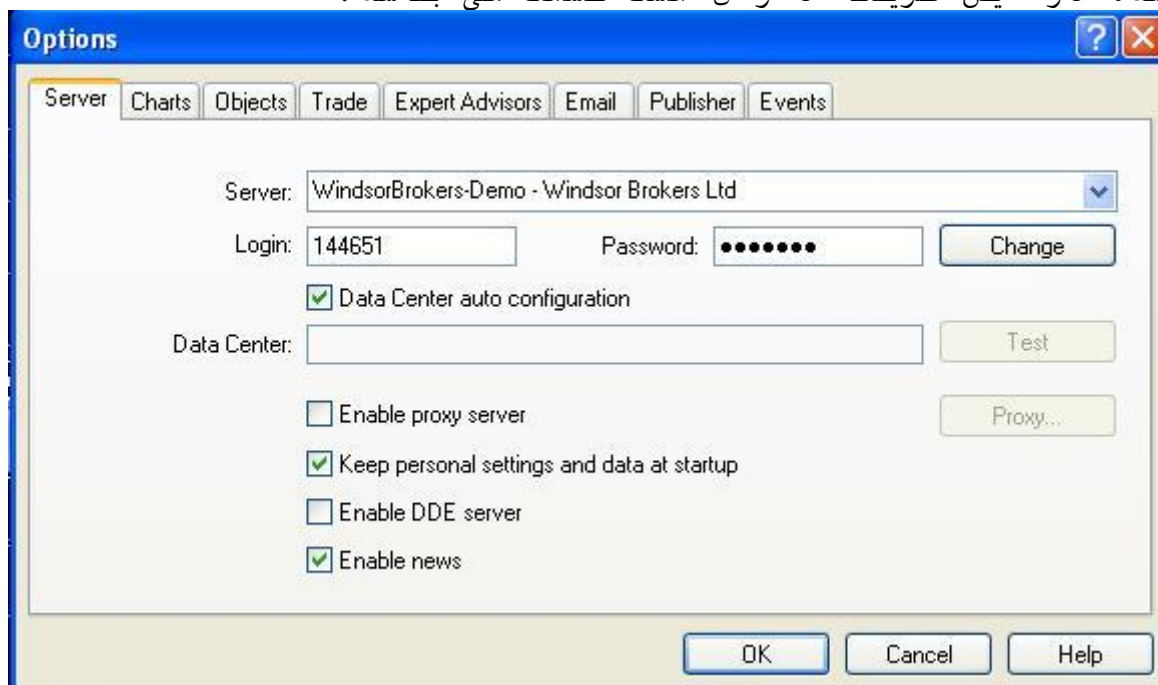
### اصول کار با منوی (Tools)

این منو از سه قسمت و پنج زیر مجموعه تشکیل شده است. New 1) Order: این قسمت از مهم ترین پنجره های نرم افزار متا تریدر می باشد که انجام معاملات و دستورات از طریق آن انجام می شود.



در سمت چپ این پنجره هر بار تغییر لحظه ای قیمت را بر روی نمودار به صورت خطی مشاهده می کنیم. در سمت راست این پنجره گزینه اول Symbol می باشد فلش سمت راست این گزینه لیست جفت ارزها، کالاها، سهام، شاخص های بروکر که کاربر اجازه معامله بر روی آنها را دارد نمایش می دهد و انتخاب هر کدام از آنها در جلوی گزینه Symbol برای معامله نشان داده می شود. گزینه بعدی Volume، حجم معامله ای که کاربر برای بروکر معین می کند را نشان می دهد. گزینه Stop Loss حد توقف ضرر معامله کاربر را نزد بروکر مشخص می کند. گزینه Take Profit حد بستن سود معامله کاربر را نزد بروکر مشخص می کند. گزینه Comment برای نوشتن توضیحات کاربر در مورد معامله فوق می باشد. گزینه Type نوع دستور کاربر برای انجام

معامله را مشخص می کند **Instant Execution**. سفارش دستورات لحظه ای و دستی بر اساس نرخ های موجود را برای بروکر معین می کند. در این پنجره قیمت خرید و فروش کارگزار نمایش داده می شود در صورتی که برای بستن معامله ای باز این پنجره باز باشد زیر قسمت **Buy** و **Sell** گزینه بستن معامله در حجم و قیمت تعیین شده نمایش داده می شود. گزینه **Enable maximum deviation quoted price** برای زمانی بکار می رود که قیمت لحظه ای بروکر با قیمتی که کاربر دستور را صادر کرده متفاوت می باشد و این گزینه حداکثر نمایش تغییرات قیمت بروکر با قیمت صادر شده مشتری را برای دستور جدید نشان می دهد. در **Pending Order** سفارش دستورات بر اساس تغییرات قیمت در آینده را، برای بروکر مشخص می نماید. در دستورات معلق مکان و جهت ورود، قیمت ورود و تاریخی که دستور لغو می شود تعیین می گردد. **History Center: 2** (این پنجره مربوط به ذخیره اطلاعات خام قیمت های بروکر می باشد از طریق این پنجره می توان دریافت، ارسال، پاک کردن، تصحیح و اضافه کردن اطلاعات خام را انجام داد و تغییرات انجام شده را بر روی نمودارهای نرم افزار مشاهده کرد: **Global Variables: 3**. این گزینه به کاربر اجازه ثبت متغیر های جهانی که بر روی قیمت ها تاثیر دارند را برای کاربر ایجاد می کند. **MetaQuotes Language Editor: 4** این گزینه نرم افزار متا کد که در داخل آن می توان برای متا تریدر بر اساس زبان برنامه نویسی ام کیو ال **MQL** برنامه نویسی انجام داد را باز می کند. برای برنامه نویسی ایندیکاتورها و استراتژی ها از این قسمت استفاده می شود. **Options: 5** (پنجره باز شده در این گزینه دارای هشت قسمت می باشد.

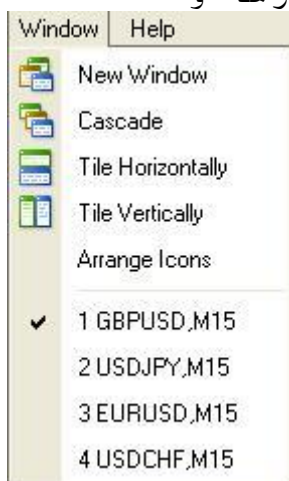


**Server:** در این قسمت اطلاعات سروری که بروکر از روی آن قیمت ها و معاملات را انجام می دهد وجود دارد. شماره حساب، رمز عبور، دریافت اتوماتیک اطلاعات، و گزینه های دیگری مربوط به دریافت اطلاعات در این پنجره دیده می شود. **Charts:** در این قسمت تنظیمات

اطلاعات مربوط به نمودار ها انجام می شود. بیشتر این گزینه ها در منوهای دیگر آموزش داده شده است: **Objects**. تنظیمات مربوط به اشیا و اشکال به علاوه حجم آنها در این قسمت می باشد: **Trade**. تنظیمات پیش فرض مربوط به پنجره معاملات در این قسمت انجام می شود. تنظیمات جفت ارز یا سهام مورد معامله، حجم معامله و مقدار فاصله قیمت انجام معامله نزد بروکر: **Expert Advisors**. تنظیمات مربوط به برنامه ها و اکسپرت هایی که به صورت خودکار معاملات را انجام می دهند در این قسمت وجود دارد: **Email**. تنظیمات مربوط به نامه های الکترونیک بروکر در این قسمت قرار دارد: **Publisher**. تنظیمات مربوط به انتشار دادن اطلاعات دریافتی نرم افزار به مکان های تعریف شده دیگر در این قسمت قرار دارد: **Events**. تنظیمات دستورات صوتی نرم افزار برای حالات گوناگون در این قسمت قرار دارد. بوسیله این قسمت می توان فرمان های صوتی را تغییر، غیر فعال یا جایگزین کرد.

### اصول کار با منوی (Window)

در این قسمت تنظیمات مربوط به نمایش پنجره های گوناگون در نرم افزار انجام می شود قسمت اول گزینه های مربوط به چیدمان نرم افزار و گزینه های دوم نشان دهنده جفت ارزها و



نمودارهای باز بر روی نرم افزار می باشد New)1)

**Windows:** گزینه باز کردن پنجره های جدید در نرم افزار  
**2) Cascade:** (نمایش چیدمان پنجره ها پشت سر هم  
**3) Tile Horizontally:** نمایش چیدمان پنجره ها به صورت افقی  
**4) Tile Vertically:** (نمایش چیدمان پنجره ها به صورت عمودی  
**5) Arrange Icons:** (نمایش چیدمان پنجره ها به صورت آزاد

### اصول نصب، راه اندازی و استفاده از اکسپرت و ایندیکاتور (Indicator) و (Expert)

برای نصب اکسپرت جدید به محل درایو نصب نرم افزار متاتریدر بر روی رایانه رفته، وارد پنجره Expert شده و اکسپرت مبادلات ارز برنامه نویسی نوشته شده را در این قسمت قرار می دهیم سپس نرم افزار را یک بار می بندیم و باز می کنیم در صورت

درست نصب شدن، اکسپرت در قسمت Navigator و زیر شاخه Expert Advisors قابلیت فعال سازی دارد. برای نصب ایندیکاتور مبادلات ارز نیز مانند روش بالا عمل می کنیم با این تفاوت که بعد از ورود به پنجره Expert وارد پنجره Indicators می شویم و ایندیکاتورهای برنامه نویسی شده را در این قسمت قرار می دهیم مانند بالا نرم افزار را یک بار باز و بسته می کنیم سپس از قسمت Custom Indicators به ایندیکاتور اضافه شده دسترسی پیدا می کنیم.

#### Excerpt

اصول نصب نرم افزار (MetaTrader) اصول کار با منوهای مختلف اصول کار با منوی File اصول کار با منوی View اصول کار با منوی Insert اصول کار با منوی Charts اصول کار با منوی Tools اصول کار با منوی Window اصول نصب و استفاده از Indicator و Expert

### جلسه چهارم : مدیریت سرمایه و روانشناسی معاملات در بازار مبادلات ارز

- [شناسایی استفاده از اصول احتمالات در معاملات](#)
- [آشنایی با Drawdown و اندازه گیری بازگشت از ضرر](#)
- [شناسایی اصول استفاده از نسبت سود به ضرر](#)
- [شناسایی اصول محاسبه حداکثر میزان ضرر بر اساس سرمایه](#)
- [آشنایی با اشتباهات رایج معامله گران مبتدی](#)
- [جمع بندی: مراحل اصولی انجام یک معامله](#)

برای ورود به هر بازار و حرفه ای مهم ترین انگیزه و دلیل برای اغلب افراد کسب درآمد می باشد حال آنکه شرایط گوناگون شخصی، اجتماعی و بازده درآمد می تواند در انتخاب مسیر و نوع کار یا سرمایه گذاری تاثیر گذار باشد.

اگر بخواهیم بی پرده با اغلب کسانی که می خواهند وارد بورس های با فراریت بالا مانند (مبادلات ارز، طلا، نقره، نفت و غیره) صحبت داشته باشیم باید اذعان کنیم که شرایط ورودی و سرمایه گذاری در این بورس ها بسیار آسان می باشد و با توجه به ریسک موجود نیز بازده سرمایه میتواند تا ده ها و صد ها برابر باشد اما از یاد نبریم که ماهیت فرار و بازیگران زیاد این بورس ها باعث به وجود آمدن ضوابط خاص شده است که این ضوابط از قوه تشخیص بسیاری افراد پنهان می باشد. بیشتر از آن که در این بورس ها فرد در حال رقابت با بازیگران دیگر باشد در حال رقابت با خود و محک زدن دانش، تجربه و شرایط روحی روانی خویش در بورس می باشد. برای موفقیت در بورس های این چینی سه عامل مهم در موفقیت فرد نقش دارد.

الف: دانش و تجربه

ب: مدیریت سرمایه (Money Management)



## ج: نگرش و روانشناسی

در صورتی که سرمایه گذار هر یک از عوامل فوق را نادیده بگیرد و یا در اجرای اصول کوتاهی نماید مستقیماً باعث زیان خود شده و قسمت قابل توجهی از سرمایه خود را از دست خواهد داد. تجربه نشان داده است افرادی که از دانش و تجربه کافی برخوردار نبوده و یا مدیریت ریسک و سرمایه را جدی نمی گیرند و افرادی که نگرش صحیحی به معاملات نداشته و بر خود تسلط کافی ندارند، سرمایه خود را در زمانی کوتاه از دست می دهند.

توجه داشته باشید که این بخش، قسمتی کوچک از کل دوره می باشد ولی با این وجود رعایت، تسلط و بکارگیری تمامی دستورات و پیشنهادهای این قسمت به طور مستقیم با ماندگاری و سودآوری سرمایه گذاری نسبت مستقیم دارد. بنابراین توجه و تمرکز فراوان شما نسبت به این قسمت را برای موفقیت امری واجب و ضروری می دانم.

## شناسایی و استفاده از اصول احتمالات در معاملات

پیش بینی ریاضی، فرآیند بسیار مهمی در ترید است. شما میتوانید این علم را به نفع خودتان بکار ببرید و یا اجازه دهید بازار از آن به نفع خویش استفاده کند.

همانطور که قبلاً گفته شد برای موفقیت در بازار و کسب سود مداوم به سه عامل کلی نیاز داریم، نقش و اهمیت سه عامل بالا تا حدی می باشد که ایراد و نقصان در اجرای هر کدام از آنها منجر به از دست رفتن کل حساب خواهد شد. به عنوان مثال در صورتی که تریدر به دو عامل "دانش و تجربه" و "نگرش و روانشناسی" تسلط کافی داشته باشد ولی اصول مدیریت سرمایه را برای تعیین حجم معاملات در نظر نگیرد، پس از مدت کوتاهی سرمایه اش را از دست خواهد داد.

عامل دیگری که شانس کسب در آمد و افزایش حساب را برای معامله گران کمتر می کند میزان اسپرد و تفاوت نرخ خرید و فروش می باشد. اگر شما به صورت کاملاً اتفاقی در بازی شیر یا خط شرکت کنید شانس پیروزی و باخت شما کاملاً برابر و 50 درصد می باشد حال آنکه در بازار های مالی شما شانس برابر 50 درصد ندارید و بابت هر معامله مبلغی را به عنوان کارمزد (اسپرد) به کارگزار خود می پردازید. در این صورت حتی اگر شانس موفقیت سیستم تحلیل و پیش بینی شما 50 درصد باشد باز هم در بلند مدت شما یازنده خواهید بود چرا که به مرور سرمایه شما تحلیل می رود. بنابراین باید سیستمی را پیدا کنید که شانس موفقیت تان را به بیش از 50 درصد برساند. مساله دیگر میزان سرمایه ای می باشد که بر اساس آن معامله می کنید. دوباره به مثال شیر یا خط بر میگردیم من 1 دلار و شما 10 دلار دارید با هر شیر من یک سنت برنده و با هر خط یک سنت می بازم در صورتی



من کل پولم را از دست می دهم که شما 100 خط متوالی بیاورید و شما در صورتی می بازید که من 1000 خط متوالی بیاورم. در صورتی که بین ما کسی مانند بروکر کارمزد نگیرد!!! حال اگر هر شیر 25 سنت مرا برنده و هر خط 25 سنت مرا بازنده کند چه اتفاقی روی می دهد؟ بعد از چهار خط متوالی من سرمایه ام را از دست می دهم و بعد از 40 شیر متوالی شما سرمایه خود را از دست می دهید، شانس چهار احتمال متوالی بیشتر است یا 40 احتمال متوالی؟ کاملاً معلوم است که احتمال از دست رفتن سرمایه من 10 برابر احتمال سرمایه شما می باشد. احتمالات این بازی در بازار مبادلات ارز کاملاً عینیت دارد و در صورت استفاده از سرمایه کم یا لوریج بالا احتمال بازنده شدن و از دست رفتن سرمایه بسیار زیاد می باشد. برای این منظور غیر از تلاش برای افزایش شانس موفقیت در معاملات، با سرمایه زیاد یا لوریج کمی وارد بازار شوید تا احتمال بازنده شدن شما در مقابل بازار کاهش یابد.

### آشنایی با دراو داون Drawdown- و اندازه گیری بازگشت از ضرر

Drawdown نشان دهنده حداکثر افت سرمایه از مقدار ماکزیمم می باشد و عموماً به صورت درصد بیان می گردد. به عنوان مثال اگر یک معامله گر حساب 20000 دلاری داشته باشد و با ضرری معادل 5000 دلار، حساب خود را به 15000 دلار برساند 25 درصد drawdown را تجربه کرده است. نکته جالب توجه در مورد drawdown این است که اگر یک معامله گر درصدی ضرر کند، برای بازگشت به رقم اولیه باید درصدی بیش از آن مقدار را سود کند! اجازه بدهید مثالی بیاوریم: معامله گری 20000 دلار سرمایه دارد. 50 درصد سرمایه خود را ضرر می کند و سرمایه او به 10000 دلار می رسد. حال اگر وی بخواهد به رقم 20000 دلار اولیه برگردد، باید سرمایه فعلی خود را دو برابر کند. یعنی برای جبران 50 درصد ضرر، باید 100 درصد سود کند که این کار بسیار دشواری است.

به همین ترتیب اگر معامله گر 10 درصد drawdown داشته باشد، برای جبران آن باید 11.11 درصد سود کند...



Drawdown	سود لازم برای جبران
%3	%3.09
%5	%5.26
%10	%11.11
%20	%25.00
%50	%100.00

جدول drawdown

به توجه به مطالب فوق، معامله گر باید توجه داشته باشد که "حفظ سرمایه و ضرر نکردن در اولویت قرار دارد"

### شناسایی اصول استفاده از نسبت سود به ضرر (ریسک به ریوارد)

یکی از مهمترین اصول مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه رعایت نسبت زیان به سود (Risk/Reward) یا R/R می باشد. قبل از انجام هر معامله شما باید بدانید سود احتمالی که از آن معامله توقع دارید چقدر است و برای به دست آوردن این مقدار سود حاضرید چه میزان از سرمایه خود را به خطر بیندازید. آیا منطقی است که برای به دست آوردن یک سود 1000 دلاری، 5000 دلار ریسک را بپذیریم؟ قطعاً پاسخ منفی است. اصول مدیریت ریسک بیان می کند که در هر معامله، میزان ریسک حداکثر باید نصف سود مورد انتظار باشد. یعنی اگر برای یک معامله فرضاً 30 پوینت استاپ لاس در نظر گرفته اید، حد اقل 60 پوینت یا بیشتر را باید به عنوان تارگت در نظر بگیرید. اگر فرصت معاملاتی پیش بیاید که نتوانیم این نسبت را برای آن به کار گیریم، توصیه اکید این است که کلاً از آن معامله صرف نظر کنیم.

### شناسایی اصول محاسبه حداکثر میزان ضرر بر اساس سرمایه

معمولاً معامله گران مبتدی به دو صورت موجودی حسابشان را از بین می برند یا با نگذاشتن حد ضرر (استاپ لاس) و یا با معاملات زیان آور پشت سر هم.

در حالت اول برای افراد مبتدی حد ضرر مانند محافظی محکم جلوی از بین رفتن حساب را می گیرد اما آنها عموماً با نگذاشتن حد ضرر اجازه می دهند ضررشان انباشته شود. شاید چندین معامله برایشان پیش بیاید که با نگذاشتن حد ضرر،

معامله پس از مدتی وارد سود شود اما حتما پس از مدتی به دامی گرفتار می شوند که بازار بر خلاف جهت آنان حرکت می کند و موجب از بین رفتن کل سرمایه در یک معامله می شود.

حالت دوم در صورتی پیش می آید که معامله گر مدیریتی بر ضررهای خویش ندارد و اجازه می دهد ضررهای متوالی و بعضا بزرگ موجودی حسابش را از بین ببرند. برای پیش گیری از این حالت توصیه می شود در هیچ معامله واحدی، مقدار حد ضرر (استاپ لاس) بیش از 3 درصد کل موجودی سرمایه نگردد و در هیچ زمانی مجموع مقدار حد ضرر (استاپ لاس) معاملاتی که همزمان باز هستند بیش از 6 درصد موجودی حساب نباشد. به عنوان مثال برای حسابی 1000 دلاری حداکثر ریسک یک معامله در صورت رسیدن بازار به حد ضرر باید 30 دلار باشد و پیرو این قضیه تنظیم لات (حجم) معامله انجام شود و هیچ زمانی ریسک مجموع معاملات همین حساب نباید بیش از 60 دلار بشود. توصیه می شود معامله گران برای هر بازه زمانی خود حد ضرری خاص داشته باشند. به عنوان نمونه در صورت 6 درصد زیان در روز یا 10 درصد زیان سرمایه در هفته از معاملات دست کشیده و علت زیان های خود را بر اساس روش معاملاتی خود و مدیریت سرمایه مورد بازبینی قرار دهند و پس از بررسی و رفع اشکالاتی که باعث به وجود آمدن معاملات زیان ده شده است فعالیت خود را از سر گیرند.

### آشنایی با اشتباهات رایج معامله گران مبتدی

**1- کمبود دانش:** یکی از اصلی ترین دلایل معاملات زیان آور، کمبود یا نداشتن دانش و آگاهی لازم نسبت به شرایط و واقعیات بازار می باشد. معامله در بازار مبادلات ارز نیز مانند هر حرفه دیگر، نیازمند دانش و تجربه کافی است.

**2- معاملات احساسی:** این مورد آسیب رسان ترین دلیل برای از بین رفتن حساب می باشد. معاملاتی که برگرفته از برنامه و روش معاملاتی نیست با احساس تریدر سرو کار دارد و به علت اینکه برای این معاملات از تفکر و تعقل استفاده نشده عموما زیان آور هستند. احساسات گوناگونی می تواند در معاملات دخیل باشد اما یک نکته در تمام احساسات معامله گران یکسان است، تمامی معاملات احساسی منجر به ضرر میگردند. احساس غالب، در اکثر موارد طمع برای کسب سود بیشتر است. در حالی که جلوگیری از ضرر نکته مهم تری است. احساسات خود را بشناسید و در زمان ترید کردن تا حد امکان آنها را کنترل کنید.

**3- معاملات زیاد:** معاملات زیاد (over trading) معمولا به این دلیل انجام می شود که معامله گر تمایل دارد تمام حرکت های بازار را بدون کم و کاست شکار کند. این امر تقریبا محال است و بزرگترین تحلیل گران و معامله گران دنیا نیز این کار را انجام نمی دهند.

**4- معامله با حجم زیاد:** حجم زیاد معاملات، ریسک سرمایه گذار و آسیب پذیری سرمایه را افزایش می دهد. هنگامی که یک معامله گر با حجم بالا معامله می کند، با تعداد کمی معامله ضررده می تواند کل حساب خود را از دست بدهد.

**5- اعتماد به پیش بینی دیگران:** از معاملات دیگران برداشت و الگوبرداری نکنید، شرایط حساب، دیدگاه و دلایل افراد با یکدیگر برای حضور در بازار متفاوت است. هر کسی حتی در صورت استفاده از پیش بینی دیگران مسئول حساب خویش است، مگر آنکه کل مدیریت حساب خویش را به تریدری دیگر بدهد. تا حد امکان از تحلیل خود پیروی کنید.

**6- نداشتن حد ضرر (استاپ لاس):** نداشتن استاپ لاس به معنی این است که معامله گر حدی برای اشتباه خویش متصور نیست، هر انسانی امکان اشتباه دارد و حد ضرر امکانی برای جلوگیری از فاجعه بار بودن اشتباهات می باشد. قبل از آغاز معامله حد ضرر خود را بشناسید. در زمان معامله اغلب معامله گران تحت تاثیر ترید خود قرار می گیرند و از لحاظ روانی برایشان سخت است که حد ضررشان را بپذیرند. در زمان معامله تغییر حد ضرر عموماً منجر به زیان های بیشتر می شود. هیچ زمانی حد ضرر خود را خلاف جهت معامله خود تغییر ندهید. یعنی مقدار حد ضرر خود را بیشتر نکنید.

**7- معامله در ساعات نامناسب:** آشنایی نداشتن با میزان نوسان بازار در ساعات متفاوت هر جفت ارزی می تواند باعث تخمین های اشتباه معامله گران شود. ارزهای اروپایی در مقابل دلار، در ساعات بازار توکیو نوسانات زیادی ندارند و نباید برای معاملات در این ساعات سودهای زیادی متصور بود و یا در ساعات اولیه بازار لندن و نیویورک نباید نوسانات کوتاه و کوچک ما را از نوسانات بزرگی که بازار در پیش دارد غافل کند.

**8- معامله یک ارز نه یک جفت ارز:** ما در اصل ارزش برابری دو ارز را معامله می کنیم. با تحلیل صرف عوامل تکنیکال یا فاندamental یک کشور نمیتوان نتیجه گرفت که یک جفت ارز در چه جهتی حرکت خواهد کرد. شاید فاندamental و تکنیکال ارز مقابل، شرایط متفاوتی را برای برابری آن جفت ارز رغم زده باشد که نباید از دید معامله گر پنهان بماند.

**9- نداشتن سیستم معاملاتی:** نداشتن برنامه، روش یا سیستم معاملاتی از اصلی ترین دلایل زیان می باشد. نداشتن برنامه و روش عموماً باعث معاملات احساسی می شود در حالی که روش معاملاتی به تریدر دیدگاهی برای تفسیر تمامی قیمت های بازار می دهد. شاید برنامه و روش مکانیزه و کامپیتری نباشد اما حتماً باید وجود داشته باشد. برنامه باید قابلیت تفسیر بازار، بازدهی در گذشته و همخوانی با شرایط تریدر را داشته باشد. نقصان در هر

کدام از این شرایط، باعث معیوب بودن برنامه و پیرو آن از دست رفتن بخش قابل توجهی از سرمایه می شود.

**10- معامله خلاف روند:** عموماً بیشتر برنامه ها و روش های معاملاتی برای استفاده از جهت حرکت بازار استفاده می شوند. هم جهتی معاملات با روند اصلی، امکان سود بیشتر و ریسک کمتر را به همراه دارد. تا زمانی که برنامه و روش امتحان شده شما معاملات خلاف جهت را تایید نکرده است از معامله در خلاف روند اصلی بازار بپرهیزید.

**11- خروج های بی برنامه (خروج از معاملات به خاطر ترس):** معامله گر مبتدی عموماً با سود و یا ضرر های کم، از ترس زیان های بیشتر از معامله خود خارج می شود و برنامه ای غیر از سیستم معاملاتی خود را در پیش می گیرد. در اغلب موارد پتانسیل سود خود را با سود کم یا زیان از دست می دهد و پس از حرکت بازار خود را نکوهش می کند که این امر می تواند عواقب منفی دیگری برای حساب داشته باشد.

**12- معاملات با اهداف کوچک:** کسانی که برای اهداف کوچک وارد می شوند حد ضرر و سود کوچکی در نظر می گیرند (اسکالپر ها) در اغلب موارد، حد ضررشان بیشتر از حد سودشان است و به این نکته توجه نمی کنند که بازار در کوتاه مدت، تحت تاثیر معاملات لحظه ای می تواند جهاتی خارج از جهت اصلی خود ایجاد کند و همین تغییر جهت کوچک می تواند موجب زیان آنها شود. معاملات با اهداف کوچک ریسک حد سود را نسبت به اسپرد افزایش می دهد. اگر یک معامله گر برای معامله ای 10 پیپ حد سود و حد ضرر را در نظر بگیرد با احتساب اسپرد، تنها با 7 پیپ حرکت بازار در خلاف جهت، ضرر می کند در حالی که برای رسیدن قیمت به حد سود، باید بازار 13 پیپ به نفع شما حرکت کند. به نظر شما کدام قیمت نزدیکتر است و به احتمال زیاد دیده خواهد شد؟

**13- معامله در قله ها و دره ها:** افرادی که برای استفاده از تمامی یک روند تلاش می کنند زیان های بسیاری را متحمل می شوند. افراد کمال طلب تنها به دنبال قله ها و دره ها هستند در حالی که قله ها و دره ها در بازارهای دو جهته نسبی بوده و هر زمانی امکان اینکه بازار دره ها و قله های جدیدی بسازد وجود دارد. این مساله را برای خود حل کنید که نمیتوان از تمام حرکات بازار استفاده کرد. شما اگر با رعایت اصول، قسمتی از حرکت مفید بازار را هم شکار کنید، در دراز مدت سود خوبی به دست می آورید.

**14- ساده انگاری بیش از حد:** اینکه روشهای ساده، اصولی و کاربردی عموماً بازده خوبی دارند بر هیچ کس پوشیده نیست اما ساده انگاشتن بیش از حد معاملات، عموماً منجر به زیان می گردد. باید توجه داشت بازار با شرایط و دلایل گوناگونی به حرکت در می آید. ساده انگاری و بی توجهی به عوامل تاثیر

گذار بازار عموماً موجب زیان می‌گردد. نسبت به آنها آگاه باشید.

**15- معامله نزدیکی خبر:** معامله در نزدیکی زمان اعلام اخبار مهم اقتصادی بیشتر مواقع برای ارضای احساس سود گرفتن می‌باشد. حرکات سریع و ناگهانی قیمت‌ها در زمان اعلام خبر می‌تواند هر تریدر آماتوری را وسوسه کند اما آیا نتیجه این معاملات برای وی قابل تصور است؟ در صورت نداشتن تجربه و اشراف کامل نسبت به خبر و موضوع آن، از معامله در زمانهایی که بازار تحت تاثیر خبر است اجتناب کنید.

**16- اطمینان به روش اشتباه:** بسیار دیده شده که معامله‌گران با سودهای کم تعداد و کوچک تحت تاثیر روشی قرار میگیرند و حتی در صورت زیان آور بودن، آن را تغییر نمی‌دهند یا بهینه نمی‌سازند. دائماً خوشبینی بی‌مورد به خود امید واهی می‌دهند در حالی که روش یا کارایی خود را از دست داده یا حتی امتحانی کامل و درست پس‌نداده تا به نتیجه برسد. روش خود را بشناسید و در صورت مشکل داشتن یا آنرا بهینه کنید و یا کلاً تغییر دهید.

**17- نداشتن دستور توقف زیان (استاپ لاس) نزد کارگزار:** تریدرهای مبتدی با توجیحات و دلایل گوناگون ممکن است دستور توقف زیان خود را برای کارگزارشان مشخص نکنند. شاید با رسیدن قیمت به نقطه زیان، ایشان ضرر را بپذیرند و به صورت دستی از معامله خارج شوند ولی حتماً باید فکری هم برای حوادث ناگهانی کرد تا از زیانهای بزرگ جلوگیری شود. قطع دسترسی به بروکر (قطع اینترنت و تلفن) و حوادث ناگهانی تغییرات قیمتی می‌تواند باعث شود که شما بیش از مقداری که قبل از معامله پیش‌بینی کرده‌اید متضرر شوید و در صورت بروز این اتفاق هیچ‌کسی پاسخ‌گوی شما نخواهد بود. همزمان با آغاز هر معامله دستور زیان خود را برای بروکر مشخص کنید. بدین صورت معامله خود را برای زیانهای بزرگ به نوعی بیمه کرده‌اید.

**18- توجه نکردن به معاملات باز:** توجه نکردن به معاملات و دستورات باز می‌تواند یکی از دلایل از بین رفتن سرمایه باشد. همه می‌دانیم ترید و تمرکز مداوم روی قیمت‌ها امری کسالت‌آور و خسته‌کننده است اما غفلت و بی‌توجهی نیز می‌تواند عواقب بدی برای موجودی حساب داشته باشد. در صورت داشتن معاملات باز بر اساس روش خود شرایط بازار را زیر نظر بگیرید خود را درگیر معاملات متعدد نکنید چرا که با اینکار تمرکز را از بعضی از معاملات خود می‌گیرید. چه بسا آن معاملات سود بیشتری داشته‌اند یا امکانش بوده که در ضرر کمتر متوقفشان کرد. در صورتی که احساسات بر شما قالب نمی‌شوند از معاملات خود غافل نشوید و آنها را ترک نکنید.



**19-تفسیر نادرست اخبار:** تفسیر نادرست اخبار شاید نشات گرفته از کمبود دانش باشد اما موارد بسیاری نیز وجود دارد که دانش شما به حد کافی است اما تجربه عکس العمل بازار نسبت به آن خبر را ندارید. فرضیات شما برای خبر میتواند کاملا درست باشد اما نقش تجربه و بینش برای تفسیر خبرها بسیار مهمتر و حیاتی تر از دانش می باشد. تا زمانی که تجربه لازم روی اخبار ندارید از معامله بر اساس آنها اجتناب کنید.

**20-سپردن معاملات به شانس:** سپردن معاملات به اما و اگر برگرفته از رفتار قماربازان می باشد. معاملات خود را مدیریت کنید، برای بهبود آنها تلاش کنید و آنها را زیر نظر بگیرید. مطمئن باشید با شانس نمیتوان در بازار های مالی موفق شد. دانش، تجربه و مدیریت معاملات از مهم ترین عوامل موفقیت در معاملات می باشند. سرمایه خود را به بخت و اقبال نسپارید.

**21-تاثیرپذیری از نوسانات قیمت:** بسیار دیده شده معامله گران تحت تاثیر نوسانات، روش و برنامه خود را فراموش می کنند. این تفکر در زمانهایی که بازار حرکات شدیدتری دارد شیوع بیشتری پیدا می کند. افراد در این زمان ها با این تصور که "بازار حرکات شدیدی دارد. چرا من استفاده نکنم" از روش خود پیروی نکرده و ناخواسته موجب زیان حسابشان می شوند. تنها بعد از قبول ضرر است که فرد می فهمد که حرکتش کاملا اشتباه بوده است.

**22-نداشتن شجاعت معامله:** برخی افراد اساسا بیش از حد محافظه کار هستند. اغلب در زمانی که روششان سیگنال میدهد در مکان لازم وارد نمی شوند و مدام در پی بدست آوردن قیمت های بهتر هستند. شاید در گذشته معاملات زیان آور سختی را پشت سر گذاشته باشند که حال می ترسند. این افراد سعی می کنند مدت زیادی بازار را زیر نظر بگیرند اما در مکان لازم وارد معامله نمی شوند و تنها بعد از حرکت بازار در جهت دلخواهشان، افسوس گذشته را می خورند. تمایل بسیار زیاد به تحلیل بازار بدون گرفتن معامله از علامت های اصلی این افراد می باشد.

**23-عدم تمرکز و زمان کافی:** زمان و تمرکز از مهم ترین اصولی می باشد که آنقدر بدیهی است که بسیاری از آن غافل می شوند. اگر سیستم تحلیل و معامله شما بر مبنای این است که بعد از معامله آنرا زیر نظر بگیرید بنابراین لازم است قبل از آغاز معامله زمان مورد نیاز را محاسبه کنید. آیا می توانید برای آن معامله تا زمان مورد نیاز، بازار را زیر نظر بگیرید؟ بسیاری هم با اینکه می دانند نمی توانند زمان زیادی بازار را زیر نظر بگیرند سعی در این دارند در مدت کوتاهی نظر خود را بر بازار تحمیل کنند و بالاخره کاری انجام دهند. این افراد نیز به علت اینکه تمرکز کافی ندارند و در عین حال از روش همیشگیشان استفاده نمی کنند اسباب زیان خود را فراهم می کنند.

**24-توجیه معاملات:** توجیه معمولاً زمانی بوجود می آید که معامله گر می داند که اشتباه میکند اما با فرضیات غلط، خود را برای انجام آن معامله یا روش اشتباه توجیه می کند. فرد توجیه کننده عموماً عوامل اصلی را فراموش می کند و تنها خود را با عوامل فرعی متغیر فریب می دهد. در بسیاری موارد با خود عهد می بندد که همین یک بار اشتباهی را انجام دهد اما باز آن را تکرار می کند و معاملات محدودی را که با توجیه اشتباه به سود رسیده مدام به خاطر می آورد. توجیه و بهانه آوردن برای معاملات سود آور و زیان آور تنها یک نتیجه دارد و آن هم از بین رفتن حساب فرد است.

**25-تعمیم اشتباه قیمت ها:** این فرضیه که در بسیاری موارد قیمت بعضی کالاها و ارزها با هم ارتباط نزدیکی دارند بر هیچ معامله گری پوشیده نیست اما این مساله نباید باعث بوجود آمدن فرضیات غلط بشود. با فرض اینکه میدانیم یورو به دلار و پوند به دلار حرکات شبیه به هم دارند، نمیتوان این نتیجه را گرفت که همیشه به مانند هم حرکت می کنند. این اشتباه که معامله گران مبتدی با تحلیل یکی از آنها بر روی جفت ارز دیگر معامله انجام می دهند میتواند فرضیه غلطی باشد. تعمیم نمودارها و قیمت ها به یکدیگر برای انجام معاملات کاری اشتباه است که تنها از معامله گران مبتدی سر میزند.

**26-تحت تاثیر جهت قرار گرفتن:** اولین و مهمترین کاری که یک تریدر انجام میدهد پیش بینی جهت آینده بازار است. شاید شما جهت را درست تشخیص بدهید اما به علت ورود در جای نامناسب معاملات زیان دهی انجام می دهید. تحت تاثیر جهت بازار قرار نگیرید اجازه بدهید روش و برنامه معاملاتی شما سیگنال ورود را صادر کنند نه جهت قیمت. یعنی ممکن است شما در جهت بازار وارد معامله شوید اما چون در جای مناسبی معامله خود را آغاز نکرده اید، متضرر شوید.

**27-درگیر جزییات زیادی شدن:** درگیر شدن با جزییات زیاد، تحلیل های گوناگون و استفاده از اندیکاتورهای بسیار، تنها باعث تشویش تریدر و بوجود آمدن سیگنالهای اشتباه می شود. از یک یا حداکثر دو روش استفاده کنید و برای تایید سیگنال های خود، از یکی دو اندیکاتور بیشتر استفاده نکنید و تا حد امکان سعی کنید چشم و گوش خود را روی سیستم ها و روش های دیگران ببندید. اگر روش شما سودآور بوده چه دلیلی دارد که به دنبال تایید گرفتن از دیگر روش ها باشید؟ مگر آنکه روش شما سود آور نباشد و به آن اطمینان نداشته باشید.

**28-نپذیرفتن اشتباه:** نپذیرفتن اشتباه تنها لجبازی با خود و از بین بردن حساب خویش است. تفاوتی ندارد که تریدر یک معامله اشتباه را نمی پذیرد و از آن درس نمی گیرد و یا کلاً از یک سیستم معاملاتی اشتباه به طور مداوم استفاده می کند. بازار محل قدرت نمایی معامله گران نیست. هیچ زمانی بازار خود را

با هیچ کس هماهنگ نمی کند. این تریدرها هستند که باید خود را با شرایط بازار هماهنگ کنند. اشتباهات خود را بشناسید، آنها را بپذیرید و از آنها درس بگیرید. اولین گام در راه موفقیت، شناسایی اشتباهات است.

**29- کسی یک شبه پولدار نمی شود:** تعریف شما از پولدار شدن چیست؟ اگر حسابتان را چند برابر کنید به خود پولدار می گویند؟ اینها سوالاتی است که عموماً تریدرهای مبتدی جوابی برایشان ندارند. ایشان از یک سو رویاهای بسیار بزرگ دارند و از سوی دیگر راه رسیدن به آنها را نمی دانند. احتمال اینکه یک حساب ده هزار دلاری از بین برود یا به یک میلیون دلار برسد یک به صد است. بسیاری افراد این مساله را درک نمی کنند و با هر معامله به دنبال سود های آنچنانی هستند که امری محال است. این واقعیت که سرعت موفقیت در این بازار (مبادلات ارز) می تواند بیش از بازارهای دیگر باشد امری واضح است اما این سرعت به حدی نیست که با یک یا چند معامله میلیونر شوید. موفقیت پروسه ای است که زمان لازم دارد. برای موفقیت باید مجموع سودهای شما بیش از زیان های شما باشد. زمان لازم را به معاملات اختصاص دهید و مدام روشتان را تصحیح کنید.

**30- ترس دیدن ضرر:** ترس احساس طبیعی انسان است که او را از آسیب دیدن محافظت می کند. اما همین احساس اگر بیش از حد مجال یابد مانع پیشرفت و موفقیت می گردد. از اینکه معامله شما وارد ضرر شده نترسید مگر آنکه از سیستمتان پیروی نکرده باشید. زمانی که با برنامه و روش وارد معامله شده اید ترس عاملی بی معناست که تنها می تواند جلوی سودهای بیشتر شما را سد کند. با بازار منطقی برخورد کنید و تلاش کنید که قبل از انجام معامله، هنگام انجام معامله و بعد از آن احساسات بر تصمیم گیری شما تاثیر گذار نباشد.

**31- در نظر نگرفتن نسبت ریسک به ریوارد:** شما هیچ زمانی در تجارت بدون لوریج، حاضر به معامله کالایی که احتمال ضررش چند برابر امکان سودش است نمی شوید. اما زمانی که صحبت از لوریج می شود با هدف کسب سود بیشتر این ریسک را می پذیرید. انجام معامله ای که حد سود آن کمتر از حد ضررش است تنها استفاده از احتمالات علیه خویش است. سعی کنید به مبادلاتی مبادرت کنید که حد زیان به سودش، یک به یک و نیم یا بیشتر است.

**32- فرضیات غلط:** فرضیات غلط از مهمترین عوامل زیان ها هستند. بازارهای با فراریت زیاد (مانند مبادلات ارز) با اینکه از قوانین و فرضیات خاصی پیروی می کنند اما هیچ چیز در آنها ثابت و همیشگی نیست. اگر اتفاقی در گذشته روی داده هیچ تضمینی نیست که در آینده آن اتفاق یا عکس آن حتماً روی دهد. بازار ترکیب و تلفیقی از اتفاقات گذشته و حال است. برای خود فرضیه بافی نکنید. از روش و سیستم معاملات خود پیروی کنید.

تناقضات بازار را بشناسید و از فرضیاتی که اثبات نشده اند یا متزلزل هستند پیروی نکنید.

**33-تاثیر شایعات:** شایعات با اینکه مواقعی موتور متحرک بازار هستند اما زمان های بسیاری وجود دارد که بازار از شایعات پیروی نمی کند از شایعات دوری کنید حتی اگر هر از گاهی درست باشند. سعی کنید از واقعیات بازار فرضیه بسازید. برداشت های خود را با واقعیات بازار تطبیق دهید و سپس وارد بازار شوید. به این شکل حتی اگر متضرر شوید نگرانی چندانی ندارید چون شما کاری را که درست بوده انجام داده اید.

**34-فریب سرعت بازار:** حرکت شدید بازار در یک جهت، تضمین کننده ادامه حرکت در آن جهت نیست. این مساله در اغلب بازارهای مالی مشاهده می شود و باعث زیان بسیاری از مبتدی ها می گردد. اگر پیش بینی کرده اید که بازار در دو روز آینده به هدف سود شما می رسد و بازار در عرض چند ساعت به قیمت مورد نظر رسید هیچ تضمینی وجود ندارد که با همان سرعت یا در همان جهت ادامه مسیر دهد. سعی کنید در سود و ضرری که پیش بینی کرده اید از بازار خارج شوید و سرعت بازار شما را فریب ندهد. اغلب روندهایی که مدت های طولانی دوام میاورند، در نمودار قیمت شبی بین 45 تا 55 دارند. گرچه باز هم یادآوری می شود که شما باید در قیمت خروجی که قبل از آغاز معامله برای خود در نظر گرفته اید از بازار خارج شوید.

**35-انتقام:** انتقام احساسی است که بعد از هر شکست سراغ هر انسانی می آید. معاملات زیان آور خود را شکست تعبیر نکنید. بدون تحلیل و از روی احساس سعی در پس گرفتن پول از دست رفته خود نداشته باشید. تنها معامله گران مبتدی بعد از شکست (قطعی یا در جریان) برای جبران زیان به حجم معامله خود می افزایند. اگر زیان کردید آنرا بپذیرید. سعی کنید دلیل آنرا بیابید. حداقل تا ساعاتی بعد از ضرر از معامله پرهیز کنید و در معامله جدید حجم آنرا افزایش ندهید.

**36-نداشتن استراحت:** هر از گاهی به خود استراحت بدهید. کار کردن پیوسته انسان را خسته و دلزده میکند. نمی گویم بازار را زیر نظر نداشته باشید اما گهگاهی از بازار فاصله بگیرید و پس از استراحت، دوباره شرایط را بررسی کنید. حتی برای معاملات خود نیز استراحت را فراموش نکنید. اگر سیستم شما بصورتی است که نیاز به زیر نظر گرفتن بازار دارد در مواقع خستگی از کامپیوتر خود فاصله بگیرید. ساعاتی را که فکر می کنید بازار حرکات چندانی ندارد به استراحت پردازید و بعد به بازار برگردید. برای کسب درآمد سلامتی خود را به خطر نیندازید. ذهن شما مهمترین ابزار حضور شما در بازار است با استراحت راندمان و بازده کاری آنرا بالا ببرید.

**37- رویا پردازی:** یکی از اشتباهات رایج معامله گران مبتدی را رعایت نکردن ریسک به ریوارد (زیان به سود) دانستیم اما نقطه مقابلی نیز برای این اشتباه وجود دارد: معامله گرانی که حد سود به ضررشان بیش از حد رویا پردازانه است. آنها با انتخاب حد ضرر های کوچک در پی سودهای بیش از حد بزرگ هستند. ریسک به ریوارد آنها اغلب از یک به چهار فراتر است. عموماً آنقدر معاملات در سود فرو رفته خود را نمی بندند که یا آن معاملات در برگشت با صفر بسته شوند و یا در ضرر فرو روند. آنقدر ضررهای کوچک را می پذیرند تا زمانی که متوجه می شوند سرمایه ای برای سود های بزرگ و بلند مدت ندارند.

**38- اعتماد به نفس کاذب:** حتماً تا به حال با افرادی مواجه شدید که چون چندین بار کاری را به درستی انجام داده اند فکر می کنند همیشه شرایط بر وفق مراد ایشان است. تصور می کنند بازار در دستان آنها است و فریب سود های گذشته را خورده و پل شکست خویش را می سازند. بازار اگر در جهت آنها حرکت نکند با آن لجبازی می کنند یا از بازار و معامله خود عصبانی می شوند اما هیچ فکر معقولی برای خروج از بحران نمی یابند. راه حل این افراد اجتناب از اعتماد به نفس کاذب است. هر میزان و هرچه معامله سودآور داشتید در زمان حال به فراموشی بسپارید و تنها تلاش کنید در مقابل معاملات حال حاضران بهترین و معقول ترین تصمیم را بگیرید.

**39- عدم آرامش:** آرامش از مهمترین و بدیهی ترین عوامل ترید است. زمانی که مشکل یا مساله ای در زندگی خصوصی دارید ترید نکنید. اصلاً به بازار نزدیک نشوید. بازار مکانی برای برون رفت از احساسات منفی شما نیست. چه بسا با تحمل ضرر احساسات منفی شما تشدید شود همانطور که همیشه توصیه شده احساس غرور و سرخوردگی ناشی از سود و زیان شما را از حالت تعادل خارج نکند. باید بتوانید احساسات خارج از بازار را نیز در زمان ترید کنترل کنید.

**40- استفاده از ابزارهای دارای تاخیر:** استفاده از ابزارهای دارای تاخیر مخصوصاً در استفاده از روش های تکنیکال و فاندamental می تواند عواقب وحشتناکی برای حساب شما داشته باشد. هر عامل تأثیر گذار غالباً در لحظه و خیلی زود تأثیر خود را روی قیمت در بازار نشان می دهد. بنابراین اگر از ابزاری استفاده کنیم که بعد از یک بازه زمانی اخبار خرید یا فروش را اعلام نماید به هیچ وجه منطقی نمی باشد. مهم ترین این ابزارهای دارای تاخیر ایندیکاتورهای لگینگ (Lagging) هستند.

**41- عدم یادداشت برداری از معاملات:** در صورتی که واقعا به موفقیت و رسیدن به اهداف در بازار ایمان دارید حتماً از معاملات خود یادداشت برداری نمایید. با این کار فرد از تکرار اشتباهات جلوگیری کرده و عوامل موفقیت خود را بیش از پیش شناسایی می نماید. مکتوب کردن تمامی عوامل مهم از

دیدگاه یک معامله گر در کنار یادداشت احساسات در زمان معامله، روشی کمی برای مشاهده آماری کیفیت ترید شما می باشد.

**42- نداشتن راهنما:** راهنما کسی است که شما را از اشتباهاتان آگاه می کند و راه درست را به شما نشان می دهد. دیگر معاملات احساسی انجام نمی دهید چون باید به راهنمای خود توضیح دهید. امیدوارم درک کنید راهنما بازار را برای شما پیش بینی نمی کند، او به شما فورکست نمی دهد بلکه تنها شما را از اشتباهات بر حذر می دارد. نیازی نیست راهنما حتما یک تریدر باشد. آشنایی مختصر با مبادلات ارز هم کفایت گرچه اگر راهنمای شما معامله گری با تجربه باشد بهتر است. راهنما باید از همه شرایط شما و حسابتان آگاه باشد و متعهد باشد که هیچ اطلاعاتی از زندگی خصوصی شما به دیگران نمی دهد. راهنما تاثیر فوق العاده ای در پیش گیری از اشتباهات و تصحیح آنها دارد. برای خود راهنمایی امین بیابید.

### جمع بندی : مراحل اصولی انجام یک معامله

آن چه درباره مدیریت سرمایه و روانشناسی ترید (معاملات) تا به اینجا گفته شد قسمتی از اعمال و محاسباتی می باشد که باید مد نظر قرار دهیم. برای عملی کردن اطلاعات بالا در قسمت انتهایی این بخش، نمونه عملی و قدم های لازم برای مدیریت سرمایه را یادآوری می کنیم. فراموش نشود که این قدم ها باید موبه مو اجرا شود و تخطی از قسمتی از آن مساویست با از دست دادن سرمایه. برای مدیریت سرمایه این قسمت را یا کامل مطابق دستورات اجرا کنید و یا به روش خود بازگردید.

1- تحلیل بازار : بر مبنای سیستم خود بازار را تحلیل کنید جهت آنرا تشخیص دهید و آماده معامله بشوید. اگر سیستم شما سیگنالی نمی دهد از وارد شدن به بازار بپرهیزید.

2- تشخیص نقطه خروج : حد ضرر و سود خود را قبل از آغاز معامله تعیین کنید. تایین حد ضرر و سودتان باید بر اساس تحلیل و سیستم معاملاتی شما باشد نه عوامل دیگر. اگر سیستم و روش شما حد سود و زیانتان را مشخص نکرده از وارد شدن به بازار بپرهیزید.

3- ریسک به ریوارد : بعد از آنکه سیستم معاملاتی شما نقاط خروج را برای شما مشخص نمود، ببینید که آیا ریسک به ریوارد شما منطقی است یا خیر. اگر نسبت زیان به سود در قالبی که گفته شد نمی گنجد، بهتر است از انجام معامله بپرهیز کنید.

4- محاسبه سه درصد زیان : محاسبه کنید سه درصد زیان از کل حسابتان چه مقدار می شود. اگر می خواهید بیش از سه درصد پول خود را روی یک معامله ریسک کنید از ورود به بازار بپرهیزید.



5- ارزش هر پوینت زیان- سه درصد پول (دلار) حسابتان را بر میزان پوینت هایی که برای حد ضررتان در نظر گرفته اید تقسیم کنید به این صورت مشخص می شود هر پوینت ضرر شما چه میزان ضرر به شما تحمیل می کند.

اگر این محاسبات را بی ارزش می دانید تا زمانی که آنها را محاسبه نکرده اید از ورود به بازار بپرهیزید.

6- محاسبه مارجین برای هر پوینت - حال که فهمیدید اگر بازار در خلاف پیش بینی شما برود هر پوینت آن چه میزان ضرر برای شما به همراه دارد ارزش هر پوینت زیان را در 100 ضرب کنید. (یا میزان مارجین برای یک پوینت استاندارد آن جفت ارز را محاسبه کنید و سپس با نسبت بندی مارجین و لوریج ارزش هر پوینت ورودی را به دست آورید) مارجین درگیر پوزیشن شما باید به این میزان باشد.

اگر تمایل به استفاده مارجین بیشتر از محاسبات دارید به خاطر متضرر نشدن از ورود به بازار بپرهیزید.

7- مارجین کراس ریت ها - برای ارزیابی که طرف دوم آنها دلار است به محاسبات این قسمت نیازی نیست اما اگر ارز طرف دوم دلار نیست باید مارجین بدست آمده قسمت قبل را در نرخ برابری لحظه ای آن ارز نسبت به دلار ضرب کنید تا مارجین آن معامله بدست بیاید.

اگر 7 قانون مدیریت سرمایه بالا را رعایت کرده اید دیگر دلیلی برای تعلل وجود ندارد از معامله خود لذت ببرید. وارد بازار شوید و نگرانی از بابت مدیریت سرمایه نداشته باشید در بدترین حالت شما سه درصد زیان می کنید که در آینده قابل جبران است.

**جلسه پنجم : استفاده از تحلیل تکنیکال در بازار مبادلات ارز**

- [تحلیل تکنیکال](#)
- [آشنایی با انواع نمودارها](#)
- [نمودارهای میله ای \(BarChart\)](#)
- [نمودارهای خطی \(Line Chart\)](#)
- [نمودارهای شمعی \(CandleStick Chart\)](#)
- [آشنایی با تعریف S&R](#)
- [شناسایی اصول تشخیص S&R](#)
- [اصول استفاده از Support & Resistances](#)
- [اصول درجه اهمیت S&R](#)
- [استفاده از تعویض نقش و شکسته شدن S&R](#)
- [آشنایی با محدوده های S&R Zone](#)
- [اصول کار با S&R](#)

## • اصول استفاده از گپی ها و کاربردها به عنوان S&R

### تحلیل تکنیکال در بازار مبادلات ارز

همانطور که در درس دوم اشاره شد، تحلیل تکنیکال بررسی نمودار قیمت و شناسایی الگوهای قیمتی در جهت پیش بینی حرکت های آینده بازار می باشد. مهمترین ابزار یک تحلیل گر تکنیکال (Technical Analyst) نمودار تغییرات قیمت می باشد. در این درس انواع نمودارها را خواهیم شناخت و با پایه ای ترین ابزار تحلیل آنها یعنی خطوط حمایت - ساپورت (Support) و خطوط مقاومت - رزیستانس (Resistance) آشنا خواهیم شد.

بهتر است در همین ابتدای کار با اصطلاح بازه زمانی - تایم فریم (Time Frame) آشنا شوید. همانطور که از اسم آن پیدا است بازه زمانی اشاره دارد به مدت زمانی که تغییرات قیمت در آن ثبت می شود. به عنوان مثال اگر قیمت را در پایان هر هفته بر روی نمودار ثبت کرده و این نقاط را به هم متصل کنیم، نموداری به دست می آید که می گوییم بازه زمانی آن هفتگی است و یا اگر این کار را برای هر ساعت انجام دهیم، یعنی قیمت را در پایان هر ساعت بر روی نمودار ثبت کنیم، نموداری با بازه زمانی یک ساعته به دست می آوریم.

### آشنایی با انواع نمودارها - چارت

نمودارها اصلی ترین ابزار تحلیل تکنیکال می باشند. هر نمودار از دو پارامتر اصلی تشکیل شده، قیمت و زمان. قیمت در محور عمودی نمودار و زمان در محور افقی قرار دارد. قیمت در هر نموداری برگرفته از ارزش شاخص، کالا یا ارزش ارز اول نسبت به ارز دوم می باشد. زمان نیز بازه زمانی هر نمودار را نمایش می دهد بازه های زمانی نمودارها از تیک چارت (تغییر لحظه ای قیمت) تا نمودارهای ساعته، روزانه و حتی ماهانه می تواند متغیر باشند. تغییرات قیمت در بازه های مختلف نمودار به اشکال متفاوتی نمایش داده می شود. اما در کل ماهیت تفسیر نمودارها در بازه های مختلف تفاوت چندانی ندارد.

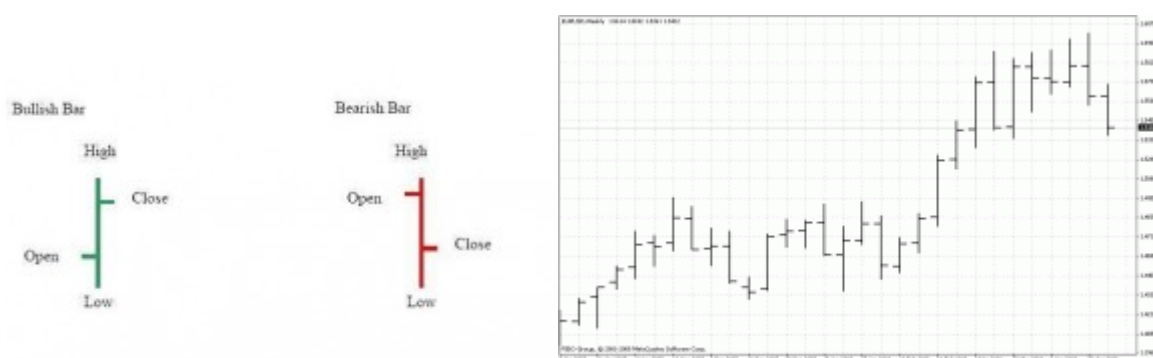
### نمودارهای میله ای - بار چارت (BarChart)

معمولا در آموزش نمودارها، ابتدا نمودار خطی را بیان می کنند اما ترجیح می دهیم که ابتدا شما را با نمودار میله ای آشنا کنم. قبل از اینکه وارد جزئیات یک نمودار میله ای شویم مایل هستم شما را با مفهوم تایم فریم (TimeFrame) یا بازه زمانی آشنا کنم. هر نمودار قیمت، بنا به انتخاب کاربر می تواند بازه های زمانی متفاوتی را نشان دهد از بازه یک دقیقه ای (یا تیک چارت) تا بازه زمانی هفتگی و حتی ماهیانه. وقتی که

شما برای نمودار خود تایم فریم یک روزه را انتخاب می کنید، یعنی هر واحد بر روی محور زمان (محور افقی) نشان دهنده یک روز است. به همین ترتیب اگر تایم فریم یک ساعته را انتخاب کنید، هر واحد بر روی محور افقی نمودار برابر یک ساعت خواهد بود.

به بحث اصلی در مورد نمودار میله ای برگردیم. اگر به تصویر زیر توجه شود (شکل ظاهری یک نمودار میله ای) نمودار میله ای از تعداد زیادی از این میله ها (Bars) تشکیل شده که هر کدام از اینها، تغییرات قیمت را در بازه زمانی انتخاب شده نشان می دهند. یعنی به طور اجمالی می گویند که در بازه زمانی مورد نظر چه اتفاقی روی داده و چه تغییراتی در آن ایجاد شده است.

فرض کنیم بازه زمانی (تایم فریم) یک روزه را انتخاب کرده ایم. در این حالت هر میله نشان دهنده یک روز می باشد. زائده سمت چپ میله قیمت باز شدن (Open Price) را نشان می دهد. یعنی در روز مورد نظر، اولین قیمت چه عددی بوده است. زائده سمت راست قیمت بسته شدن (Close Price) را نمایش می دهد. یعنی قیمت در آخرین لحظه از آن روز را نشان می دهد. نقطه پایینی میله حداقل قیمتی را نشان می دهد که در آن روز وجود داشته است (Low Price) و به همین ترتیب نقطه بالایی میله حداکثر قیمت آن روز را نشان می دهد (High Price). حالا دوباره به شکل ظاهری یک میله از نمودار میله ای نگاه کنید و سعی کنید مطالب گفته شده را به خاطر بسپارید. با کمی دقت متوجه می شوید که اگر در یک میله (Bar) قیمت باز شدن (Open) پایین تر از قیمت بسته شدن (Close) باشد، یعنی در آن بازه زمانی قیمت صعود کرده و یا بالعکس. این چهار قیمت برای هر بازه زمانی بسیار مهم هستند و بعد ها استفاده زیادی از آنها خواهیم کرد. پس حتما مفهوم High ، Low ، Open ، Close را به خوبی یاد بگیرید.



### نمودارهای خطی - لاین چارت (Line Chart)

نمودار خطی ساده ترین نوع نمودار می باشد. در این نوع از نمودار، قیمت های Close در هر بازه زمانی به هم متصل شده و نمودار را به وجود می آورند و در این نمودار نمی توانیم قیمت Open ، High ، Low را مشاهده کنیم.



## نمودارهای شمعی - کندل استیک چارت (Candlestick Chart)

نمودار شمعی (Candlestick) یکی از پر کاربردترین نمودارها می باشد که در واقع نسخه تکامل یافته نمودار میله ای است. از این نوع نمودار ژاپنی ها در قرن هجدهم استفاده می کرده اند که تاریخچه آن در نوع خود جالب است.

همانطور که در نمودار میله ای هر میله نشان دهنده تغییرات قیمت در یک بازه زمانی بود، در نمودار کندل استیک Candlestick نیز هر کندل نشان دهنده قیمت باز شدن، بسته شدن، قیمت حداکثر و قیمت حداقل در بازه زمانی مورد نظر است. همانطور که در شکل ظاهری یک کندل مشاهده می کنید، هر کندل شامل یک قسمت پهن (بدنه یا Body) و دو خط نازک در بالا و پایین (Shadow) است. فاصله بین قیمت Open و قیمت Close بدنه را تشکیل می دهد و قیمت High و Low را خط های باریک (سایه و Shadow نیز خوانده می شوند) نمایش می دهند.

علت اینکه آنقدر افراد نمودار کندل استیک را بر نمودار میله ای ترجیح می دهند این است که در نمودار شمعی، صعودی و نزولی بودن قیمت در هر بازه زمانی به راحتی قابل تشخیص است. معمولاً کندل های صعودی - بولیش کندل (Bullish Candle) با رنگ سبز، سفید، آبی و یا توخالی نمایش داده می شوند و کندل های نزولی - بریش کندل (Bearish Candle) با رنگ مشکی، قرمز، قهوه ای و یا توپُر نشان داده می شوند.

شکل ها و الگوهایی که کندل ها با قرار گرفتن در کنار یکدیگر ایجاد می کنند مطالب بسیاری را بیان می کنند که بعد ها مفصل به آنها خواهیم پرداخت.

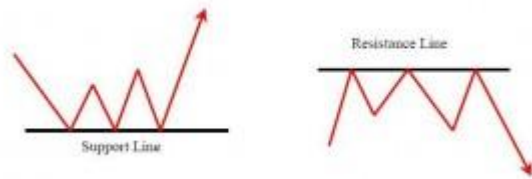


## آشنایی با تعریف ساپورت و رزیستانس S&R

به طور کلی برای هر معامله، نیاز به سه فاکتور می باشد تا این جهت، نقاط خروج (حد ضرر و حد سود) و حجم در مورد تکنیک های مدیریت سرمایه و تعیین حجم معامله به تفصیل صحبت کردیم اما دو فاکتور دیگر چیست؟ مهمترین هدف هر تریدر برای افزایش سرمایه تشخیص جهت بازار می باشد جهت از آن رو حائز اهمیت است که سود معامله گران از تشخیص درست جهت ساخته می شود تنها هدف باید این باشد که تریدر جهت غالب خریداران یا فروشندگان را تشخیص دهد و همسو با آنان وارد بازار شود. از آنجا که پویایی بازار مبادلات ارز یعنی حجم و تعداد زیاد خریداران و فروشندگان از تغییرات قیمت ها و جهات آنها ناشی می شود تشخیص نقاط تغییر قدرت بین خریداران و فروشندگان از مهم ترین مباحث تحلیل تکنیکال می باشد. بنابراین نقاط تغییر جهت روند اصلی قیمت از صعودی به نزولی و یا از نزولی به صعودی از اهمیت بالایی برخوردار است. نقاط حداقل (Minimum) که روند نزولی قیمت با برخورد به آنها تغییر جهت داده و به روند صعودی تبدیل می شود را نقاط حمایت (یا Support به اختصار S) می نامیم و به نقاط حداکثر (Maximum) که روند صعودی قیمت با برخورد به آنها تغییر جهت داده و به روند نزولی تبدیل می شود را نقاط مقاومت (یا Resistance به اختصار R) می گوئیم. درک و تشخیص نقاط S و R برای معاملات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در پنج درس آینده انواع روش های تشخیص و استفاده از نقاط حمایت و مقاومت توضیح داده خواهد شد.

## شناسایی اصول تشخیص ساپورت و رزیستانس S&R

اولین گام برای تشخیص نقاط بازگشت قیمت (S&R) مکان هایی روی نمودار می باشد که در گذشته معامله گران نسبت به آن قیمت ها عکس العمل نشان داده اند عموماً از این نقاط در اصطلاح به ساپورت و رزیستانس چشمی یاد می کنند.



همانطور که در شکل مشاهده می شود با دوبار برخورد قیمت به سطح قیمتی خاص زمانی که بار سوم قیمت به این سطوح می رسد حجم زیادی از معاملات خرید به فروش یا بالعکس تبدیل می شود و از همین رو بازار در جهت معکوس حرکت می کند.

## اصول استفاده از ساپورت و رزیستنس Support & Resistances

در زمان تشخیص ساپورت S و رزیستنس R می توان با مد نظر قراردادن قوی بودن این سطوح، انتظار داشت قیمت در هنگام برخورد با آنها در خلاف جهت روند قبلی حرکت کند و معامله در جهت خلاف روند قبلی باید انجام شود. البته تا زمانی که تجربه و دانش تشخیص بجا و درست محدوده های S&R را بدست نیاورده اید توصیه نمی شود که به این شکل معامله کنید.

## اصول درجه اهمیت ساپورت و رزیستنس S&R

درجه اهمیت ساپورت و رزیستنس به عوامل گوناگونی مربوط است. اما در اینجا به ساپورت و رزیستنس های مختلف و درجه اهمیت آنها خواهیم پرداخت.

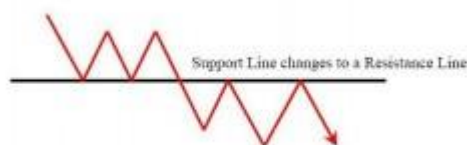
ساپورت و رزیستنس چشمی: همانطور که در گذشته ذکر شد معمول ترین نقاط بازگشت بازار نقاطی است که در گذشته بازار نسبت به آنها عکس العمل نشان داده است. درجه اهمیت S و R چشمی به عوامل گوناگونی بستگی دارد. هر چه تعداد دفعات بازگشت قیمت از سطحی بیشتر باشد اهمیت آن قیمت بیشتر است اگر قیمتی در S یا R سه بار بازگشته باشد بسیار اهمیت بیشتری نسبت به خطی دارد که تنها یک بار قیمت از آن مکان بازگشته است. هرچه S یا R در نمودار بلند مدت تری مورد بررسی قرار بگیرد اهمیت آن سطوح بیشتر می باشد. به عنوان مثال باید درک کنیم اهمیت ساپورت و رزیستنس در نمودار هفتگی بیشتر از نمودار چهار ساعته و در نمودار چهار ساعته بسیار قوی تر از نمودار 15 دقیقه است. نکته دیگر، ساپورت رزیستنس های احساسی می باشد، ساپورت و رزیستنس هایی که بازار در گذشته های دور به آنها رسیده و بازار سالهاست که آن قیمت را مشاهده نکرده S و R دیگری که در این دسته جای می گیرد نقاط Even می باشد نقاط Even در مبادلات ارز قیمت هایی است که از پنج رقمی که عموماً ارزها در مقابل یکدیگر محاسبه می گردند دو رقم سمت راست به عدد دو صفر برسد. از آنجا که در جاهایی که بازار به رقم صحیح دو صفر می رسد نرخ برابری یک واحد اصلی تغییر میکند از لحاظ احساسی بازار نسبت به این اعداد واکنش نشان می دهد. مثال



این مورد زمانی است که نرخ برابری یورو به دلار از 1.2999 به 1.3000 می رسد. در این زمان شاید بازار نسبت به تغییر برابری این جفت عکس العمل نشان بدهد و اجازه رسیدن قیمت به سطوح بالاتر را ندهد. در درس های آینده با ساپورت و رزیستنس های دیگری نیز آشنا خواهیم شد.

### استفاده از تعویض نقش و شکسته شدن ساپورت و رزیستنس S&R

از آنجا که ساپورت و رزیستنس ها برای بازار سطوح قیمتی مهمی به شما می روند حتی با شکسته شدن این سطوح و عبور قیمت از آنها امکان اینکه قیمت در آینده نسبت به آنها عکس العمل نشان بدهد بسیار بالا می باشد و در بازگشت نقش S یا R با یکدیگر تعویض می شود. ساپورت در آینده نقش یک رزیستنس را بازی می کند یا یک رزیستنس مانند یک ساپورت ایفای نقش می کند. همانطور که در شکل زیر مشاهده می کنید عبور قیمت از یک ساپورت، نقش رزیستنس را در آینده به آن خط واگذار کرده و بازار نسبت به آن خط عکس العمل نشان داده است.



در زیر نمودار روزانه دلار به ین ژاپن دیده می شود. قیمت 108.95 در ابتدا نقش رزیستنس و پس از شکسته شدن تبدیل به ساپورت می شود.



### آشنایی با محدوده های S&R Zone

محدوده های ساپورت و رزیستنس خطوطی نزدیک به هم هستند که نقش ساپورت یا رزیستنس را بازی می کنند. قیمت در نمودارهای روزانه و پایین تر با اختلاف چند پیپ و در نمودارهای هفتگی و ماهانه با اختلاف چند ده پیپ نسبت به محدوده های ساپورت و رزیستنس عکس العمل نشان می دهد. در شکل زیر محدوده رزیستنسی

را می بینید که روند صعودی قیمت با هر بار رسیدن به این محدوده تبدیل به روندی نزولی شده است.



### اصول کار با ساپورت و رزیستنس S&R

با شناسایی و بکارگیری محدوده های حمایت و مقاومت یک معامله گر می تواند به درستی معاملات خود را مدیریت نماید. کسب تجربه در استفاده از ساپورت و رزیستنس نکته مهمی می باشد. تنها از طریق زیر نظر گرفتن بازار و کار با این خطوط می توان مهارت خود را در استفاده از خطوط ساپورت و رزیستنس بهبود بخشید. توصیه می شود در زمان شکسته شدن یک S یا R تا زمان بسته شدن کندل صبر نمایید. با رد شدن قیمت وارد معامله نشوید. امکان بازگشت قیمت به سطح ساپورت یا رزیستنس بسیار زیاد است. به طور کلی به علت اینکه هیچ موضوعی در بازار قطعی نمی باشد حتی در صورتی که تشخیص دادید قیمت از سطح مورد نظر نمی گذرد از عوامل تایید کننده دیگر نیز استفاده کنید. یکی از روش های کاربردی دیگر برای استفاده از S و R تایید گرفتن از نمودارهای بلند مدت (تایم فریم بالاتر) می باشد. در این صورت بسیاری از سیگنال های خطا، فیلتر شده و از معاملات اشتباه جلوگیری می شود. در انتها دوباره تاکید می شود تا زمانی که تجربه کافی به دست نیآورده اید از معامله در حساب حقیقی بپرهیزید و تا حد امکان در حساب های دمو بر تجربیات خود بیافزایید.

### اصول استفاده از گپ ها و کاربردها به عنوان S&R

گپ در اصطلاح به شکاف قیمت در بین دو بازه زمانی (دو کندل) در نمودار گفته می شود. در فاصله گپ عموماً معامله ای انجام نشده است و عرضه و تقاضا در نقطه انتهای گپ برای ارائه قیمت جدید به توازن رسیده است.

با اینکه عموماً در بازار مبادلات ارز به علت 24 ساعته بودن و پیوستگی قیمت ها گپ های بسیار کمی مشاهده می شود، اما به علت وجود گپ ها در مباحث ساپورت و رزیستنس به توضیح در مورد آنها می پردازیم.

گپ ها به طور عمومی به سه دسته تقسیم می شوند:

### Breakaway Gap Measuring Gap Exhaustion Gap

1- گپ شکست بعد از یک روند خنثی، برای ایجاد یک روند بلند مدت در خلاف جهت روند قبلی ایجاد می گردد. در اغلب موارد قیمت، گپ ایجاد شده را کاملاً پر نمی کند. این گپ نشان دهنده آغاز یک روند بلند مدت می باشد.

2- گپ امتداد معمولاً در میانه یک روند اتفاق می افتد و معمولاً از گپ شکست بزرگ تر می باشد در اغلب موارد قیمت این گپ را نیز کاملاً پر نمی کند. با اندازه گیری فاصله ابتدای روند تا گپ امتداد، می توان انتظار همین فاصله را از گپ امتداد تا پایان روند داشت.

3- گپ خستگی در پایان روند ایجاد می شود. قیمت پس از ایجاد گپ خستگی خیلی زود گپ را پر می کند. در نقطه مقابل گپ خستگی و در روند معکوس عموماً گپی خلاف گپ خستگی در قسمتی از آن ایجاد می شود که تاییدی بر گپ خستگی و آغاز روند جدید است که می تواند تشکیل دهنده الگوی جزیره ای قیمت باشد.



همانطور که در شکل ملاحظه می کنید گپ اول یک گپ خستگی می باشد که در انتهای یک روند صعودی تشکیل شده و پس از ایجاد گپ خستگی در انتهای روند صعودی الگوی جزیره ای تشکیل شده است. بیضی دوم گپ شکستی را نمایش می دهد که آغاز یک روند نزولی را نوید می دهد و بیضی سوم یک گپ امتداد است که ادامه روند را تایید می کند فاصله نوک قله روند نزولی تا گپ سوم دقیقاً به اندازه ادامه روند نزولی می باشد و بدین وسیله امکان اندازه گیری اولین نقطه بازگشت در روند نزولی قیمت قابل پیش بینی بوده است.

گپ ها در اکثر موارد ساپورت و رزیستنس های بسیار قوی هستند و نقاط باز شدن گپ ها برای معامله گران نقاطی هم تراز ساپورت و رزیستنس های قوی می باشند. با اینکه در مبادلات ارز گپ های کمی داریم اما در زمان اعلام خبرهای فرار و فاصله بسته بودن بودن بازار در روزهای شنبه و یکشنبه گپ هایی بوجود می آید که با توضیحاتی که در بالا داده شد می توان از

آنها استفاده کرد. در فصل بعد به توضیحات نوعی دیگر از S و R یعنی خطوط روند می پردازیم.

## جلسه ششم : شناخت و استفاده از روندها (ترند) در تحلیل بازار مبادلات ارز

نوشته شده توسط ایران بورس آنلاین - ۱۲ آبان ۱۳۸۷ - ۱۴:۱۳  
مطلب قبلی: جلسه پنجم : استفاده از تحلیل تکنیکال در بازار مبادلات ارز  
مطلب بعدی: جلسه هفتم : خطوط پیوت ، کاماریلا و محاسبات آن در تحلیل بازار مبادلات ارز  
لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب

- تقسیم بندی روندها از لحاظ جهت حرکت
- تقسیم بندی روند ها به لحاظ زمانی
- اصول کار با خط روند (Trend Line) نحوه رسم و درجه اهمیت
- کاربرد خط روند
- رسم کانال ها
- کاربرد کانال ها

روندها (ترندها) ، سمت و سوی حرکت قیمت در گذشته را نشان می دهند. از آنجا که روند، قدرت و تمایل غالب تریدرها را در نوسانات قیمت نشان می دهد می توان انتظار داشت تا زمانی که نیرویی بیشتر از نیروی فعلی بازار و در جهت عکس به بازار وارد نشود روند ادامه داشته باشد.

روندها مجموعه ای از موج های صعودی و نزولی می باشند. در اولین نگاه میتوان این نکته را متوجه شد که بازار هیچ زمانی دارای روند مستقیم نیست و مجموعه ای از شکسته شدن حمایت ها و مقاومت های گوناگون است که یک روند را تشکیل می دهد.

### تقسیم بندی روندها (ترندها) از لحاظ جهت حرکت

روندها دارای سه جهت کلی می باشند 1: روند صعودی 2: روند نزولی 3: روند خنثی

1: در روند صعودی قیمت بیشتر از آنکه تمایل به تضعیف داشته باشد تمایل به تقویت و بالا رفتن دارد. در روند صعودی معقول ترین کار خریدن و باقی ماندن در بازار تا تشخیص انتهای روند صعودی است.

2: در روند نزولی قیمت

ب

یشتتر از آنکه تمایل به تقویت داشته باشد تمایل به تضعیف و پایین آمدن دارد. در روند نزولی معقولترین کار فروختن و باقی ماندن در بازار تا تشخیص انتهای روند نزولی است. (در بازارهای یک طرفه فروختن به معنی بی معامله ماندن و نظاره کردن می باشد)

3: روند خنثی بیان کننده قدرت برابر خریداران و فروشندگان در زمانی خاص است. عموماً آنچه در روند خنثی دیده می شود در بازه های زمانی کوتاه تر تلفیقی از روندهای صعودی و نزولی می باشد و در بازه های زمانی بلند مدت روند خنثی، خود جزئی از یک روند دیگر می باشد. در روند های خنثی یا معامله گر باید تا زمان چیرگی قدرت یکی از گروه خریداران یا فروشندگان نظاره گر باشد و یا از روند های کوچک صعودی و نزولی بازار منتفع شود.

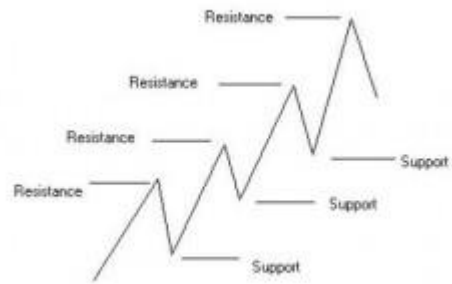
### تقسیم بندی روند ها (ترندها) به لحاظ زمانی

غیر از جهت قیمت، طول مدت روند نیز حائز اهمیت می باشد. تا به حال تعریف غالبی برای تقسیم بندی زمانی روندها، بین تریدرها وجود نداشته اما تقسیم بندی غالب به سه دسته اشاره دارد 1: روند بلند مدت 2: روند میان مدت 3: روند کوتاه مدت برای این تقسیم بندی روند بلند مدت را بیش از شش ماه یا یکسال در نظر می گیرند. روند میان مدت را بیش از یک ماه تا یکسال در نظر می گیرند و روند کوتاه مدت را روندهای دارای زمان کمتر از یک ماه در نظر می گیرند. گرچه روند های میان روز کوچک تر از روند های کوتاه مدتی است که تعریف کردیم اما اغلب معامله گران روند های میان روز را نیز جزء روند های کوتاه مدت طبقه بندی می کنند.

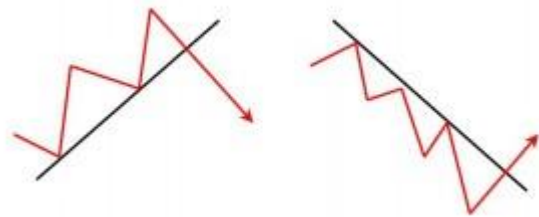
نکته دیگر در مورد روندها، حرکات موجی شکل آنها است. هر روند در بازه زمانی خاص خود تشکیل شده از چند روند کوچکتر و در بازه زمانی بزرگتر جزئی از موج روند بزرگتر می باشد. بنابراین وقتی صحبت از روند به میان می آید تعیین بازه زمانی روند نیز حائز اهمیت می باشد.

### اصول کار با خط روند (ترند لاین (Trend Line) (نحوه رسم و درجه اهمیت

همانطور که در گذشته اشاره شد روند ها مجموعه ای از پیشی گرفتن موج های یک جهت قیمت بر جهت مقابل می باشد. اگر به شکل زیر دقت کنید می بینید که روند صعودی مجموعه ای از روندهای کوچکتر می باشد که مجموع و اندازه روندهای نزولی، کوچکتر از روندهای صعودی می باشد. از همین رو روند غالب صعودی است. به بیانی دیگر شاهد آن هستیم که در روند صعودی مقاومت های جدید بالاتر از مقاومت های قبل از خود هستند اما قیمت در خطوط حمایت به حمایت قبل از خود نمی رسد. عکس این حالت برای روند نزولی تعریف می شود.



تا زمانی که در یک روند صعودی قرار داریم دره های قیمت (حمایت ها) نباید به قیمت پایین تر از حمایت قبلی برسد و در روند نزولی قله های قیمت (مقاومت ها) نباید به قیمت بالاتر از مقاومت قبلی برسد. این نکته مهمترین اصل تشخیص و بکارگیری روند می باشد. در صورتی که قله ها یا دره ها به موج قبل خود برسند در اصل بیان کننده این هستند که یا شیب روند غالب کم شده یا آن روند پایان یافته و روند معکوس جدیدی در پیش داریم.



برای ترسیم یک روند صعودی حداقل دو دره قیمت (حمایت) را به یکدیگر متصل می کنیم و تا زمانی که قیمت از امتداد این خط ترسیمی رد نشود روند صعودی می ماند. برای ترسیم یک روند نزولی حداقل دو قله قیمت (مقاومت) را به یکدیگر متصل می کنیم و تا زمانی که قیمت از امتداد این خط ترسیمی رد نشود روند نزولی می ماند. اعتبار یک روند را تعداد دفعات برخورد قیمت با خط روند (ترند لاین) ، میزان زمان باقی ماندن قیمت در روند و شیب روند تعیین می کند و در صورتی که هر کدام از سه پارامتر بالا بیشتر و بزرگتر باشد اطمینان کردن به روند غالب اهمیت بیشتری پیدا می کند.

### کاربرد خط روند (ترند لاین)

با توجه به توضیحات بالا تکنیک استفاده از خط روند بدین صورت می باشد که بعد از ترسیم خط روند، در بازگشت قیمت، با برخورد قیمت به خط روند، انتظار بازگشت قیمت در جهت روند غالب را داریم و معامله ای در جهت روند باز می کنیم. در شکل زیر روند صعودی دلار به فرانک را می بینیم. پس از

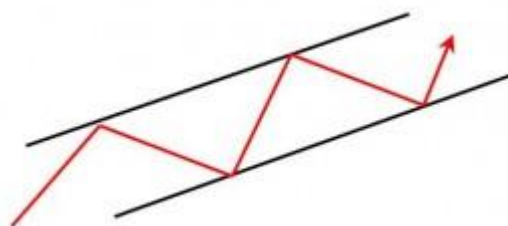


هر بار برخورد قیمت به خط روند (Trend line) قیمت شروع به بالا رفتن می کند. در بار سوم و چهارم برخورد قیمت به خط روند می توان در جهت صعودی معامله خرید باز کرد. می بینیم که هر بار معامله ما وارد سود شده است.



### رسم کانال ها

معمولا روند ها تمایل دارند که در داخل کانال قیمتی خاص حرکت کنند بدین معنی که همانطور که شیب خط روند در صورت تغییر می تواند باعث تعویض نقش روند شود، خارج شدن بازار از کانال خود نیز می تواند باعث تغییرات در روند و شیب آن گردد. برای ترسیم خط کانال باید به موازات خط روند خطی از آخرین قیمت موجود در کانال رسم شود. برای خط روند حتما لازم بود دو نقطه را برای روند در نظر بگیریم اما در خط کانال نیازی به دو نقطه برخورد قیمت نمی باشد و تنها یک نقطه را با فرض استفاده موازی خط روند میتوان استفاده کرد. فراموش نشود خط کانال تابعی از خط روند می باشد و هیچ زمانی خط کانال قبل از خط روند ترسیم نمی شود.



### کاربرد کانال ها

در مورد خط کانال نیز به مانند خط روند در برخورد قیمت به خط کانال ترسیمی میتوان بازگشت قیمت به درون خط کانال را انتظار داشت. ریسک معاملات برخورد قیمت با خط کانال بسیار بیشتر از معاملات با خط روند می باشد. دلیل این موضوع نیز وارد شدن در این معاملات بر خلاف روند غالب بازار می باشد در حالی که معاملات بر اساس خط روند در جهت عمومی قیمت است. خط دیگری نیز بین دو خط ترند لاین و کانال میتوان وجود داشته باشد با نام خط میانه (Middle line) که از این خط نیز میتوان به

مانند دو خط روند و کانال استفاده کرد. نکته دیگر در مورد استفاده از خطوط روند و کانال، تصحیح این خطوط در زمان هایی است که شیب آنها کم می شود و باید خطوط جدیدی ترسیم شود تا از زیان معاملات جلوگیری شود.

## جلسه هفتم : خطوط پیوت ، کاماریلا و محاسبات آن در تحلیل بازار مبادلات ارز

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۱۲ آبان ۱۳۸۷ - ۱۵:۰۲  
مطلب قبلی: [جلسه ششم : شناخت و استفاده از روندها \(ترند\) در تحلیل بازار مبادلات ارز](#)  
مطلب بعدی: [جلسه هشتم : استفاده از میانگین متحرک \(مووینگ اوریج\)](#)  
[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

- [محاسبه خطوط پیوت \(Pivot\)](#)
- [کار با خطوط پیوت](#)
- [محاسبه خطوط کاماریلا \(Camarilla\)](#)
- [کار با خطوط کاماریلا](#)

خطوط حمایت و مقاومتی که تا کنون در مورد آنها بحث کردیم، همه به صورت چشمی و ترسیمی به دست می آمدند. در این درس در مورد خطوطی بحث خواهیم کرد که با استفاده از فرمول های ریاضی محاسبه شده و قدرت و اثرگذاری چشمگیری در رفتار معامله گران و در نتیجه روند قیمت دارند.

### محاسبه خطوط پیوت (Pivot)

به طور کلی از خطوط پیوت برای معاملات روزانه استفاده می کنند و با انجام محاسبه بر روی قیمت های روز گذشته ساپورت و رزیستنس های روز آتی را به دست می آورند. ولی افرادی نیز هستند که این خطوط را برای بازه های زمانی بزرگتر مانند هفتگی، ماهانه و یا حتی سالانه استفاده می کنند. برای محاسبه خط پیوت به چهار پارامتر روز گذشته (بازه زمانی قبلی) نیاز است. این چهار پارامتر عبارتند از بیشترین قیمت، کمترین قیمت، نقطه باز شده و نقطه بسته شده روز گذشته که مورد نیاز هستند. البته در مورد بازارهای 24 ساعته مانند مبادلات ارز که بازار زمان بسته شدن شبانه ندارد نقطه باز شدن قیمت لحاظ نمی شود و تنها از نقطه بسته شدن قیمت استفاده می گردد. نحوه محاسبه آن به شکل زیر است:

$$PP = \text{Pivot Point} = \frac{\text{High} + \text{Low} + \text{Close}}{3}$$

$$R1 = (2 * PP) - \text{Low}$$

$$R2 = PP + (\text{High} - \text{Low})$$

$$S1 = (2 * PP) - \text{High}$$

$$S2=PP-(High-Low)$$

در محاسبه پیوت بازارهای 24 ساعته، قیمت بسته شدن (Close) از اهمیت بالایی برخوردار است به علت اینکه در ساعتی خاص بازار بسته نمی شود، معامله گران می توانند از ساعات مختلفی استفاده کنند. اغلب افراد با ساعت 24 بروکر خود پیوت را محاسبه می کنند که می تواند کاری اشتباه باشد برای بهترین جواب عموماً ساعت 12 نیمه شب گرینویچ یا ساعت 12 نیمه شب به وقت نیویورک مورد استفاده قرار می گیرد که بازده بهتری نسبت به دیگر ساعات بازار دارد. بالاترین و پایینترین قیمت (High-Low) نیز در بازه زمانی بین 12 نیمه شب روز گذشته تا 12 نیمه شب روز جاری محاسبه میگردد.

### کار با خطوط پیوت

استفاده از خطوط پیوت دقیقاً به مانند استفاده از خطوط ساپورت و خطوط رزیستنس است بدین صورت که پس از ترسیم، هر کدام از خطوط می تواند قابلیت عکس العمل به قیمت را داشته باشند. در شکل زیر پس از محاسبه داده های روز 18 July خطوط پیوت و ساپورت برای روز 19 July محاسبه می گردد در ساعات اولیه روز کاری اروپای مرکزی (بازار توکیو) قیمت نمودار پوند به دلار به خط پیوت می رسد اما با فشار خریداران قیمت به سطوح بالا می رود. تا اینکه در ساعت 10:30 به وقت اروپای مرکزی با اعلام خبری مربوط به انگلستان قیمت با گپی رو به پایین از خط پیوت می گذرد. در کندل بعد لحظاتی قیمت به پیوت می رسد و در ادامه روز، قیمت به خط ساپورت اول می رود. قیمت توانایی رد شدن از ساپورت یک را نداشته و دوباره رو به بالا حرکت می کند. این بار نقش حمایتی خط پیوت پوینت تبدیل به مقاومت می شود و قیمت در اواخر روز در بین خط پیوت و S1 بسته می شود.



در نمونه ای دیگر قیمت پس از رسیدن به خط پیوت در ادامه روز حرکت صعودی را نمایش می دهد. با اینکه خطوط R1 تا R3 برای دوره ای جلوی حرکت صعودی قیمت را می گیرند اما فشار خریداران صعود قیمت را رقم می زند.



### محاسبه خطوط کاماریلا (Camarilla)

خطوط کاماریلا نیز به نوعی ساپورت و رزیستنس می باشند. با اینکه فرمول محاسبه و نحوه استفاده از این خطوط با خط های پیوت متفاوت است اما کلیات آنها در استفاده از ساپورت و رزیستنس یکسان است. در خطوط کاماریلا هشت خط برای هر روز محاسبه می شود که عموماً از 4 خط آن استفاده می گردد فرمول محاسبه هشت خط کاماریلا به ترتیب زیر می باشد.

$$\begin{aligned}
 H4 &= ((\text{High}-\text{Low}) * (1.1/2)) + \text{Close} \\
 H3 &= ((\text{High}-\text{Low}) * (1.1/4)) + \text{Close} \\
 H2 &= ((\text{High}-\text{Low}) * (1.1/6)) + \text{Close} \\
 H1 &= ((\text{High}-\text{Low}) * (1.1/12)) + \text{Close} \\
 L1 &= \text{Close} - ((\text{High}-\text{Low}) * (1.1/12)) \\
 L2 &= \text{Close} - ((\text{High}-\text{Low}) * (1.1/6)) \\
 L3 &= \text{Close} - ((\text{High}-\text{Low}) * (1.1/4)) \\
 L4 &= \text{Close} - ((\text{High}-\text{Low}) * (1.1/2))
 \end{aligned}$$

### کار با خطوط کاماریلا

معمولاً محاسبه 4 خط از 8 خط در مورد خطوط کاماریلا حائز اهمیت هستند. در صورت صعود قیمت خط های H3 و H4 و در صورت نزول قیمت خطوط L3 و L4 حائز اهمیت هستند. کسانی که از خطوط کاماریلا استفاده می کنند عقیده دارند که قیمت در اغلب روزها توانایی عبور از خطوط L3 و H3 را ندارد و در بازه ای بین این دو خط باقی می ماند. این افراد بر این اساس، با رسیدن قیمت به هر کدام از این دو خط در جهت بازگشت به سمت مخالف، وارد بازار می شوند. اما در روزهایی که بازار دارای روند قوی می باشد با شکسته شدن خطوط L3 و H3 صبر می کنند تا قیمت به خطوط L4 و H4 نیز برسد. سپس از آنجا در جهت روند اصلی وارد معامله می شوند.

در شکل زیر قیمت ابتدا به خط H3 می رسد و با فشار فروشندگان به سمت خط L3 حرکت می کند. مشاهده می شود قیمت از خط L3 رد نمی شود و خریداران در ادامه روز حتی قیمت را از خط H3 و H4 رد می کنند.



### جلسه هشتم : استفاده از میانگین متحرک (مووینگ اوریج)

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۱ آذر ۱۳۸۷ - ۱۸:۵۷  
 مطلب قبلی: [جلسه هفتم : خطوط پیوت ، کاماریلا و محاسبات آن در تحلیل بازار مبادلات ارز](#)  
 مطلب بعدی: [جلسه نهم: استفاده از خطوط فیبوناچی](#)  
[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS](#) [نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

- [آشنایی با انواع میانگین های متحرک](#)
- [انجام محاسبه میانگین های متحرک](#)
- [اصول کار با میانگین های متحرک](#)

### آشنایی با انواع میانگین های متحرک

میانگین متحرک (مووینگ اوریج) ، میانگینی از داده های بازار در بازه زمانی خاص می باشد. میانگین متحرک (مووینگ اوریج) عموماً به عنوان یک اندیکاتور (Indicator شاخص نمای تکنیکی) شناخته می شود اما از آنجا که امروزه در بین معامله گران (به خصوص معامله گران ارز) بیشتر بر روی خاصیت ساپورت و رزیستنس آن حساب باز می شود کاربردی دوگانه یافته است.

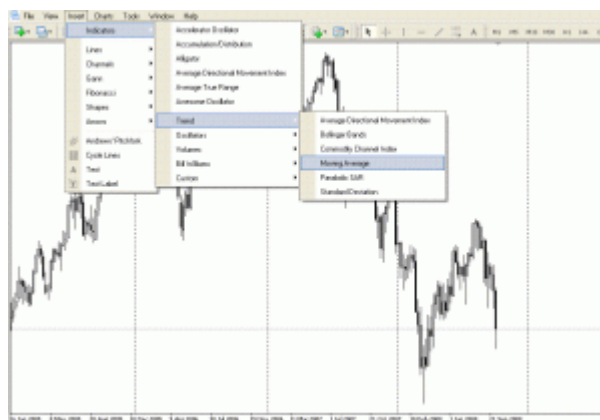
### انجام محاسبه میانگین های متحرک (محاسبه مووینگ اوریج)

از آنجا که محاسبه میانگین متحرک از تغییرات قیمت به دست می آید، تابعی از قیمت و روند بازار می باشد و به لحاظ ساختاری برای پیش بینی آینده قیمت همیشه مقداری از روند عقب تر می باشد. نحوه محاسبه میانگین متحرک بسته به فرمول آن متفاوت است. ساده ترین شیوه محاسبه، میانگین متحرک ساده (Simple Moving Average) می باشد. این میانگین متحرک از آخرین تغییرات قیمت داده می پذیرد. به علت اینکه در بازار مبادلات ارز یا بازارهای دیگر تمامی تغییرات قیمتی (تیک چارت) را نداریم برای سهولت محاسبه از قیمت بسته شدن کندل استیک یا بار چارت برای بدست آوردن میانگین متحرک استفاده می شود. برای محاسبه میانگین متحرک غیر از قیمت انتهایی کندل استیک، میتوان از قیمت آغازین کندل استیک یا بالاترین و پایین ترین قیمت کندل

استیک نیز استفاده کرد. در محاسبه میانگین متحرک روش های گوناگونی وجود دارد. ساده ترین و کاربردی ترین آن را در بالا توضیح دادیم اما میانگین های متحرک دیگری نیز وجود دارد که ارزش متفاوتی به داده های قیمت می دهند مانند میانگین های متحرک نمایی - اکسپوننشیال) Exponential کاربرد ارزش هر داده قیمت را در این میانگین تایین می کند) میانگین متحرک سطحی Smoothed و میانگین متحرک خطی وزنی Linear Weighted از انواع دیگر هستند که عموماً به داده های جدید ارزش و وزن بیشتری برای محاسبه می دهند. به هر حال آنچه مهم است تحقیق و بررسی شما روی میانگین های متحرک گوناگون در بازارهای مختلف (در اینجا ارزهای گوناگون) می باشد.

### اصول کار با میانگین های متحرک (مووینگ اوریج)

در فصل سوم در مورد مکان اندیکاتورها در نرم افزار متا تریدر صحبت کردیم. برای یادآوری، تصویر زیر نشان می دهد که اندیکاتور مووینگ اوریج Moving Average در منوی Insert و زیر منوی Trend در چه مکانی قرار دارد.



پس از باز کردن این اندیکاتور پنجره تنظیمات مشاهده می شود.



زبان اول این پنجره Parameters تنظیمات اولیه میانگین متحرک را نشان می دهد. کادر Period مربوط به تعداد کندل استیک ها یا دوره های محاسبه

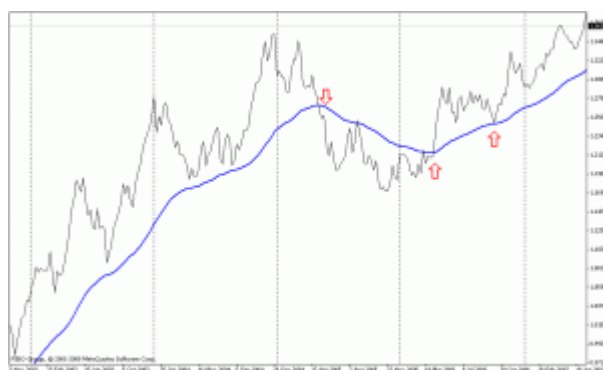


میانگین متحرک است. در قسمت بعد توضیحات برای بهترین بازده این پارامتر داده خواهد شد. در کادر **MA method** نمونه محاسباتی میانگین متحرک تعریف می شود. این قسمت به صورت پیش فرض **Simple** می باشد اما توصیه می شود برای دادن وزن بیشتر به تغییرات قیمتی جدیدتر، از اکسپوننشال **Exponential** یا **Linear Weighted** استفاده شود. کادر **Apply to** قیمت مورد نظر هر کندل استیک یا داده قیمتی را مشخص می کند. بهترین گزینه در این قسمت **Weighted Close** می باشد. در این گزینه در عین حال که قیمت های بالا و پایین هر کندل استیک مورد محاسبه قرار گرفته وزن حرکتی بیشتر به قیمت پایانی به خاطر اهمیت آن داده شده است. در قسمت **Style** نیز نحوه نمایش خط میانگین متحرک تنظیم می گردد در این قسمت رنگ دلخواه، پیوسته یا نقطه چین بودن این خط و قطر خط تنظیم می گردد.

در بین معامله گران اندیکاتور میانگین متحرک از پر طرفدارترین اندیکاتورها می باشد. اندیکاتور مووینگ اوریج از یکسو به عنوان ساپورت و رزیستنس عمل کرده و از سوی دیگر جهت قیمت و سیگنال های معاملاتی را به معامله گر نشان می دهد. قبل از آشنایی بیشتر با این ابزار لازم به ذکر است که همیشه این سوال وجود دارد که چه دوره زمانی برای این اندیکاتور بهترین می باشد؟ این سوال بیشتر از آنکه بین معامله گران دارای اجماع باشد امری سلیقه ای است و بسته به هر بازاری متغیر است. در بازارهای با نوسان شدید عموماً از دوره های زمانی کوتاه مدت تر و در بازارهای با نوسانات کندتر از دوره های زمانی طولانی تر استفاده می گردد.

ساده ترین روش استفاده از میانگین متحرک قطع این شاخص از روی نمودار خطی قیمت می باشد. اگر نحوه نمایش نمودار به صورت خطی باشد و یک میانگین متحرک روی نمودار ترسیم کنیم، ساده ترین سیگنال قطع قیمت از روی میانگین متحرک است. همانطور که در شکل زیر دیده می شود خط سبز تغییرات قیمت و خط آبی میانگین متحرک 55 روزه بر روی نمودار یورو به دلار می باشد. فلش رو به پایین نقطه ورود به سیگنال فروش را نشان می دهد و دو فلش رو به بالای بعدی نقطه خرید را برای افزایش قیمت نشان می دهد. عموماً از این روش برای بازارها یا بازه های زمانی استفاده می شود که نمودار آنها عموماً دارای روند های پایدار باشند و در بازارهایی مانند مبادلات ارز که فراریت در آنها زیاد و زمانهای بسیاری بدون روند هستیم این روش کاربرد چندانی ندارد. نقطه ضعف دیگر این روش باز بودن معاملات در هر زمانی می باشد. به این معنی که همیشه سیگنال فروش قبلی به ما سیگنال خرید می دهد و سیگنال خرید با سیگنال فروش بسته می شود. نمونه دیگری که از میانگین های متحرک برای معاملات استفاده می کنند قطع دو میانگین متحرک توسط یکدیگر است. روش دو میانگین متحرک شباهت بسیاری به روش قطع قیمت با یک میانگین دارد. تنها تفاوت در این است که به جای قطع یک میانگین متحرک از روی قیمت، این بار قطع یک

میانگین توسط میانگین دیگر برای معامله گر سیگنال صادر می کند. در این روش حتما باید از دو میانگین متحرک با دوره های زمانی متفاوت استفاده کرد و هر زمان که میانگین با دوره کمتر زیر میانگین با دوره بلندتر قرار گرفت سیگنال فروش داریم و هر زمان که میانگین با دوره کمتر بالای میانگین بلند مدت تر آمد سیگنال خرید داریم. در این روش نیز حد سود و ضرر با قطع دوباره میانگین ها معلوم می گردد. ایراد عمومی میانگین های متحرک دیرکرد آنها نسبت به قیمت می باشد و همیشه زمانی سیگنال می دهند که تغییرات قیمتی زیادی بوجود آمده است.



روش دیگری که برای استفاده از میانگین های متحرک کاربرد بسیاری برای معامله گران حرفه ای دارد استفاده از آنها به عنوان ساپورت و رزیستنس می باشد. از آنجا که به تجربه ثابت شده میانگین های متحرک قابلیت تغییر قیمت و عکس العمل روی بازارها را دارند، با رسیدن قیمت به یک میانگین متحرک معامله گران در برخورد میانگین متحرک و قیمت، میانگین متحرک را در نقش یک حمایت یا مقاومت در نظر می گیرند و در جهت معکوس وارد بازار می شوند. در شکل بالا فلش سوم دقیقا بیان کننده همین موضوع است. قیمت با برخورد به میانگین متحرک 55 روزه ناگهان شتاب گرفته و در جهت رو به بالا حرکت کرده است. امروزه استفاده از اعداد 5،8،13،21،34،55،89 و 144 که اعداد فیبوناچی (در فصل آینده در مورد این اعداد به تفصیل صحبت خواهیم کرد) می باشند در میانگین های متحرک کاربرد بسیاری یافته است و بسته به شرایط و عکس العمل آنها، بسیار از آنها استفاده می شود.

## جلسه نهم: استفاده از خطوط فیبوناچی

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۱۱ آذر ۱۳۸۷ - ۲۰:۵۲  
 مطلب قبلی: [جلسه هشتم: استفاده از میانگین متحرک \(مووینگ اوریج\)](#)  
 مطلب بعدی: [جلسه دهم: کار با الگوهای کندل استیک \(شمعی ژاپنی\)](#)

- [آشنایی با تعریف و تاریخچه فیبوناچی](#)
- [اصول کار با انواع فیبوناچی](#)
- [اصول کار با فیبوناچی Retracement و نحوه رسم](#)
- [اصول کار با فیبوناچی Extension و نحوه رسم](#)
- [اصول کار با فیبوناچی Projection و نحوه رسم](#)
- [اصول کار با فیبوناچی Expansion و نحوه رسم](#)
- [اصول کار با فیبوناچی Arcs و نحوه رسم](#)
- [اصول کار با فیبوناچی Fan و نحوه رسم](#)
- [اصول کار با فیبوناچی Time و نحوه رسم](#)

### آشنایی با تعریف و تاریخچه فیبوناچی

لئوناردو فیبوناچی ریاضیدان قرن 12 میلادی در ایتالیا متولد شد و بزرگترین اثر وی کشف اعدادی طلایی از روی حل مساله ازدیاد تعداد خرگوش‌ها بود. اعداد طلایی کشف شده توسط این دانشمند را به احترامش اعداد فیبوناچی می‌نامند. دنباله فیبوناچی با صفر و یک شروع می‌شود و هر عدد مجموع دو عدد قبلی می‌باشد... 1-1-2-3-5-8-13-21-34-55-89-144-233-377

تا به حال هماهنگی‌های زیادی بین روابط این اعداد و قوانین طبیعت دیده شده است. نسبت‌های فیبوناچی در همه جا دیده می‌شوند، از فاصله حرکت سیاره‌ها به دور ستارگان تا فاصله حرکت الکترون‌ها به دور هسته اتم. این اعداد نسبت‌هایی با یکدیگر دارند که در علم اقتصاد نیز کاربرد دارد. در زیر به بعضی قواعد این اعداد می‌پردازیم.

### اصول کار با انواع فیبوناچی

انواع ابزارهای فیبوناچی در بازارهای مالی، روشی برای تحلیل بازگشت یا ادامه روند می‌باشند. از منظر انواع ابزارهای فیبوناچی نقاط حمایت و مقاومت می‌باشند که با ابزارها و روش‌های گوناگون رسم می‌شوند. این سطوح بازگشت بر خلاف حمایت و مقاومت‌های قبلی که تنها قیمتی خاص را نقطه حساس تلقی می‌کردند می‌توانند قیمتی خاص، منحنی روی نموداری، خطی مورب یا زمان خاصی را نقطه حساس حمایت یا مقاومت تعریف کنند. در استفاده از ابزارهای فیبوناچی درصدها اهمیت فوق‌العاده دارند. عموم این درصدها از نسبت درصدهای بین اعداد فیبوناچی بدست می‌آیند. به غیر از چند عدد ابتدای سری اعداد فیبوناچی، هر کدام از اعداد دنباله، تقریباً 1.618 برابر عدد قبل از خود هستند (نسبت طلایی) و هر عدد 0.618 برابر عدد بعد از خود می‌باشد. این نسبت‌ها به درصد به ترتیب 161.8 درصد و 61.8 درصد می‌شوند. درصدهای دیگری نیز مهم هستند که در زیر می‌آید. تقسیم عدد اول به عدد دوم سری اعداد فیبوناچی یک به یک یا به عبارتی 100 درصد را نشان می‌دهد. تقسیم عدد دوم به

عدد سوم سری اعداد فیبوناچی 0.5 یا به عبارتی 50 درصد را نشان می دهد. در اعداد بالاتر سری اعداد فیبوناچی و تقسیم هر عدد به دو عدد بعد از آن، مشاهده می شود حاصل تقسیم به 38.2 درصد تمایل می کند. در اعداد بالاتر سری اعداد فیبوناچی و تقسیم هر عدد به سه عدد بعد از آن، مشاهده می شود حاصل تقسیم به 23.6 درصد تمایل دارد.

### اصول کار با فیبوناچی Retracement و نحوه رسم

فیبوناچی ریتریسمنت ساده ترین و کاربردی ترین ابزار از گروه خطوط فیبوناچی ها می باشد. عموماً زمانی که بازار در روندی خاص حرکت می کند در بازه هایی تمایل به بازگشت و تصحیح نسبت به قیمت های قبلی دارد اما پس از مدتی تمایل به ادامه روند غالب پیدا می کند. در یک روند صعودی درصدهای تصحیح بازگشت روند در جهت روند صعودی قبل، به ترتیب درصدهای 23.6 - 38.2 - 50 - 61.8 و 100 درصد می تواند باشد.



همانطور که در شکل دیده می شود در یک روند نزولی، خطوط 38.2، 50 و 61.8 برای قیمت حکم رزیستنس را داشته و از ادامه روند صعودی برای مقطعی جلوگیری کرده اند. نکته دیگر در مورد رسم ابزار فیبوناچی ریتریسمنت این است که همیشه از سمت آغاز روند به انتهای روند ترسیم می شود.

### اصول کار با فیبوناچی Extension و نحوه رسم

فیبوناچی اکستنشن ابزاری است که نقاط بازگشت بیش از 100 درصد هر موج را برای هدف های قیمتی جلوتر بیش بینی می کند. بازار پس از یک موج صعودی یا نزولی در فیبوناچی اکستنشن 161.8% - 261.8% و یا درصدهای محاسباتی بالاتر می تواند بازگشت داشته باشد. همانطور که در شکل زیر دیده می شود بازار پس از یک روند نزولی در تصحیح روند نزولی بازگشتی، تا 161.8 درصد روند نزولی را صعود داشته است. این درصد فیبوناچی اکستنشن به عنوان یک رزیستنس عمل کرده و روند نزولی قیمت را بوجود آورده است.



برای استفاده از فیبوناچی اکستنشن در متاتریدر از همان ابزار فیبوناچی ریتریسمنت استفاده می شود با این تفاوت که درصد های ذکر شده 161.8، 261.8 و 423 درصد برای ما دارای اهمیت هستند. در صورتی که این درصد ها بصورت پیش فرض روی فیبوناچی ریتریسمنت وجود نداشت میتوان با رفتن به **Fibo ProPerties** سپس **Fibo Levels** در قسمت **Description** درصد های فیبوناچی اکستنشن را وارد کنیم.

### اصول کار با فیبوناچی Projection و نحوه رسم

فیبوناچی **Projection** ابزاری مانند فیبوناچی اکستنشن می باشد و نقاط بازگشت بیش از 100 درصد بازگشت هر موج را نمایش می دهد با این تفاوت که میزان بازگشت تصحیح قیمت در یک موج برای بدست آوردن نقاط بالای 100 درصد آن روند اهمیت دارد. متاسفانه ابزار فیبوناچی پروجکشن در متاتریدر به اشتباه **Fibonacci Expansion** نامگذاری شده است. در حالیکه به لحاظ تعریف علمی این ابزار کاربرد فیبوناچی پروجکشن را نمایش می دهد. برای استفاده از فیبوناچی پروجکشن ابزار فیبوناچی اکستنشن متاتریدر را انتخاب می کنیم سپس از یک بیشینه قیمت (در شکل زیر نقطه **A** به کمترین قیمت آن روند (نقطه **B**) خط رسم می کنیم. نقطه سوم که میزان تصحیح قیمت در این روند نزولی می باشد را در نقطه **C** تعیین می کنیم. بعد از رسم صحیح فیبوناچی پروجکشن انتظار خواهیم داشت قیمت از درصدهای **-61.8**، **-100** یا **161.8** و حتی **261.8** به روند نزولی خاتمه دهد و روند صعودی پیدا کند. به بیان دیگر این درصدها می تواند ساپورت هایی برای بازگشت قیمت باشند. درصدهای **-61.8**، **100**، **161.8** و **261** میزان ادامه روند نزولی می باشند که نقطه آغازین محاسبه آخرین نقطه تصحیح روند (نقطه **C**) می باشد. در شکل زیر دیده می شود بازار نسبت به نقاطی که با فلش مشخص شده (**161.8** درصد و **261** درصد) عکس العمل نشان داده است. شایان ذکر است در یک روند صعودی این نقاط بصورت معکوس مورد استفاده قرار میگیرند تا نقاط رزیستنس انتهایی یک روند صعودی محاسبه گردد.



### اصول کار با فیبوناچی Expansion و نحوه رسم

فیبوناچی اکسپنشن شباهت بسیار زیادی به فیبوناچی پروجکشن دارد و ادامه یک روند نزولی یا صعودی را تا نقطه پایانش محاسبه می کند. تنها تفاوت آن با فیبوناچی پروجکشن استفاده از دو نقطه به جای سه نقطه است. در یک روند نزولی فیبوناچی پروجکشن درصدهای  $100 - 61.8 - 161.8$  و  $261.8$  نقاط A تا B را از نقطه آغازین C مورد محاسبه قرار می دادیم تا نقاط D و E بدست بیاید اما در اینجا تنها به درصدهای نقاط A تا B نیاز داریم و با استفاده از درصدهایی که برای فیبوناچی اکستنشن ذکر کردیم انتظار داریم بازار  $161.8\%$  -  $261.8\%$  -  $423.6\%$  از نقطه آغازین حرکت داشته باشد. از همین رو فیبوناچی اکسپنشن را تلفیقی از فیبوناچی اکستنشن و فیبوناچی پروجکشن می دانند. برای رسم فیبوناچی اکسپنشن ابزار خاصی در متاتریدر تعریف نشده است اما میتوان با استفاده از فیبوناچی ریتریسمنت درصدهای بیش از 100 واحد موج اولیه، نقاط بازگشت فیبوناچی اکسپنشن را بدست آورد.

### اصول کار با فیبوناچی Arcs و نحوه رسم

فیبوناچی Arcs ابزاری از گروه فیبوناچی ها می باشد که درصد های تصحیح و بازگشت یک روند را بصورت کمانی نمایش نشان می دهد درصدهای عمومی مورد استفاده در این ابزار  $38.2 - 50$  و  $61.8$  درصد می باشند که کمان های برگشت قیمت را نسبت به یک روند صعودی یا نزولی نمایش می دهند.





شکل بالا نمونه استفاده از ابزار فیبوناچی آرک را نمایش می دهد درصدهای 50 و 61.8 در شکل بالا برای روند تصحیح نزولی حکم رزیستنس را ایفا کرده و باعث روند نزولی قیمت شده اند.

### اصول کار با فیبوناچی Fan و نحوه رسم

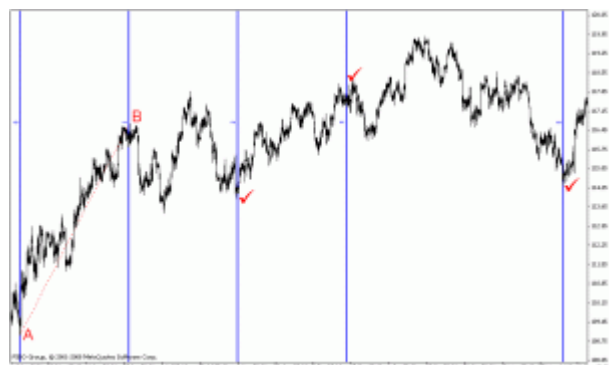
فیبوناچی Fan ابزاری دیگر از گروه ابزارهای فیبوناچی می باشد که بر اساس زاویه روند غالب نقاط بازگشت را از برخورد خط های بادبزن (فن) با قیمت بدست می آورد. در این ابزار نیز درجه های (درصدهای) 38.2- 50 و 61.8 از اهمیت بیشتری برخوردار هستند.



رسم و استفاده از این ابزار در متاتریدر به علت نقص در رسم درجه های قیمت و نشان ندادن درجه های قیمت روند صعودی کاربرد چندانی ندارد. اما میتوان برای رسم درجه های یک روند صعودی از قسمت Properties و Fibo Levels با منفی وارد کردن درصدهای Description زاویه های مخالف را برای روند صعودی ترسیم کرد.

### اصول کار با فیبوناچی Time و نحوه رسم

فیبوناچی تایم یا فیبوناچی زمانی ابزاری است که نقاط بازگشت قیمت را بر اساس زمان تعیین می کند از این ابزار به دو روش استفاده می کنند. در روش اول فاصله زمانی دو قله را به عنوان صفر و یک محاسبه میکنند و در نقاطی که زمان به خطوط عمودی 1-2-3-5-8 و الی آخر می رسد انتظار ریزش دوباره قیمت را دارند.



در روش دوم مانند مثال بالا، فاصله زمانی پایین ترین قیمت (Low) تا بالاترین قیمت (High) یک موج محاسبه می شود. سپس انتظار می رود در بازه های زمانی 1-2-3-5-8 و الی آخر قیمت تغییر جهت بدهد و موج های جدید تشکیل شود.

### جلسه دهم : کار با الگوهای کندل استیک (شمعی ژاپنی)

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۲۲ آذر ۱۳۸۷ - ۱۷:۴۴

مطلب قبلی: [جلسه نهم: استفاده از خطوط فیبوناچی](#)

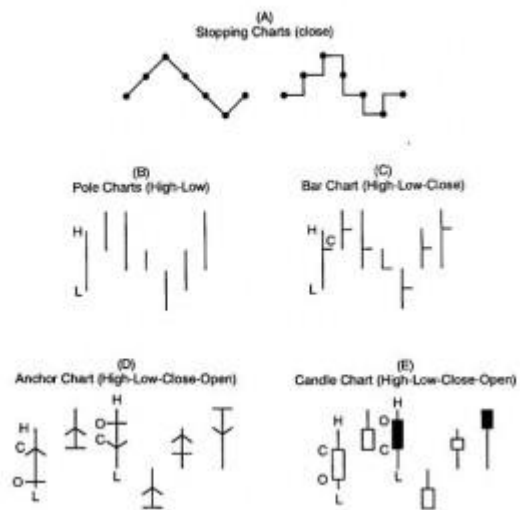
مطلب بعدی: [جلسه یازدهم : الگوهای قیمتی بازگشتی؛ پترنهای کلاسیک](#)

[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

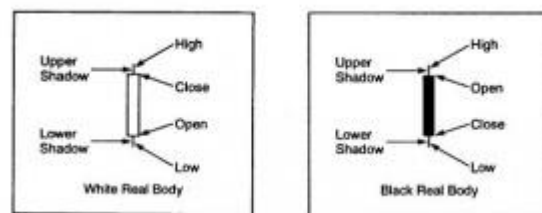
- [کار با الگوهای کندل استیک \(شمعی ژاپنی\)](#)
- [اصول استفاده از الگوهای برگشتی Bullish Reversals](#)
- [اصول استفاده از الگوهای برگشتی Bearish Reversals](#)
- [اشناسایی اصول استفاده از الگوهای ادامه دهنده](#)
- [شناسایی اصول انجام ترکیبی از الگوهای شمعی با S & R](#)

### کار با الگوهای کندل استیک ( شمعی ژاپنی)

بیش از دو قرن پیش در ژاپن برای تحلیل قیمت برنج نمودارهای کندل استیک اختراع شد. عمده این معروفیت و استفاده را ژاپنی ها مدیون "مانه‌یسا هما" در قرن هفدهم میلادی می باشند حال آنکه بیش از دو دهه نیست که نمودارهای شمعی در غرب رواج یافته است و دلیل عمده ترویج این نمونه نمایش نمودار در غرب نیز مربوط به سیستم های رایانه ای می باشد. از لحاظ ماهیت، کندل استیک ها یا برای ترسیم نمودارها و نمایش قیمت برای تحلیل تکنیکال به کار می روند و یا به صورت منفرد ترکیب و شیوه نمایش آنها، ابزاری برای تحلیل و پیش بینی جهت آینده بازار می باشد. عمده دلیل محبوبیت روزافزون استفاده از این نمودارها بین تحلیلگران، راحتی استفاده و مشخص بودن وضعیت صعودی یا نزولی هر کندل استیک بصورت منفرد می باشد. در فصل 5 توضیحاتی در مورد روش ترسیم نمودارهای کندل استیک ارائه شد. در این بخش ابتدا به معرفی و نامگذاری کندل استیک ها می پردازیم و سپس کاربرد و معانی الگوهای ترکیبی یا منفرد را توضیح خواهیم داد.



نمایش تغییرات قیمت با اشکال مختلف قابل ترسیم می باشد در شکل بالا قسمت C نحوه نمایش تغییرات قیمت بصورت نمودار میله ای و قسمت E نحوه نمایش تغییرات قیمت بصورت کندل استیک را نمایش می دهد. یک کندل استیک از چهار داده ورودی اصلی تشکیل شده است که عبارت آن از قیمت آغازین (Open) قیمت پایانی (Close) بالاترین قیمت آن بازه زمانی (High) و پایین ترین قیمت آن بازه زمانی (Low) بسته به صعودی (بالا تر بودن قیمت پایان از قیمت آغاز) یا نزولی (پایین تر بودن قیمت پایان از قیمت آغاز) یک کندل استیک بالا رونده یا پایین رونده دسته بندی می شود. شکل زیر کندل هایی با بدنه صعودی یا نزولی را نمایش می دهد کندل های صعودی بدنه شفاف (توخالی) و و کندل های نزولی بدنه مشکی (توپر) دارند. سایه ها نیز حداکثر و حداقل قیمت را در آن بازه زمانی نمایش می دهند.



قبل از آغاز معرفی الگوها سه نکته اساسی در استفاده از الگوهای شمعی حائز اهمیت است که باید رعایت شود.

1- تشکیل الگوها تنها زمانی مورد توجه قرار می گیرند که تغییرات قیمت دارای روند باشد. در صورت وجود نداشتن روند صعودی یا نزولی، اهمیت و جهت گیری برای استفاده از الگوهای کندل استیک برگشتی یا ادامه دهنده وجود ندارد.

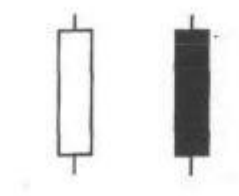
2- الگوهای کندل استیک بازگشتی تنها زمانی در داخل روند علامت بازگشت روند را اعلام می کنند که این الگوها همزمان با ابزاری دیگر برای بازگشت روند همراه باشد. تحلیل گران

تکنیکال عموماً هنگامی به الگوهای کندل استیک بازگشتی اهمیت می‌دهند که در محدوده حمایت و یا مقاومت خاصی تشکیل شوند. 3- الگوهای شمعی با وجود اینکه در اغلب موارد نقاط ورود درستی را نشان می‌دهند اما نمی‌توان برای خروج حتماً منتظر تشکیل الگوی بازگشتی دیگری ماند و باید در اینجا نیز ابزارهای دیگر تکنیکال برای خروج استفاده کرد.

### الگوهای منفرد عمومی

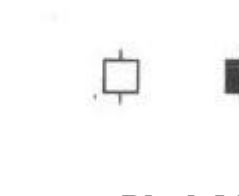
#### Long Days

نمودارهایی با بدنه بزرگ و سایه‌های کوتاه، نشان‌دهنده قدرت بازار در آن جهت می‌باشد.



#### Short Days

نمودارهایی با بدنه کوچک و سایه‌های کوتاه، نشان‌دهنده نداشتن قدرت در بازار می‌باشد.



#### Black Marubozu

نمودار نزولی بدون سایه بالایی و پایینی



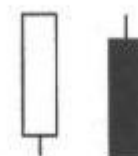
#### White Marubozu

نمودار صعودی بدون سایه بالایی و پایینی



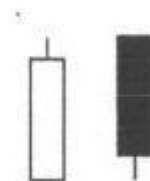
### Closing Marubozu

کندلی Marubozu که در قیمت انتهایی آن سایه وجود ندارد



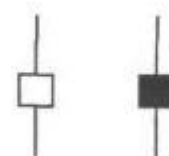
### Opening Marubozu

کندلی Marubozu که در قیمت ابتدایی آن سایه وجود ندارد



### (Spinning Tops (koma

کندلی با سایه های بلند در اطراف بدنه کوتاه



### Long-legged Doji

در حالت عمومی دوجی Doji به نمودارهای شمعی اطلاق می شود که قیمت آغاز و پایان یکسان باشند Long-legged Doji. به نموداری شمعی گفته می شود که قیمت آغاز و پایان کندل استیک یکسان باشد اما در آن بازه زمانی قیمت سایه های بلند بالاتر و پایینتر را تشکیل داده است این الگو حاکی از برابری قدرت خریداران و فروشندگان در آن بازه زمانی می باشد.





### (Gravestone Doji(tohba

الگوی کندل استیکی از خانواده دوجی Doji که قیمت آغاز و پایان یکسان می باشد. سایه بالایی بلند (upper shadow) و نداشتن سایه پایینی یا بسیار کوتاه بودن سایه پایینی از خصوصیات اصلی این الگوی کندل استیک می باشد



### (Dragonfly Doji(tonbo

الگوی دیگری از خانواده دوجی Doji که قیمت آغاز و پایانش یکسان می باشد. سایه پایینی بلند (Lower shadow) و نداشتن سایه بالایی یا بسیار کوتاه بودن سایه بالایی از خصوصیات اصلی این الگوی کندل استیک می باشد



### اصول استفاده از الگوهای برگشتی صعودی Bullish Reversals

الگوهای صعودی Bullish تشکیل شده از یک، دو و یا سه کندل در انتهای روند نزولی هستند و علامتی برای تغییر جهت روند از نزولی به صعودی می باشند در ادامه به ترتیب الگوهای تک و ترکیبی صعودی (بولیش) را مشاهده می کنیم.

### الگوهای تک شمعی One candle

#### Hammer

الگوی چکش (الگوی هامر Hammer) در انتهای یک روند نزولی تشکیل می شود از خصوصیات این الگو سایه پایینی بلند، سایه بالایی کوتاه (وجود نداشتن سایه بالایی) و بدنه ای حداکثر یک دوم

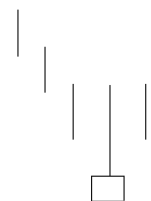


سایه پایینی می باشد. در این الگو رنگ بدنه تفاوتی ندارد اما بدنه صعودی (سفید) قدرت بیشتر این الگو را برای بازگشت روند نشان می دهد.



### **Inverted Hammer**

الگوی هامر معکوس (چکش معکوس) مانند الگوی چکش در انتهای یک روند نزولی تشکیل می شود. سایه بالایی بلند، سایه پایینی کوتاه و یا وجود نداشتن سایه پایینی و بدنه ای حد اکثر یک دوم سایه بالایی از خصوصیات این الگو می باشد. در این الگو رنگ بدنه تفاوتی ندارد اما بدنه صعودی (سفید) قدرت بیشتر این الگو را برای بازگشت روند نشان می دهد.



### **Bullish Belt Hold**

این الگو در بازار بسیار نادر می باشد و مدلی از Opening Marubozu می باشد. در روند نزولی قیمت آغازین این کندل با گپ (شکاف) رو به پایین باز می شود اما در ادامه شاهد هیچ سایه پایینی نمی باشیم قیمت از نقطه آغاز رو به بالا حرکت کرده و بدنه نسبتاً بزرگی را شاهد هستیم. اگر سایه و بدنه این الگو فاصله گپ (شکاف) را پُر نماید می تواند نشانگر آغاز روند صعودی باشد.



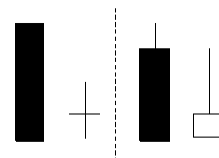
### **الگوهای ترکیبی دو شمعی Two candles Bullish Engulfing Pattern**

این الگو (پوشاننده صعودی) شامل دو شمع با رنگ های متفاوت است که در انتهای روند نزولی تشکیل می شود. کل بدنه سفید (صعودی) شمع دوم، بدنه شمع اول مشکی (نزولی) را پوشش می دهد. اندازه سایه ها در این دو کندل اهمیتی ندارد. ایجاد شکاف (گپ) بین نقطه پایان کندل اول و نقطه آغاز کندل دوم اهمیت بیشتری به این الگو برای آغاز روند صعودی می دهد.



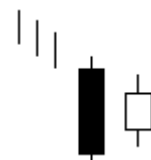
### Tweezers Bottom

الگوی انبرک پایینی مانند الگوی قبلی شامل دو شمع با رنگ های متفاوت می باشد. با این تفاوت که ابتدا شمعی نزولی (مشکی) با بدنه بزرگ تشکیل می شود این شمع فاقد سایه یا با سایه های کوچک می باشد. شمع دوم در دل محدوده قیمت شمع اول به شکل ستاره (داجی) یا چکش معکوس تشکیل می شود. برای اهمیت بیشتر تغییر روند از نزولی به صعودی در این الگو، خارج نشدن سایه های شمع دوم از شمع اول مهم می باشد.



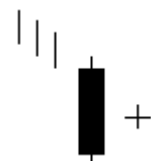
### Bullish Harami

الگوی هارامی صعودی نیز در انتهای روند نزولی تشکیل می شود و اخطار تغییر روند را صادر می کند. شمع اول بدنه مشکی (نزولی) دارد که تمامی بدنه شمع دوم را پوشش می دهد سایه ها در این الگو اهمیت زیادی ندارند اما خارج نشدن سایه های شمع دوم از محدوده سایه های شمع اول قدرت بیشتر این الگو را نشان می دهد.



### Bullish Harami Cross

صلیب هارامی صعودی (هارامی کراس) شباهت بسیاری به الگوی قبلی دارد با این تفاوت که بدنه شمع دوم حتما بصورت داجی (ستاره) تشکیل شده است این الگو در انتهای روند نزولی تشکیل می شود و اخطار تغییر روند را صادر می کند.



### Bullish Piercing Line

در این الگو (پوشش شکاف صعودی) شاهد دو شمع با رنگ های

متفاوت هستیم. در شمع اول بدنه مشکی (نزولی) و شمع دوم بدنه ای سفید (صعودی) با نقطه پایانی پایین تر از نقطه آغازین شمع قبلی می بینیم و نقطه آغاز شمع دوم با شکافی نزولی نسبت به پایان شمع اول شروع شده است. این الگو در انتهای روند نزولی تشکیل شده و نمایشگر آغاز روند صعودی می باشد.



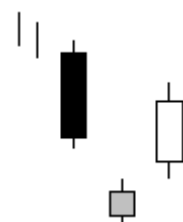
### الگوهای ترکیبی سه شمعی Three candles Bullish Abandoned Baby

این الگو (کودک رها شده صعودی) در بازار مبادلات ارز خیلی کم به وجود می آید. در انتهای روند نزولی پس از یک شمع نزولی قوی شکافی نزولی تا شمع بعدی بوجود می آید شمع بعدی بصورت ستاره (داجی) بسته می شود و فاصله بسته شدنش تا شمع بعدی نیز دارای شکاف است. با سفید (صعودی) بسته شدن بدنه شمع سوم اختار پایان روند نزولی و آغاز روند صعودی به وجود می آید.



### Morning Star

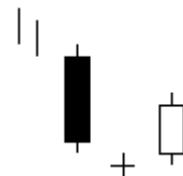
الگوی ستاره صبحگاهی از مجموع سه شمع در انتهای روند نزولی تشکیل می شود شمع اول نزولی و پر قدرت، شمع دوم با شکاف (گپ) نزولی آغاز شده و بدنه آن میتواند نزولی یا صعودی باشد ولی در غالب موارد بدنه و سایه های بزرگی ندارد و شمع سوم یک شمع صعودی است که آغاز آن با شکاف (گپ) صعودی نسبت به شمع دوم آغاز شده است. این سه شمع اختار روند صعودی را در انتهای روند نزولی اعلام می نمایند.



### Morning Doji Star

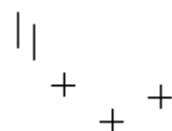
ترکیب این الگوی سه شمعی بسیار شبیه به الگوی ستاره صبحگاهی می باشد با این تفاوت که بین شمع اول و دوم به علاوه بین شمع دوم و سوم شکافی دیده نمی شود شمع اول پر قدرت و نزولی، شمع دوم دوجی Doji و شمع سوم دارای بدنه صعودی می باشد. با بسته

شدن صعودی شمع سوم اخطار انتهای روند نزولی و آغاز روند صعودی اعلام می شود.



### Bullish Tri-Star

الگوی سه ستاره صعودی از ترکیب سه شمع Doji مانند تشکیل شده اندازه سایه ها در این سه شمع حائز اهمیت نمی باشد اما وجود شکاف (گپ) نزولی بین شمع اول و دوم و شکاف صعودی بین شمع دوم و سوم بر قدرت این الگو برای تغییر روند از نزولی به صعودی می افزاید.



### Three White Soldiers

الگوی سه مکعب سفید از سه شمع صعودی با بدنه های توخالی و صعودی قوی تشکیل شده است. سایه ها غالباً کوتاه و ایجاد شکاف نزولی بین شمع اول، دوم و شکاف نزولی بین شمع دوم و سوم وجود دارد. با بسته شدن شمع سوم اخطار قوی تغییر روند از نزولی به صعودی ایجاد می شود.



### اصول استفاده از الگوهای برگشتی Bearish Reversals

الگوهای بریش Bearish تشکیل شده از یک، دو یا سه کندل در انتهای روند صعودی هستند و علامتی برای تغییر جهت روند از صعودی به نزولی می باشند در ادامه به ترتیب الگوهای تک و ترکیبی نزولی (بیریش) را مشاهده می کنیم.

### الگوهای تک شمعی One candle

#### Hanging Man

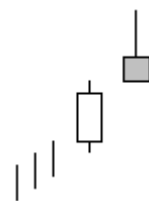
الگوی (Hanging Man مرد دازده) در انتهای یک روند صعودی تشکیل می شود از خصوصیات این الگو سایه پایینی بلند، سایه بالایی کوتاه (وجود نداشتن سایه بالایی) و بدنه ای حداکثر یک دوم سایه پایینی می باشد. در این الگو رنگ بدنه تفاوتی ندارد

اما بدنه نزولی (مشکی) قدرت بیشتر این الگو را برای بازگشت روند نشان می دهد.



### Shooting Star

الگو شوتینگ استار (الگوی ستاره رها شده) مانند الگوی قبلی در انتهای یک روند صعودی تشکیل می شود. سایه بالایی بلند، سایه پایینی کوتاه و یا وجود نداشتن سایه پایینی و بدنه ای حد اکثر یک دوم سایه بالایی از خصوصیات این الگو می باشد. در این الگو رنگ بدنه تفاوتی ندارد اما بدنه نزولی (مشکی) قدرت بیشتر این الگو را برای بازگشت روند نشان می دهد.



### Bearish Belt Hold

این الگو در بازار بسیار نادر می باشد و مدلی از Opening Marubozu می باشد. در روند صعودی قیمت آغازین این کندل با گپ (شکاف) رو به بالا باز می شود اما در ادامه شاهد هیچ سایه بالایی نمی باشیم. قیمت از نقطه آغاز رو به پایین حرکت کرده و بدنه نسبتاً بزرگی را شاهد هستیم. اگر سایه و بدنه این الگو فاصله گپ (شکاف) را پُر نماید می تواند نشانگر آغاز روند صعودی باشد.



### الگوهای ترکیبی دو شمعی

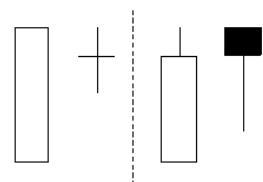
#### Bearish Engulfing

این الگو (پوشاننده نزولی) شامل دو شمع با رنگ های متفاوت است که در انتهای روند صعودی تشکیل می شود. کل بدنه مشکی (نزولی) شمع دوم، بدنه شمع اول سفید (صعودی) را پوشش می دهد. اندازه سایه ها در این دو کندل اهمیتی ندارد. ایجاد شکاف (گپ) بین نقطه پایان کندل اول و نقطه آغاز کندل دوم اهمیت بیشتری به این الگو برای آغاز روند نزولی می دهد.



### Tweezers Top

الگوی انبرک بالایی مانند الگوی قبلی شامل دو شمع با رنگ های متفاوت می باشد. با این تفاوت که ابتدا شمعی صعودی (سفید) با بدنه بزرگ تشکیل می شود این شمع فاقد سایه یا با سایه های کوچک می باشد. شمع دوم در دل محدوده قیمت شمع اول به شکل ستاره (داجی) یا چکش تشکیل می شود. برای اهمیت بیشتر تغییر روند از صعودی به نزولی در این الگو، خارج نشدن سایه های شمع دوم از شمع اول مهم می باشد.



### Bearish Harami

این الگو نیز در انتهای روند صعودی تشکیل می شود و اخطار تغییر روند را صادر می کند. شمع اول بدنه سفید (صعودی) دارد که تمامی بدنه شمع دوم را پوشش می دهد سایه ها در این الگو اهمیت زیادی ندارند اما خارج نشدن سایه های شمع دوم از محدوده سایه های شمع اول قدرت بیشتر این الگو را نشان می دهد.



### Bearish Harami Cross

صليب هارامی نزولی شباهت بسیاری به الگوی قبلی دارد با این تفاوت که بدنه شمع دوم حتما بصورت داجی (ستاره) تشکیل شده است. این الگو در انتهای روند صعودی تشکیل می شود و اخطار تغییر روند را صادر می کند.

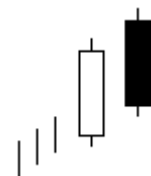


### Dark Cloud Cover

در این الگو (پوشای ابر مشکی) شاهد دو شمع با رنگ های متفاوت هستیم در شمع اول بدنه سفید (صعودی) و شمع دوم بدنه ای مشکی (نزولی) با نقطه پایانی بالاتر از نقطه آغازین شمع قبلی می بینیم و نقطه آغاز شمع دوم با شکافی صعودی نسبت به

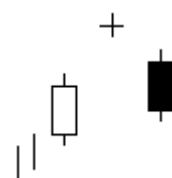


پایان شمع اول شروع شده است. این الگو در انتهای روند صعودی تشکیل شده و نمایشگر آغاز روند نزولی می باشد.



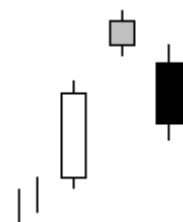
### الگوهای ترکیبی سه شمعی Three candles Abandoned Baby Pattern

این الگو (کودک رها شده نزولی) در بازار مبادلات ارز خیلی کم به وجود می آید. در انتهای روند صعودی پس از یک شمع صعودی قوی شکافی صعودی تا شمع بعدی به وجود می آید. شمع بعدی بصورت ستاره (داجی) بسته می شود و فاصله بسته شدنش تا شمع بعدی نیز دارای شکاف است. با مشکی (نزولی) بسته شدن بدنه شمع سوم اخطار پایان روند صعودی و آغاز روند نزولی به وجود می آید.



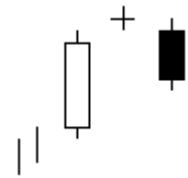
### Evening Star

الگوی ستاره عصرگاهی از مجموع سه شمع در انتهای روند صعودی تشکیل می شود شمع اول صعودی و پر قدرت، شمع دوم با شکاف (گپ) صعودی آغاز شده و بدنه آن میتواند نزولی یا صعودی باشد ولی در غالب موارد بدنه و سایه های بزرگی ندارد و شمع سوم یک شمع نزولی است که آغاز آن با شکاف (گپ) نزولی نسبت به شمع دوم آغاز شده است. این سه شمع اخطار روند نزولی را در انتهای روند صعودی اعلام می نمایند.



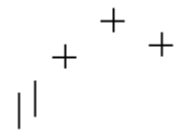
### Evening Doji Star

ترکیب این الگوی سه شمعی بسیار شبیه به الگوی ستاره عصرگاهی می باشد با این تفاوت که بین شمع اول و دوم به علاوه بین شمع دوم و سوم شکافی دیده نمی شود شمع اول پر قدرت و صعودی، شمع دوم Doji و شمع سوم دارای بدنه نزولی می باشد. با بسته شدن نزولی شمع سوم اخطار انتهای روند صعودی و آغاز روند نزولی اعلام می شود.



### Bearish Tri-Star

الگوی سه ستاره نزولی از ترکیب سه شمع Doji مانند تشکیل شده، اندازه سایه ها در این سه شمع حائز اهمیت نمی باشد اما وجود شکاف (گپ) صعودی بین شمع اول و دوم و شکاف نزولی بین شمع دوم و سوم بر قدرت این الگو برای تغییر روند از صعودی به نزولی می افزاید.



### Three Black Crows

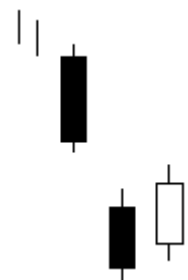
الگوی سه اهرم مشکی از سه شمع نزولی با بدنه های توپر و نزولی قوی تشکیل شده است. سایه ها غالباً کوتاه و ایجاد شکاف صعودی بین شمع اول، دوم و شکاف صعودی بین شمع دوم و سوم وجود دارد. با بسته شدن شمع سوم اخطار قوی تغییر روند از صعودی به نزولی ایجاد می شود.



اشناسایی اصول استفاده از الگوهای ادامه دهنده

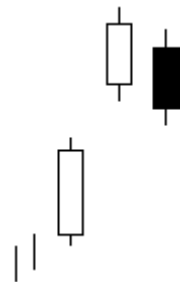
### Downside Tasuki Gap

این الگو در میانه روند نزولی به وجود می آید. قبل از تکمیل دو شمع انتهایی الگو، شکاف نزولی همراه با شمع نزولی دیده می شود شمع بعدی با اینکه صعودی می باشد اما تمام محدوده شکاف را پر نمی کند و با بسته شدن در محدوده شمع قبلی یا در محدوده شکاف میتوان انتظار داشت بازار به روند نزولی خود ادامه دهد.



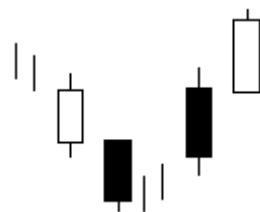
## Upside Tasuki Gap

این الگو در میانه روند صعودی به وجود می آید. قبل از تکمیل دو شمع انتهایی الگو، شکاف رو به بالا همراه با شمع صعودی دیده می شود شمع بعدی با اینکه نزولی می باشد اما تمام محدوده شکاف را پر نمی کند و با بسته شدن در محدوده شمع قبلی یا در محدوده شکاف میتوان انتظار داشت بازار به روند صعودی خود ادامه دهد.



## Separating Lines

الگوی خطوط تفکیک شده تنها با ایجاد دو شمع در میانه روند اخطار ادامه روند را اعلام می کند. در دو حالت نزولی و صعودی این الگوها دو شکاف قبل از شمع اول و بعد از شمع اول به وجود می آید. شمع دوم این الگو حتما باید در جهت اصلی روند بسته شود و قبل از خود همانطور که اشاره شد شکاف را داشته باشد. با اینکه این الگو بسیار نادر می باشد اما از اطمینان بالایی برای ادامه روند برخوردار است.



## On Neck Line و In Neck Line

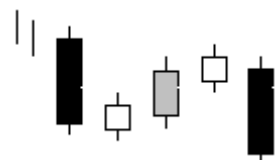
این دو الگو نیز شباهت بسیاری به الگوهای ادامه دهنده قبلی دارند با این تفاوت که قبل از شمع اول شکاف دیده نمی شود اما در فاصله شمع اول و دوم حتما شکاف وجود دارد و قیمت پایانی شمع دوم در محدوده بدنه شمع اول بسته نمی شود این الگو نیز برای ادامه روند قابل اطمینان می باشد.





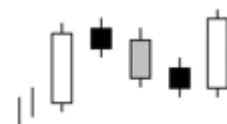
### Falling Three Methods

الگوی سه واحد رد شده در میانه روند نزولی تشکیل می شود. شمع اول با بدنه ای نسبتاً بزرگ، نزولی می باشد سه شمع بعدی هیچ کدام منفرد و در مجموع قیمت بالایی شمع اول را رو به بالا رد نمی کنند. در این حالت با بسته شدن شمعی نزولی، پایین تر از تمامی چهار شمع قبلی میتوان انتظار ادامه روند نزولی را داشت.



### Rising Three Methods

الگوی سه واحد ترقی یافته در میانه روند صعودی تشکیل می شود. شمع اول با بدنه ای نسبتاً بزرگ، صعودی می باشد سه شمع بعدی هیچ کدام منفرد و در مجموع قیمت پایینی شمع اول را رو به پایین رد نمی کنند. در این حالت با بسته شدن شمعی صعودی، بالاتر از تمامی چهار شمع قبلی میتوان انتظار ادامه روند صعودی را داشت.



### شناسایی اصول انجام ترکیبی از الگوهای شمعی با S & R

برای نمونه و آشنایی شما، مثالی از نمودار روزانه یورو به دلار را در چارت زیر مشاهده می کنید. در این مثال سعی شده با ترکیب دروسی که تا به حال آموخته اید با الگوهای شمعی ژاپنی نحوه استفاده از این الگوها آموزش داده شود.

دایره A الگوی ادامه دهنده Rising Three Methods را نمایش می دهد که همزمان با برخورد قیمت با 161 درصد فیبوناچی پروجکشن به وجود آمده است. شکسته شدن این الگوی ادامه دهنده با شکسته شدن رزیستنس 161 درصد فیبوناچی پروجکشن روند قبل از آن به وجود آمده و نشان دهنده ادامه روند صعودی می باشد.

دایره B الگوی برگشتی Bearish Engulfing را نمایش می دهد که تشکیل این الگوی شمعی ژاپنی همزمان با برخورد قیمت با خط 261 درصد فیبوناچی پروجکشن می باشد. این الگو نشان دهنده پایان روند

صعودی و آغاز یک روند نزولی است. به خوبی در نمودار میتوان این تغییر جهت روند را مشاهده کرد.

تشکیل الگوهای شمعی ژاپنی در دایره C و D مترادف با محدوده ساپورت هایی در گذشته قیمت بوده است. این محدوده ها به همراه الگوهای شمعی ژاپنی به وجود آمده در آنها، روند کوتاه قبل از خود را از حالت نزولی به حالت صعودی تبدیل کرده اند.

در الگوی دایره C یک شمع ژاپنی Long-legged Doji و در دایره D الگوی Bullish Harami Cross دیده می شود.

در دایره E الگوی Shooting Star همزمان با رسیدن قیمت به محدوده رزیستنس به وجود آمده است. الگوهای دیگر بازگشتی در این محدوده دیده می شود. این الگو همزمان با رسیدن قیمت به رزیستنس، باعث ایجاد روند نزولی در پایان روند صعودی شده است.

در دایره F الگوی Bearish Harami همزمان با برخورد قیمت به میانگین متحرک 55 روزه که حکم رزیستنس را دارد باعث تغییر جهت روند صعودی کوتاه مدت در جهت روند نزولی بلند مدت شده است.



### جلسه یازدهم : الگوهای قیمتی بازگشتی؛ پترنهای کلاسیک

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۲۰ دی ۱۳۸۷ - ۸:۱۱  
 مطلب قبلی: [جلسه دهم : کار با الگوهای کندل استیک \(شمعی ژاپنی\)](#)

مطلب بعدی: [جلسه دوازدهم: الگوهای قیمتی ادامه دهنده؛ پترن های کلاسیک](#)  
[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

- [اصول استفاده از الگوهای برگشتی و نحوه کاربرد](#)
- [اصول استفاده از الگوی Head and shoulders](#)
- [اصول استفاده از الگوی Double Top and Bottom](#)
- [اصول استفاده از الگوی Triple Top and Bottom](#)
- [اصول استفاده از الگوی 1,2,3](#)
- [اصول استفاده از الگوی Diamond](#)
- [اصول استفاده از الگوی V](#)

## اصول استفاده از الگوهای برگشتی و نحوه کاربرد

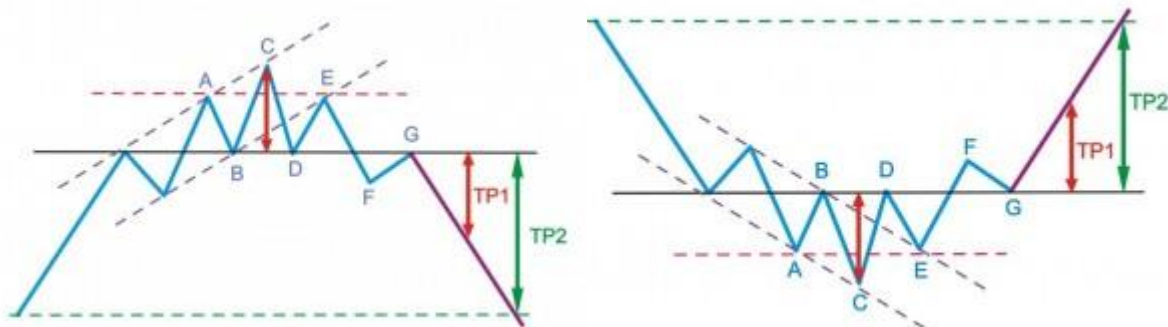
الگوهای کلاسیک اشکالی معنی دار تشکیل شده از امواج تغییرات قیمتی در بازار می باشند که از روی تشکیل آنها میتوان موجها یا هدف های قیمتی جدیدی را پیش بینی کرد. در استفاده از الگوها حتما باید تا تشکیل کامل الگو صبر کرد و در نقطه صحیح و پیش بینی شده وارد شد. حتی برای کم کردن احتمال زیان و بالا بردن سود روش هایی وجود دارد که با مدیریت سرمایه بتوان از الگوها بیشترین استفاده و کمترین خطرات را متوجه شد. قبل از تشکیل هیچ الگویی آنرا تکمیل شده فرض نکنید و پس از تکمیل نیز در صورتی که قصد معامله بر اساس الگو را دارید زمان و قیمت مناسب را با شک و تردید از دست ندهید. از ایرادات دیگری که عموماً معامله گران مبتدی مرتکب می شوند این است که پس از تشکیل الگو و از دست رفتن قیمت ورود مناسب، وارد بازار می شوند. این مساله خطر بسیاری را برای معاملات و سرمایه ایشان در بر دارد بنابراین اگر با تاخیر به نمودار نگاه می کردید یا الگویی را تشخیص دادید که زمان ورودش از دست رفته بود به هیچ عنوان وارد بازار نشوید.

## اصول استفاده از الگوی سر و شانه Head and shoulders Pattern

الگوی سر و شانه یا همان Head and Shoulder یکی از معروف ترین الگوهای کلاسیک در بازارهای سرمایه می باشد. این الگو در انتهای یک روند رخ می دهد و روند صعودی را به نزولی و روند نزولی را به صعودی تبدیل می کند. همانطور که در شکل مشاهده می شود اولین نشانه ایجاد این الگو با شکسته شدن خط روند صعودی به وجود می آید. پس از شکسته شدن خط روند نزولی (موج CD) تا حدود قیمت کف یا سقف قبلی که قیمت در محدوده نقطه B بازگشته بوده می رود و از آنجا روند صعودی جدید کوتاه مدتی آغاز می شود. غالباً این روند جدید در نقطه E به محدوده خط روند قبلی که مترادف با نقطه A باشد می رسد و روند جدیدی را آغاز می کند. رد شدن قیمت از خط گردن که امتداد نقاط B و D می باشد نشانگر تغییر جهت روند از حالت صعودی به نزولی یا بالعکس است. نقطه ورود به معامله مناسب بازگشت قیمت برای لمس خط گردن در نقطه G می باشد. در عین حال در بازارهایی مثل مبادلات ارز که فراریت بالا است بسته شدن شمع پشت خط گردن (امتداد B و D) گواهی بر ورود به معامله است.

در صورت آغاز معامله در نقطه G حد ضرر این معامله کمی بیشتر از نقطه C می باشد. حد سود اولیه در این معامله فاصله بزرگترین قله یا دره که سر الگو باشد را تا خط گردن اندازه گرفته و به همین میزان انتظار داریم بازار با شکست خط روند در خلاف روند قبلی پیش روی نماید. حد سود دوم این معامله نیز نقطه آغاز روند قبلی می باشد که می توانیم انتظار داشته باشیم بازار تا نقطه آغاز روند قبلی پیش روی نماید.



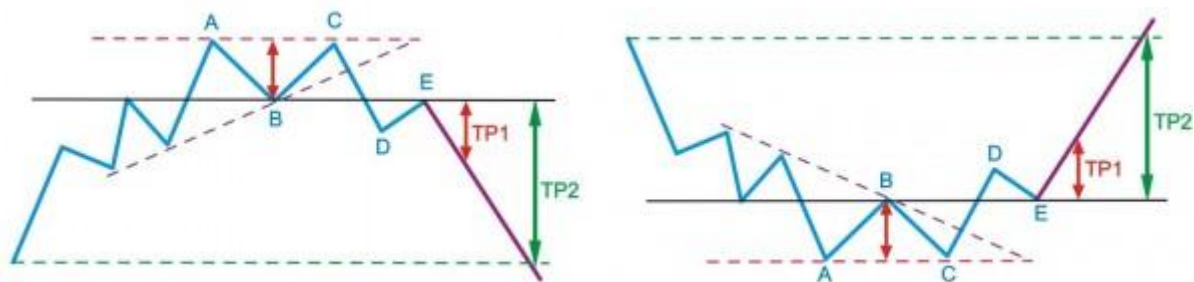


در زیر نمونه ای از الگوی سر و شانه را می بینید که با شکسته شدن خط گردن در امتداد خطوط B و D بازار یکبار دیگر در نقطه G خط گردن را لمس کرده و سپس به سمت هدف های قیمتی حد سود اول و دوم پیش روی کرده که هر دو این هدف های قیمتی لمس شده است.



### اصول استفاده از الگوی Double Top and Bottom

الگوی سقف دوقلو یا الگوی کف دوقلو نیز در انتهای روند صعودی یا روند نزولی تشکیل می شود. در این الگو دو قله داریم که دره ای بین این دو قله ایجاد شده است. تفاوت این الگو با الگوی سر شانه بدین صورت می باشد که سر (قله میانه) را نداریم. با شکسته شدن دره بین دوقله میتوان انتظار داشت که روند تغییر پیدا کند. اغلب موارد با شکسته شدن دره بین دوقله قیمت دوباره به خط دره (نقطه E) باز می گردد اگر چه در بازارهای با فراریت بالا مانند مبادلات ارز امکان برنگشتن قیمت به امتداد دره بین دو قله نیز وجود دارد. حد ضرر این معامله کمی بیشتر از نقاط A و C می باشد. حد سود اولیه به اندازه فاصله نقاط A یا C تا B می باشد و حد سود دوم از تا نقطه آغاز روند می باشد.

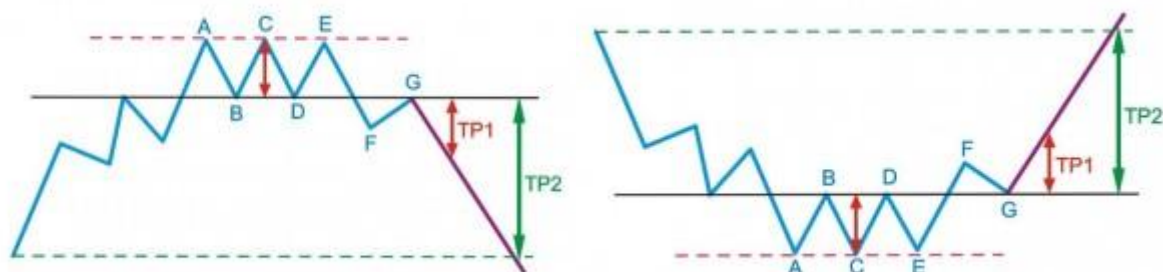


در شکل زیر نمونه ای از الگوی سقف دوقلو را می بینید که با شکسته شدن امتداد خط B بازار یکبار دیگر در نقطه E به این محدوده قیمت رسیده و سپس به روند نزولی خود ادامه داده است. شایان ذکر است دسترسی به هدف قیمتی حد سود اول در شکل زیر نمایان است.



### اصول استفاده از الگوی Triple Top and Bottom

الگوی سه سقف و الگوی سه کف تشابه بسیاری با الگوی سقف های دوقلو و کف های دوقلو دارد با این تفاوت که به جای دو قله یا دو دره سه قله و سه دره ایجاد شده است. این الگو نیز در انتهای روند ایجاد می شود و شاهد سه سقف یا سه کف در نقاط A، C و E هستیم. دو دره در بین این سقف ها وجود دارد و با شکسته شدن دره ها (نقاط B و D) می توان انتظار داشت بازار از حالت صعودی به نزولی تبدیل شود.

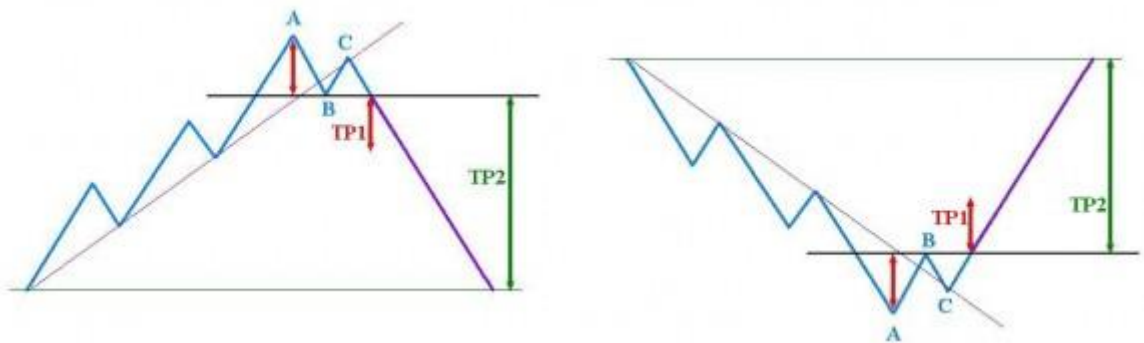


در شکل زیر نمونه ای از الگوی سقف سه قله را مشاهده می کنید که با شکسته شدن امتداد خطوط B و D بازار یکبار دیگر در نقطه G این خط را لمس کرده و سپس به روند نزولی جدیدی را در پیش گرفته است.



### اصول استفاده از الگوی 1,2,3

الگوی 123 (یا ABC) بسیار شبیه به الگوی سقف و کف دوقلو می باشد. با این تفاوت که سقف یا کف دوم به سقف یا کف پیش از خود نمی رسد. با رد شدن قیمت از محدوده بین دو سقف یا دو کف (خط شانه) که در امتداد نقطه B می باشد میتوان انتظار داشت که جهت روند تغییر یابد. حد ضرر معامله ورودی به این الگو با لحاظ مقداری فاصله از نقطه A می باشد. حد سود اول این معامله به اندازه فاصله نقطه A تا B از نقطه شکسته شدن نقطه B می باشد حد سود دوم این معامله نیز نقطه آغاز روند اصلی قبلی است.

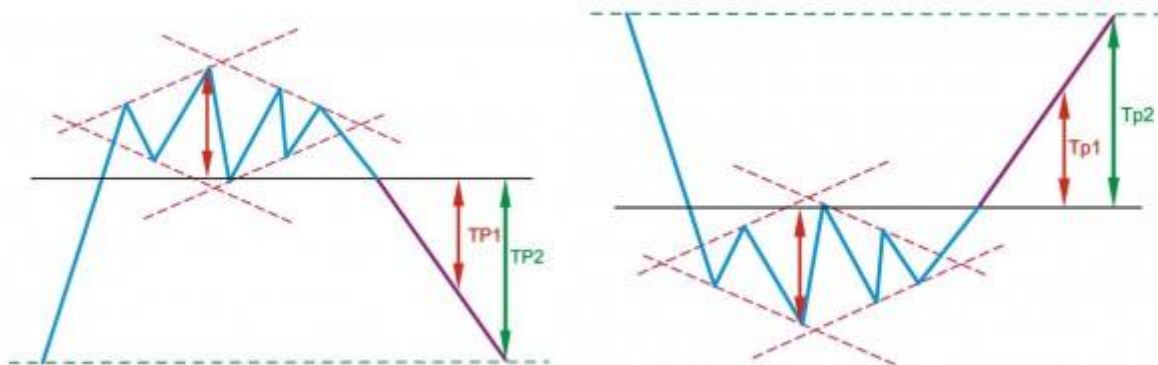


در زیر نمونه ای از الگوی ABC را می بینید که با شکسته شدن نقطه B روند نزولی بازار تبدیل به روند صعودی می شود. هر دو هدف قیمتی حد سود اول و دوم در این شکل این مثال دیده می شود.



## اصول استفاده از الگوی لوزی Diamond Patern

الگو لوزی نیز در انتهای روند به وجود می آید. بعد از یک روند صعودی یا نزولی در ابتدا شاهد سقف و کف های کوچک هستیم. به مرور دامنه حرکت سقف و کف ها بزرگتر می شود. دوباره در اواخر الگوی اندازه سقف و کف ها بزرگتر می شود. با شکسته شدن سقف یا کف الگو وارد معامله می شویم. حد ضرر معامله ورودی از طریق این الگو با لحاظ مقداری فاصله از بالاترین سقف در حالت صعودی و با لحاظ مقداری از پایین ترین کف در حالت نزولی قرار می گیرد. حد سود اول به اندازه فاصله بزرگترین سقف و کف داخل الگو می باشد و حد سود دوم محدوده آغاز روند است.



نمونه الگوی الماس در بازار مبادلات ارز غالباً کم پیدا می شود با این حال می توانید نمونه ای را در نمودار زیر ببینید که با شکسته شدن امتداد خط گردن عمیقترین دره بازار به هدف قیمتی حد سود اول رسیده است.



## اصول استفاده از الگوی وی V

الگوی "وی V" با شکسته شدن خط روند تکمیل می شود و میتوان وارد معامله شد. شاخصه اصلی این الگو بازگشت ناگهانی قیمت می باشد و بازگشت های داخل الگو بسیار کوتاه و موقت است. مشخصه دیگر الگوی V شیب زیاد موج آخر حرکت روند قبلی می باشد و بازگشت ها معمولا با همان زاویه ای بر می گردد که بازار با آن شیب حرکت اصلی را آغاز کرده است. حد ضرر در این الگو زیر نقطه زیرین یا رویین V می باشد و حد سود اضافه شده اندازه فاصله نقطه ورود تا نقطه آغاز الگوی V می باشد. در شکل خطوط قرمز رنگ اندازه و هدف قیمتی گرفتن حد سود را به ما نشان می دهند.



الگوهای برگشتی کلاسیک دیگری نیز در بازار وجود دارد که فعلا در بحث ما نمی گنجد و عمومیت و استفاده زیادی ندارد. در زیر آخرین مثال که الگوی V باشد را می بینید. با شکسته شدن خط روند قبلی بازار از حالت نزولی تبدیل به صعودی شده و

هدف قیمتی حد سود نیز تحقق پیدا کرده است.



جلسه دوازدهم: الگوهای قیمتی ادامه دهنده؛ پترن های کلاسیک

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۱۳ بهمن ۱۳۸۷ - ۱۷:۳۷

مطلب قبلی: [جلسه یازدهم: الگوهای قیمتی بازگشتی؛ پترنهای کلاسیک](#)

مطلب بعدی: [جلسه سیزدهم: الگوهای قیمتی هارمونیک \(پترن های هارمونیک\)](#)

[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

### اصول استفاده از الگوهای مثلث (تری انگل Triangles)

الگوی مثلث افزایشی حالتی از تغییرات قیمت است که قیمت هر بار در صعودهایش در محدوده ای از مقاومت متوقف می شود در حالی که پس از بازگشت از این محدوده مقاومت هر بار به دره یا کمینه قبل از خود نمی رسد. امتداد خطوط پایینی در اتصال به مقاومت بالایی، الگویی می سازد که نشان دهنده آغاز یک حرکت قوی بازار می باشد. تغییرات قیمت معمولاً خط مقاومت در این الگو را می شکنند و می توان انتظار داشت که به اندازه قاعده اولین حرکت داخل مثلث افزایشی بازار در جهت بالایی افزایش داشته باشد. این الگو معمولاً بعد از یک روند افزایشی به وجود می آید با اینکه هیچ الزامی به این روند افزایشی نمی باشد.



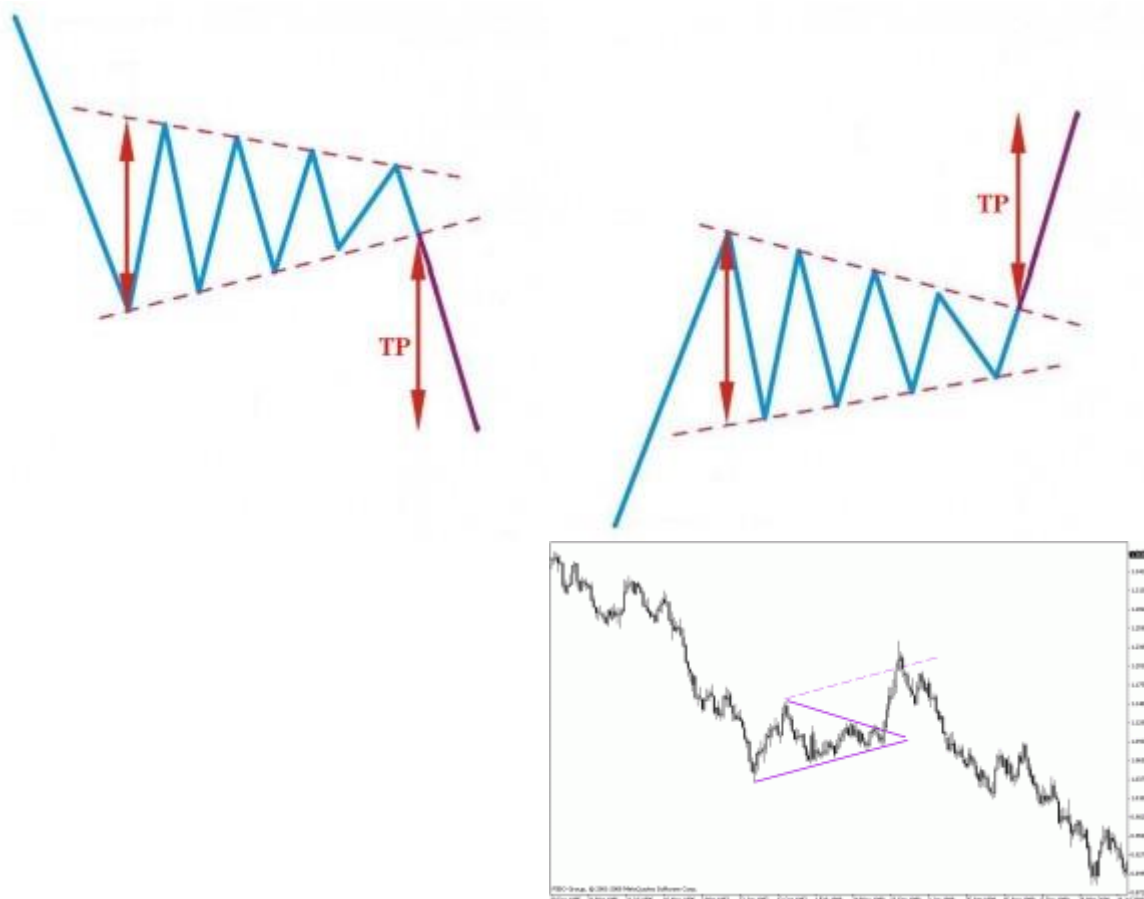


الگوی مثلث کاهشی حالتی از تغییرات قیمت است که قیمت هر بار در نزول هایش در محدوده ای از حمایت متوقف می شود در حالی که پس از بازگشت از این محدوده حمایت هر بار به قله یا بیشینه قبل از خود نمی رسد. امتداد خطوط بالایی در اتصال به مقاومت پایینی، الگویی می سازد که نشان دهنده آغاز یک حرکت قوی بازار می باشد. تغییرات قیمت معمولاً خط حمایت در این الگو را می شکنند و می توان انتظار داشت که به اندازه قاعده اولین حرکت داخل مثلث کاهشی بازار در جهت پایینی کاهش داشته باشد. این الگو معمولاً بعد از یک روند کاهشی به وجود می آید با اینکه هیچ الزامی به این روند کاهشی نمی باشد.



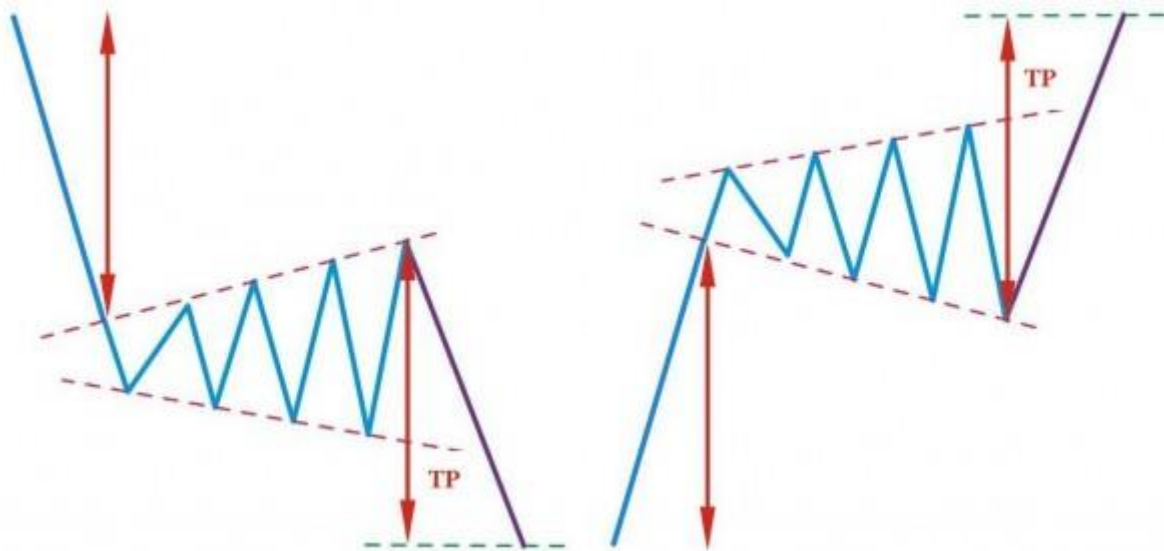
اصول استفاده از الگوی مثلث متقارن Symmetrical Triangles

مثلث متقارن یا همسان الگویی دیگر از خانواده مثلث ها می باشد که معمولا بعد از یک روند کاهشی یا افزایشی به وجود می آید گرچه هیچ الزامی برای این مورد وجود ندارد. در این الگو حرکات صعودی و نزولی داخل الگو به حمایت ها یا مقاومت های قبل از خود نمی رسند به همین جهت امتداد این خطوط مثلثی متقارن را ایجاد می کند. با شکسته شدن امتداد نقاط به هم متصل شده بالایی و پایینی در الگو می توان انتظار داشت موج جدید به اندازه فاصله اولین قاعده درونی مثلث پیش روی داشته باشد.



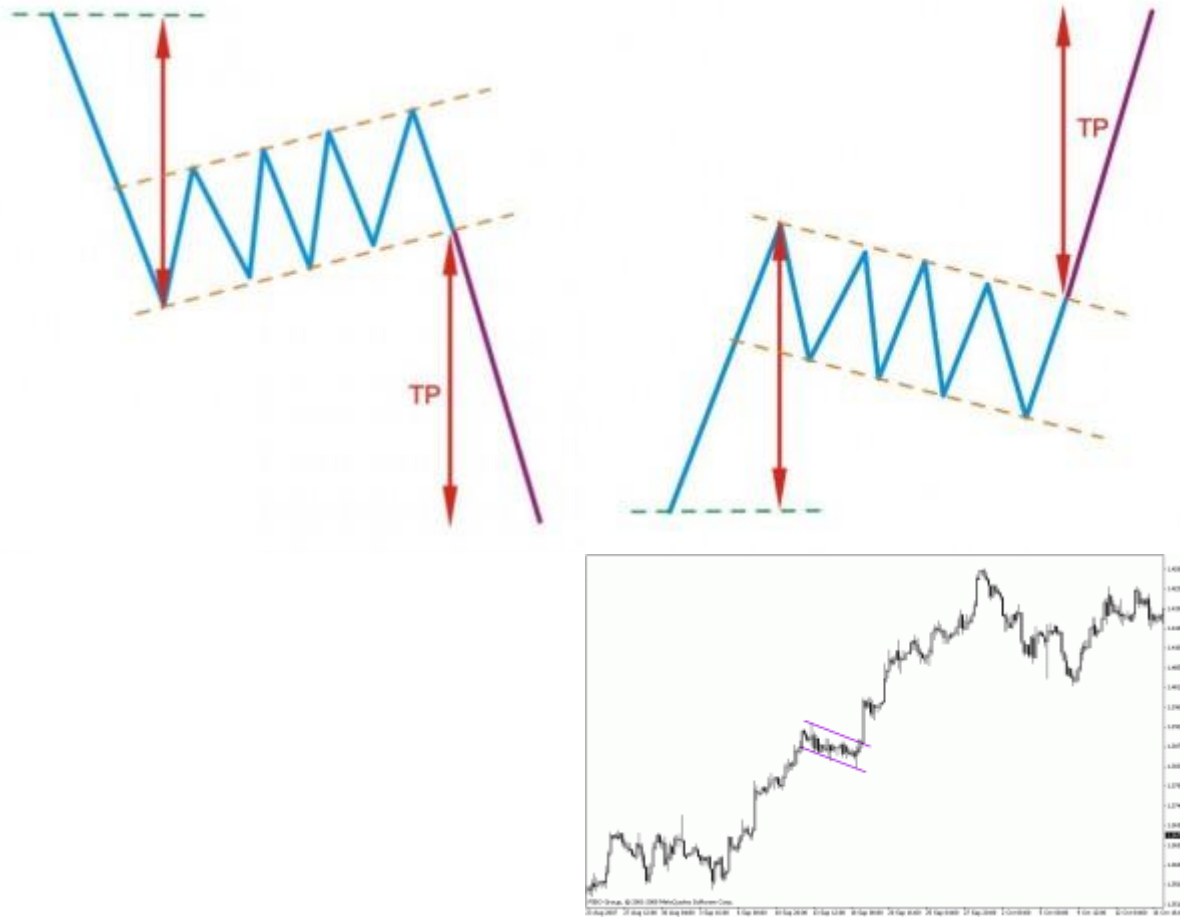
### اصول استفاده از الگوی مثلث افزایشی و کاهشی غیر متقارن Reverse Symmetrical Triangles Patern

الگوی مثلث افزایشی و کاهشی غیر متقارن؛ الگویی می باشد که امتداد خطوط بیشینه و کمینه قیمت مثلثی واگرا را تشکیل می دهد و حداقل سه بار قیمت باید با هر کدام از خطوط بالایی و پایینی برخورد کرده باشد. این الگو معمولا در بازار مبادلات ارز کمیاب می باشد. معمولا این الگو بعد از یک روند تشکیل می شود با اینکه هیچ الزامی به این مورد نیست. حد سود این الگو همانگونه که در شکل دیده می شود به اندازه فاصله آغاز روند قبلی تا نقطه تشکیل الگو می باشد که انتظار داریم با شکسته شدن یکی از امتداد ها، بازار به همین فاصله حرکت کند.



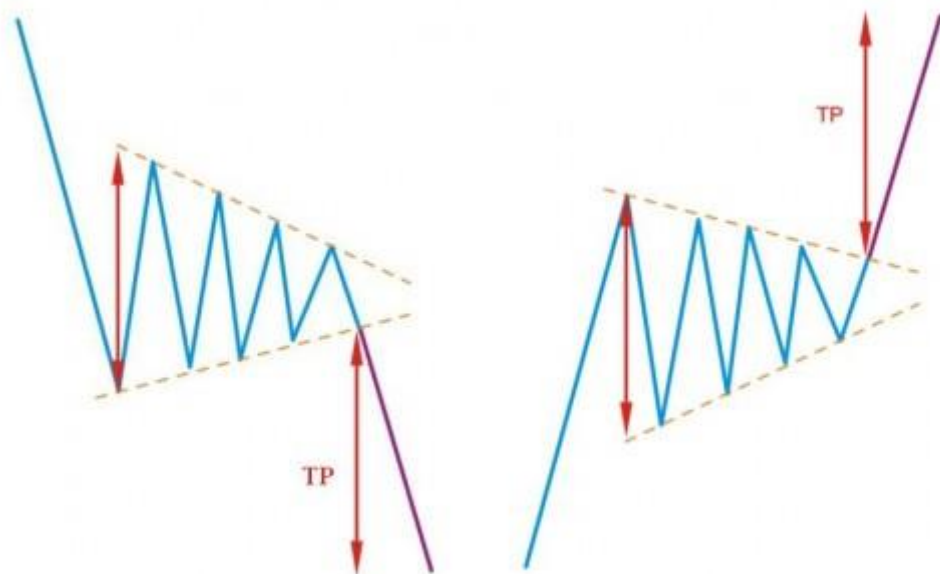
### اصول استفاده از الگوی پرچم Flag Pattern

الگوی پرچم از امتداد اتصال محدوده ای از تغییرات قیمت در میانه یک روند به وجود می آید که شیبی کم و خلاف جهت روند قبل از خود دارد. این الگو معمولاً مدت زمان زیادی پایدار نمی ماند و خیلی زود شکسته می شود. با شکسته شدن امتداد خطوط الگو بازار به اندازه ابتدای روند قبلی تا نقطه آغاز اولین موج الگوی پرچم پیش روی دارد.



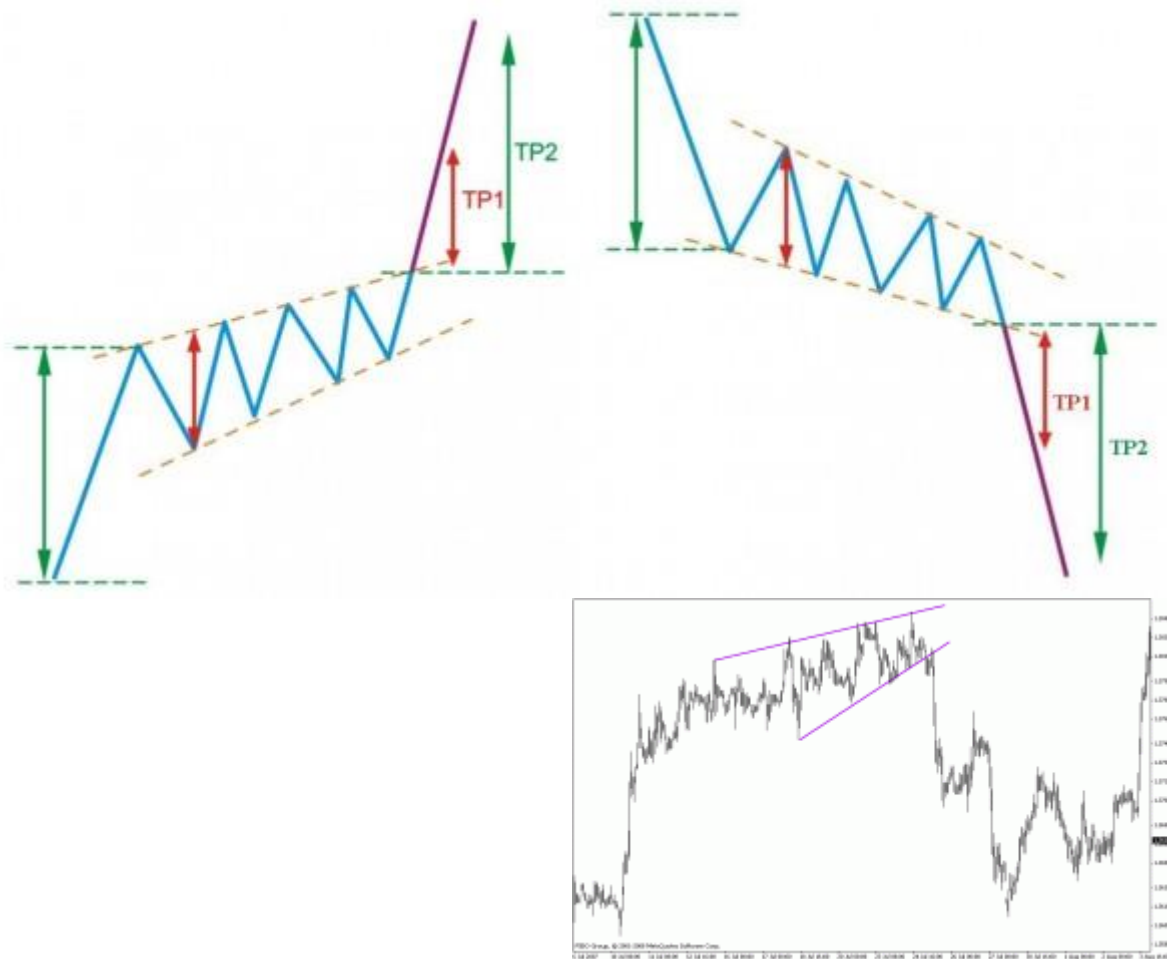
### اصول استفاده از الگوی پرچم سه گوش Pennant Patern

الگوی پرچم سه گوش مانند الگوی پرچم در میانه یک روند تشکیل می شود با این تفاوت که اتصال خطوط بیشینه و کمینه در داخل الگو موازی نبوده و متقارن می باشند. شیب اتصال خطوط بیشینه و کمینه در این الگو حتما باید زیاد باشد و قبل از آن حتما روند با شیب زیاد داشته باشیم در غیر این صورت یک الگوی مثلث افزایشی را تشخیص داده ایم. در این الگو دو هدف قیمتی داریم، هدف اول مانند شکل اندازه قاعده اولین حرکت تصحیحی داخل الگو می باشد و حد سود دوم به اندازه فاصله آغاز روند صعودی قبلی تا نقطه تشکیل الگو می باشد که با شکسته شدن یکی از خطوط بالایی و پایینی الگو انتظار داریم قیمت پیش روی کند.



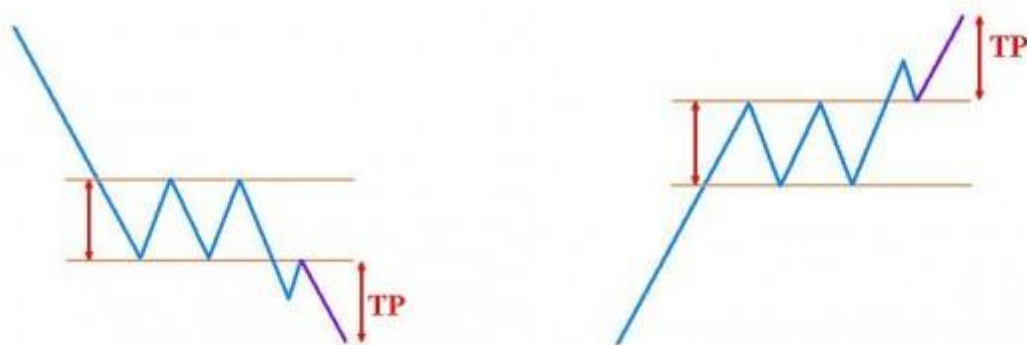
### اصول استفاده از الگوی گوه Wedge- Ascending & Descending Patern

الگوی گوه کاهشی یا افزایشی جزو الگوهای می باشد که حتما باید در امتداد روند تشکیل شود. اگرچه جهت تشکیل گوه کاهشی یا افزایشی می تواند هم راستا با روند قبل از خود نباشد اما اگر هم راستا باشد درجه اطمینان و اهمیت بیشتری الگو پیدا می کند. در الگوی گوه افزایشی شیب خط امتداد بالایی نقاطی که به هم متصل می شوند باید حتما کمتر از شیب خط پایینی باشد و در گوه کاهشی، شیب خط امتداد پایینی نقاطی که به هم متصل می شوند باید حتما کمتر از شیب خط بالایی باشد. در دو حالت گوه کاهشی و افزایشی باید امتداد دو خط بالایی و پایینی در نهایت به یکدیگر برسند و حالت واگرایی نداشته باشند. در این الگو دو حد سود تعریف می شود. هدف قیمتی حد سود اول به اندازه برابر با اولین حرکت تصحیح قیمت در داخل الگو می باشد که با شکسته شدن یک امتداد انتظار داریم. هدف قیمتی حد سود دوم نیز به اندازه برابر فاصله آغاز روند قبلی تا نقطه تشکیل الگو با شکسته شدن یکی از امتدادها را می توان انتظار داشت.



### اصول استفاده از الگوی مستطیل Rectangle Pattern

الگوی مستطیل بعد از یک روند کاهشی یا افزایشی تشکیل می شود که امتداد خطوط بیشینه و کمینه درون آن موازی- افقی بوده و تشکیل یک مستطیل فرضی را می دهد. حداقل دو بار قیمت ها باید به امتداد خطوط بالایی و پایینی در این الگو برخورد کرده باشد. برای حد سود انتظار داریم بعد از شکسته شدن خط بالایی در روند افزایشی و خط پایینی در روند کاهشی هدف قیمتی جدید به اندازه فاصله درونی دو خط موازی درون الگو پیش روی نماید.



جلسه سیزدهم : الگوهای قیمتی هارمونیک (پترن های هارمونیک)

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۱۳ بهمن ۱۳۸۷ - ۱۷:۳۹

[مطلب قبلی: جلسه دوازدهم: الگوهای قیمتی ادامه دهنده؛ پترن های کلاسیک](#)

[مطلب بعدی: جلسه چهاردهم: آشنایی با چنگال اندرو \(اندرو پیچفورک \(Andrews Pitchfork\)\)](#)

[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

### الگوهای قیمتی هارمونیک - پترن های هارمونیک

الگوهای جدید فیبوناچی به مانند الگوهای کلاسیک از کنار هم قرار گرفتن معنی دار موج های حرکتی بازار به وجود می آیند. این الگوها به مانند الگوهای کلاسیک موج ها یا هدف های قیمتی تعیین شده در بازار را برای ما پیش بینی می کنند. تشخیص این الگوها مقداری از تشخیص الگوهای قیمتی کلاسیک مشکل تر می باشد دلیل این امر، وجود نسبت های فیبوناچی در کنار اشکال

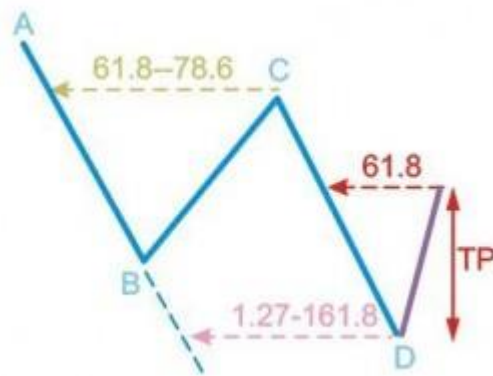
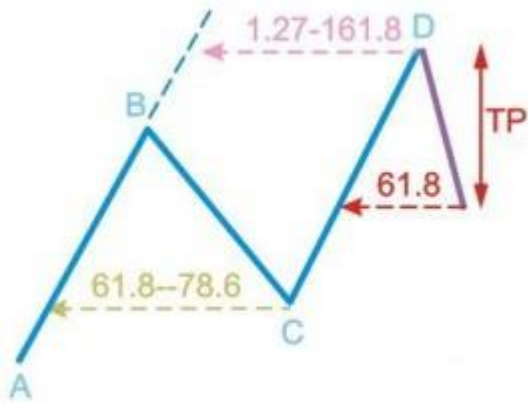


تشکیل شده می باشد. توصیه می شود برای تشخیص و استفاده از این الگوها سعی کنید از قبل در پیدا کردن نسبت های فیبوناچی با الگوها تلاش کنید تا پس از تشکیل موج آخر آماده ورود به بازار شوید و فرصت را از دست ندهید. در مورد این الگوها نیز حتما در قیمت از پیش تعیین شده وارد شوید و در صورتی که الگو را درست تشخیص دادید زمان و قیمت ورود مناسب را از دست ندهید.

معمولا حد ضرر تمامی این الگوها 15 درصد از اندازه موج آخر حرکتی می باشد که از نقطه ورود به معامله به موج آخر اضافه می شود. حد سود هر الگو نیز بر حسب تعریف الگو متغیر می باشد. در زیر توضیحات تصاویر و مثالهای هر الگو را می توانید مشاهده کنید.

### اصول استفاده از الگوی $AB=CD$ ، نحوه رسم و کاربرد

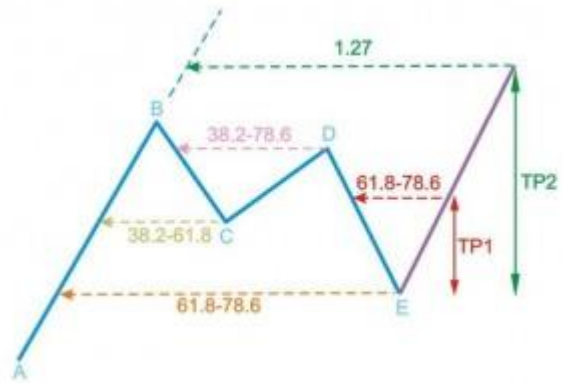
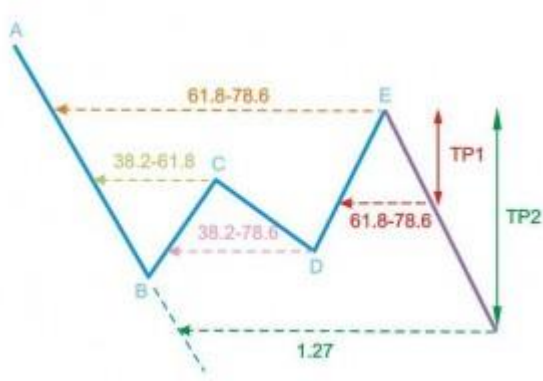
الگوی  $AB=CD$  عمومی ترین الگو از مجموع الگوهای فیبوناچی می باشد که به نسبت دیگر الگوها تشخیص آن آسان تر می باشد. همانطور که در شکل مشاهده می کنید برای تشکیل این الگو دو نسبت فیبوناچی باید همخوانی داشته باشد. در زیر مثال بازگشت نزولی الگوی  $AB=CD$  نمایش داده شده است. الگوی بازگشت صعودی  $AB=CD$  با همین درصدها اما در حالت معکوس شکل می باشد. -نقطه C تا 61.8 یا 78.6 درصد فاصله  $AB$  بازگشت دارد. -نقطه D (قیمت ورودی) تا 127.2 یا Extension 161.8 فاصله  $BC$  حرکت دارد. -پس از ورود در نقطه D هدف سود این معامله 61.8 درصد بازگشت فاصله  $CD$  می باشد.



### اصول استفاده از الگوی Gartley ، نحوه رسم و کاربرد

الگوی گارتلی تشکیل شده از سه نسبت فیبوناچی موجهای مختلف می باشد که پس از ورود برای آن میتوان دو هدف قیمتی در نظر گرفت.

- نقطه C تا 38.2 یا 61.8 درصد فاصله AB بازگشت دارد.
- نقطه D بین 38.2 تا 78.6 درصد فاصله BC بازگشت دارد.
- نقطه E بین 61.8 تا 78.6 درصد فاصله AB بازگشت دارد.
- هدف اول از نقطه ورودی، 61.8 درصد فاصله DE می رسد.
- هدف دوم از نقطه ورودی، 127.2 درصد فاصله BE می رسد.



### اصول استفاده از الگوی Butterfly ، نحوه رسم و کاربرد

الگوی باترفلای تشکیل شده از سه نسبت فیبوناچی موجهای مختلف می باشد که پس از ورود برای آن میتوان دو هدف قیمتی در نظر گرفت.

- نقطه C تا 38.2 یا 78.6 درصد فاصله AB بازگشت دارد.
- نقطه D بین 38.2 تا 78.6 درصد فاصله BC بازگشت دارد.
- نقطه E تا 127.2 یا 161.8 درصد فاصله AB بازگشت دارد.
- هدف اول از نقطه ورودی، 61.8 تا 78.6 درصد فاصله DE می باشد.
- هدف دوم از نقطه ورودی، 127.2 درصد فاصله بازگشت BE می باشد.



## اصول استفاده از الگوی بت (Bat الگوی خفاش)، نحوه رسم و کاربرد

الگوی بت تشکیل شده از سه نسبت فیبوناچی موج های مختلف می باشد که پس از ورود برای آن میتوان دو هدف قیمتی در نظر گرفت.

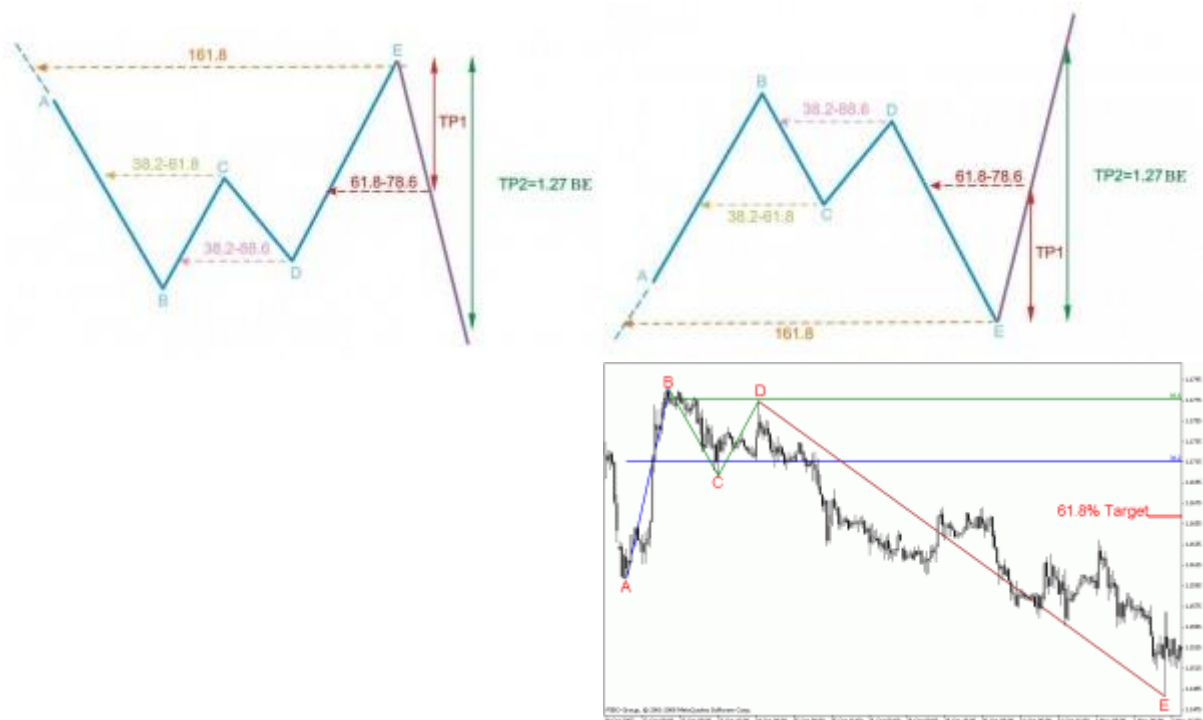
- نقطه C بین 38.2 تا 50 درصد فاصله AB بازگشت دارد.
- نقطه D بین 38.2 تا 88.6 درصد فاصله CB بازگشت دارد.
- نقطه E تا حدود 88.6 درصد فاصله AB بازگشت دارد.
- هدف اول از نقطه ورودی، 61.8 تا 78.6 درصد فاصله DE می باشد.
- هدف دوم از نقطه ورودی، 127.2 درصد فاصله AB می باشد.



### اصول استفاده از الگوی Crab ، نحوه رسم و کاربرد

الگوی کِرَب مانند الگوی بت تشکیل شده از سه نسبت فیبوناچی موج های مختلف می باشد که پس از ورود برای آن میتوان دو هدف قیمتی در نظر گرفت.

- نقطه C بین 38.2 تا 61.8 درصد فاصله AB بازگشت دارد.
- نقطه D بین 38.2 تا 88.6 درصد فاصله CB بازگشت دارد.
- نقطه E تا حدود 161.8 درصد فاصله AB بازگشت دارد.
- هدف اول از نقطه ورودی، 61.8 تا 78.6 درصد فاصله DE می باشد.
- هدف دوم از نقطه ورودی، 127.2 درصد فاصله بازگشت BE می باشد.



### جلسه چهاردهم: آشنایی با چنگال اندرو (اندرو پیچفورک) (Andrews Pitchfork)

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۲۰ اسفند ۱۳۸۷ - ۲۲:۴۲

مطلب قبلی: [جلسه سیزدهم: الگوهای قیمتی هارمونیک \(پترن های هارمونیک\)](#)

مطلب بعدی: [جلسه یازدهم: استفاده از فراریت \(Volatility\) و همبستگی ارزها \(Currency Correlation\)](#)

[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

### آشنایی با چنگال های اندرو ( اندرو پیچفورک Andrews Pitchfork )

چنگال های "اندرو" (اندرو) ، تکنیکی برای استفاده از روند ها می باشد. "آلن اندرو" ابداع کننده این روش اعتقاد داشت خطوط روند کلاسیک کارایی بالایی در بازارها ندارند و خطوط روندی که از نقاط و پیوت های بیشتری می گذرد بسیار کاربردی تر می باشد. در عین حال بر مبنای این خط مرکزی باید تمامی نوسانات قیمت را در بین دو بال، که کانالهایی را برای قیمت می سازند داشته باشیم.

برای ترسیم یک "چنگال اندرو" تحلیلگر به سه نقطه (پیوت) که آغازگر موج های جدید باشد، نیاز دارد و پس از ترسیم چنگال

پیچفورک باید مشاهده نماید که آیا چنگالش سه اصل اساسی ترسیمی را رعایت کرده یا خیر. همانطور که در شکل زیر مشاهده می شود برای ترسیم یک چنگال پیچفورک به سه نقطه (پیوت) آغاز موج نیاز داریم. نقاط A و C نقش های یکسانی در تغییر جهت قیمت داشته اند و نقطه B نقشی خلاف نقاط A و C برای جابجایی قیمت ایفا می کند. بدین معنی که اگر نقاط A و C روندهای صعودی جاری را تبدیل به روند نزولی کرده اند نقطه B روند نزولی جاری را تبدیل به صعودی کرده است. در ترسیم چنگال صعودی این نقش ها معکوس می شود.



برای ترسیم یک چنگال به سه نقطه نیاز داریم که تا به اینجا با آنها آشنا شدیم. از این نقاط درک کردیم که تغییرات قیمت معمولاً به صورت سینوسی و با تصحیح همراه هستند. برای ترسیم خط میانه که بیشترین نوسانات را قیمت حول آن محور داشته است می توان ما بین نقاط B و C را شناسایی کرد (محدوده سبز رنگی که در تصویر بالا بین B و C وجود دارد) و خطی را از نقطه A به این نقطه میانی ترسیم کرد. این خط شیب و زاویه خاصی نسبت به تغییرات قیمت دارد که نوسانات بسیاری حول این محور است. به اندازه شیب خط میانی می توان به موازاتش خطوطی را از نقاط B و C ترسیم کرد. معمولاً قیمت مانند شکل، حول این محور و خط میانی بارها نوسان دارد. در عین حال نسبت به قیمت چنگال های بالا و پایین که موازی با خط میانی ترسیم شده عکس العمل نشان می دهد.

### اصول اساسی ترسیم یک چنگال "اندرو" مناسب

برای ترسیم یک چنگال "اندرو" سه اصل باید وجود داشته باشد تا چنگال ما برای استفاده مقبول باشد. این سه اصل به شرح زیر است:

- الف) در یک چنگال اندرو (اندرو پیچفورک) محدوده جابجایی قیمت حتماً باید بین دو چنگال کناری (بال کناری) قرار گرفته باشد. بنابراین زمانی که قیمت از بین دو چنگال کناری خارج شود چنگال ترسیمی دیگر مورد تایید نخواهد بود.
- ب) نقطه C در چنگال نزولی حتماً باید بین نقاط A و B قرار گرفته باشد و در روند صعودی نقطه C باید بین نقاط A و B قرار گرفته



باشد یعنی موج تصحیحی B به C حتما باید در محدوده نقاط A تا B باشد. اگر این اصل پا برجا نباشد و به عنوان مثال نقطه A بین نقاط B و C باشد نشانه دهنده این موضوع است که روندی قالب، در جهت صعودی یا نزولی در بازار وجود ندارد.

ج) اصل سوم نیز مانند اصل قبلی به این نکته اشاره دارد که نقطه C حتما باید بین نقاط A و B قرار گرفته باشد و نقطه B ما بین نقاط A و C نباشد. این مورد زمانی به وجود می آید که با وجود روند صعودی یا نزولی، تصحیحی کامل بین A تا B در نقطه C وجود ندارد.

## آشنایی با نحوه استفاده از چنگال "اندرو"

زمانیکه با ترسیم چنگالی کامل که تمامی اصول در آن رعایت شده است آشنا شدیم تکنیک هایی برای استفاده از چنگال "اندرو" وجود دارد که می توانیم از آنها برای معامله در بازار استفاده کنیم.

1) روش استفاده اول از "چنگال اندرو" زمانی است که با وجود ترسیم صحیح چنگال قیمت ها در بازار به سمت خط میانی چنگال حرکت نمی کنند. قیمت ها در روند نزولی اطراف بال بالای و در روند صعودی اطراف بال پایینی حرکت دارند. این مساله که قیمت به خط میانی داخل چنگال نمی رسد می تواند نشانه ای از تضعیف قدرت روند جاری بازار در حالت فعلی باشد از این رو احتمال اینکه بال پایینی یا بالایی که قیمت حول آن خط در حال نوسان است شکسته شود بسیار محتمل است. شکل زیر نمونه ای از حالت اول ورود به معامله را برای یک چنگال صعودی نشان می دهد که با شکسته شدن خط بال پایینی می توان وارد معامله فروش شد.



2) قاعده دوم برای ورود به معامله زمانی ایجاد می شود که قیمت با اینکه به سمت خط میانی در حال حرکت است یک گپ (شکاف) در نزدیک خط میانی ایجاد می کند. گپ یا تثبیت قیمت در چنگال صعودی روی خط میانی و گپ یا تثبیت در چنگال نزولی زیر خط میانی نشانه ای پاییداری روند در جهت فعلی می باشد. این موارد موقعیت های خوبی را برای ورود به معامله ایجاد می کنند. مثال این نمونه را در مثال زیر می توان مشاهده کرد.



3) قاعده سوم استفاده از چنگال زمانی مورد استفاده برای ورود به معامله قرار می گیرد که خط میانی برای قیمت تبدیل به یک خط حمایت یا مقاومت می شود و از پیشروی قیمت در روند نزولی به زیر خط میانی و در روند صعودی از پیشروی قیمت به بالای خط میانی جلوگیری می کند. معمولاً برای استفاده از این ابزار در مورد ورود به معامله از شاخص نمای تکنیکی Stochastic اندیکاتور استوکاستیک استفاده می شود. اگرچه حالت بهینه برای ورود به معامله با مشاهده چنین وضعیتی که خط میانی چنگال حکم حمایت یا مقاومت را داشته، صبر کردن تا زمانی است که بال بالای یا بال پایینی شکسته شود.



جلسه پانزدهم: استفاده از فراریت (Volatility) و همبستگی ارزها (Currency Correlation)

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۲۱ اسفند ۱۳۸۷ - ۰۸:۲۳

مطلب قبلی: [جلسه چهاردهم: آشنایی با چنگال اندرو \(اندرو پیچفورک\) \(Andrews Pitchfork\)](#)

مطلب بعدی: [جلسه شانزدهم: مقدمه ای بر امواج الیوت](#)

[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

## آشنایی با فراریت و استفاده از فراریت در بازار تبادلات ارزی (Volatility)

در بازار تبادلات ارزی مبنای جابجایی نرخ ها، میزان عرضه و تقاضای هر ارز می باشد و بدین لحاظ که ارزها همیشه با ارزی دیگر سنجیده می شوند. عرضه و تقاضای منفرد هر ارزی بر روی ارزش برابری ارز متقابل نیز تاثیر مستقیم دارد. این بحث بدین لحاظ گفته شد تا بتوانیم میزان جابجایی هر جفت ارز را جدا از مسائل بنیادی تاثیر گذار بر عرضه و تقاضا به لحاظ تکنیکی بررسی کنیم. شاخصی که میزان نوسان هر جفت ارز را در بازه زمانی خاصی اندازه گیری می کند با نام Volatility یا فراریت شناخته می شود.

فراریت مقدار میانگین نوسان هر جفت ارز، سهام یا کالا در بازه زمانی خاص می باشد. فراریت در بازار مبادلات ارز رابطه نزدیک و تنگاتنگی با ارزش ذاتی برابری نرخ آن جفت ارز دارد. اگر میزان عرضه و تقاضای یک جفت ارز را در دو بازه زمانی، برابر فرض کنیم میزان نوسان هر جفت ارز بسته به ارزش ذاتی نرخ برابری آن جفت ارز تعیین می شود. عموماً ارزها در بازار مبادلات ارز در هر 24 ساعت یا یک روز کاری بین 0.5 تا 1.5 درصد از ارزش ذاتی خود را به صورت میانگین نوسان دارند. بدین معنی که اگر نرخ برابری (ارزش ذاتی) جفت ارز پوند به فرانک سوییس در یک سال گذشته 1.8000 بوده است بنابراین می توانیم انتظار داشته باشیم این جفت ارز روزانه میانگین 180 پوینت که برابر یک درصد ارزش ذاتی این جفت ارز می باشد حرکت دارد. یا به عنوان مثال اگر نرخ برابری (ارزش ذاتی) جفت ارز دلار استرالیا به دلار آمریکا در یک سال گذشته 0.75 بوده است بنابراین می توانیم انتظار داشته باشیم این جفت ارز روزانه میانگین 75 پوینت نوسان داشته باشد.

ذکر دو مساله نباید فراموش شود. اول اینکه شاید روزهای بسیاری را داشته باشیم که مقدار میانگین نوسان هر ارز بیشتر از 1.5 درصد از ارزش ذاتی باشد اما روزهایی قبل یا بعد مقدار نوسان کمتر باشد که میانگینشان به 0.5 تا 1.5 درصد ارزش ذاتی برسد و مساله دوم اینکه وقتی صحبت از فراریت می شود منظور بیشینه و کمینه قیمت (High) و (Low) می باشد.

این بحث بدین لحاظ حائز اهمیت است که انتظارات حرکتی یک جفت ارز را در یک بازه زمانی برای معامله گر مشخص می کند. زمانی که معامله گر روی دلار استرالیا به دلار آمریکا معامله می کند و حد سود یا ضررش حدود 150 پوینت است نمی تواند انتظار داشته باشد که حداکثر در طول یک روز بازار به هدف های قیمتی اش برسد. حال آنکه عکس این حالت را نمی تواند برای جفت ارزی مانند پوند به ین که میانگین نوساناتش حدود 180 پوینت در روز است را برای دستورات حد ضرر و سودش انتظار داشته باشد. از یاد نبریم این قانون نانوشته در بازار مبادلات ارز در اصل از قانون حداکثر میزان نوسانات بازار اوراق بهادار گرفته شده است اما ناخودآگاه، در بازار ارز حالتی به وجود آورده که برای هر بازه زمانی معامله گران انتظار نوسان خاصی را

پیش بینی می کنند. غیر از استفاده ای که از میزان فراریت برای حداکثر نوسانات هر روز می شود. با تشخیص این عامل که آیا در روزهای گذشته بازار کمتر از میزان میانگین نوساناتش، حرکت کمتر داشته، می توان متوجه شد که در روز یا روزهای آتی بازار حرکات بزرگتر و با دامنه بیشتری خواهد داشت. در عین حال تا با این تکنیک یا تکنیک های مشابه آشنایی کامل پیدا نکرده اید پیشنهاد نمی شود با زیاد شدن نوسانات در روزهای خاص، حرکات کمتر را در روزهای پیش رو انتظار داشته باشید. همانطور که در شکل زیر دیده می شود پس از اینکه چندین روز میانگین نوسان بسیار کم بوده است روز یا روزهایی را شاهد هستیم که فراریت بیشتر شده است تا میانگین نوسانات فراریت بر اساس ارزش ذاتی درست باشد.



برای بازه های زمانی بزرگتر، در بازه هفتگی فراریت یا اختلاف بیشینه و کمینه قیمت (High) و (Low) به صورت میانگین گرایش به 2.8 ارزش ذاتی آن جفت ارز دارد و برای بازه ماهانه به صورت میانگین گرایش حرکت دامنه نوسان به 7.5 درصد از ارزش ذاتی جفت ارز وجود دارد.

معمولاً فراریت را با شاخص نمای تکنیکی سنجش انحراف معیار (Standard Deviation) می سنجند. به هر میزان انحراف معیار بالاتر باشد میزان فراریت بیشتر است. گرچه بدون استفاده از این شاخص نما نیز می توان میزان فراریت بازار را با نرم افزارهای آماری مورد سنجش قرار داد.

### آشنایی و استفاده از همبستگی ارزها (Currency Correlation)

معامله بر اساس جفت ارزهای متقاطع (Rates Cross) مبحثی می باشد که اغلب مورد توجه معامله گرانی است که از سیستم تریدینگ استفاده می کنند. اغلب معامله گران مبتدی از معامله بر روی جفت ارزهای متقاطع پرهیز می کنند دلایلی مانند اسپرد بالاتر، آشنا نبودن با رفتار آن جفت ارز، کمبود دانش و اطلاعات فاندمنتالی از جمله دلایل فعالیت کمتر معامله گران در این ارزها می باشد و اغلب معامله گرانی که بر روی جفت ارزهای متقاطع کار می کنند به دنبال ارزهایی هستند که فراریت (Volatility) بیشتری داشته باشند مانند جفت ارز پوند به ین ژاپن. متأسفانه بسیاری از معامله گران بدون اطلاع از تاثیر پذیری

جفت ارزها از یکدیگر بر روی جفت ارزهای متقاطع اقدام به معامله می کنند و اغلب ضررهایی بیش از حد، متحمل می شوند. در بازار تبادلات ارزی با داشتن قیمت دو جفت ارز نسبت به ارزی ثابت میتوان قیمت آن دو جفت ارز را نسبت به هم محاسبه نمود که یکی از سه حالت زیر برایشان وجود دارد.

$$A \text{ — } C \text{ — } B \\ AC * CB = A/B \\ (GBP/USD) * (USD/JPY) = GBP/JPY$$

$$A \text{ — } C \text{ — } B \\ AC/BC = A/B \\ (EUR/USD) / (GBP/USD) = EUR/GBP$$

$$C \text{ — } A \text{ — } B \\ CB/CA = AB \\ (USD/CHF)/(USD/JPY) = CHF/JPY$$

مثال: قیمت جفت ارز GBP/USD در حال حاضر 1.9717 و قیمت جفت ارز USD/JPY حالا 118.85 می باشد قیمت جاری جفت ارز GBP/JPY چقدر می باشد؟

$$1.9717 * 118.85 = 234.33$$

مثال: قیمت جفت ارز GBP/USD در حال حاضر 1.8864 و قیمت جفت ارز EUR/USD حالا 1.2792 می باشد قیمت جاری جفت ارز EUR/GBP چقدر می باشد؟

$$1.2792 / 1.8864 = 0.6781$$

مثال: قیمت جفت ارز USD/CHF در حال حاضر 1.2211 و قیمت جفت ارز USD/JPY حالا 118.59 می باشد قیمت جاری جفت ارز CHF/JPY چقدر می باشد؟

$$118.59 / 1.2211 = 97.11$$

بدیهی است قیمت های بروکر ها به خاطر اسپرد و تاخیر زمانی ممکن است چند پیپ با قیمت های محاسباتی ما متفاوت باشند اما در کل، قیمت کراس ها به این صورت قابل محاسبه خواهند بود. بدین ترتیب با وابستگی ارزش ذاتی ارز هر کشوری در مقابل سایر ارزها قابل استنباط است که همه ارزهای جهانی دارای ارزش ثابتی برای خود باشند و با کم شدن ارزش پول هر کشوری تمامی ارزهای جهانی در مقابل آن ارز با افزایش ارزش روبرو شده اند. این مساله در مورد قوی شدن پول کشور ها نیز صادق است.

از همبستگی ارزها زمانی استفاده می شود که معامله گر رفتار متفاوتی را برای ارزهایی خاص در مقابل ارزی خاص انتظار دارند و می توانند به جای دو معامله بر روی دو جفت ارز، یک معامله بر روی جفت ارز متقاطع انجام دهند. به عنوان نمونه تحلیلی داریم از صعود قیمت در نمودار پوند به دلار و در عین حال تحلیل نمودار دلار به ین نیز از صعود حکایت دارد. بدین ترتیب می توان برای کاهش ریسک احتمالات در بازار و بالا بردن احتمال سود دهی، معامله ای بر روی پوند به ین انجام داد. در

این صورت حتی اگر یکی از دو تحلیل پوند به دلار یا دلار به ین درست نباشد باز نمودار پوند به ین صعودی خواهد بود و ضرری متوجه حساب نمی شود. در عین حال حتی در صورتی که معامله ای بر روی جفت ارز متقاطع انجام نمی شود همیشه پیشنهاد می شود تحلیل بنیادی یا تکنیکی همبستگی هر ارز خاص را در مقابل ارزهای دیگر نیز انجام شود تا ریسک کمتری متوجه معاملات شود.

## جلسه شانزدهم : مقدمه ای بر امواج الیوت

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین - الیوت ویو](#) - ۱۵ شهریور ۱۳۸۸ - ۱۸:۲۱

مطلب قبلی: [جلسه یانزدهم: استفاده از فراریت \(Volatility\) و همبستگی ارزها \(Currency Correlation\)](#)

مطلب بعدی: [جلسه هفدهم : آشنایی با اندیکاتور ها](#)  
[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

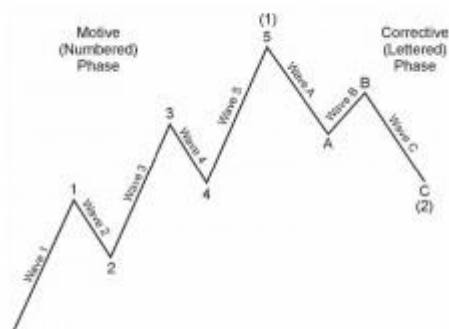
- [قاعده کلی امواج](#)
- [مشخصه های موج های اصلاحی](#)
- [تناوب](#)
- [کانال ها](#)
- [اعداد فیبوناچی و نسبت های بازگشتی](#)
- [اصول انحصاری امواج](#)

رالف نلسون الیوت سال 1938 بر اساس مشاهدات و تحقیقات خود نظریه ای را بر اساس تغییرات قیمت ارائه داد که بر مبنای آن دوره های حرکتی قیمت را در قالب الگوهای مشخص و تکرار شونده امواج توضیح می داد. این امواج روانشناسی توده مردم را در بازارها در قالب موج ها و الگوهای مشخص و تکرار شونده به ما نشان می دهد. از دیدگاه الیوت، ویژگی های حرکات بازارهای مالی بر مبنای شرایط احساسی، معقول، تکانشی، ابهام و منطق گروهی شکل گرفته است و تغییرات قیمت از سه اصل الگو، نسبت و زمان ساختار می پذیرد. الیوت عقیده داشت هر اتفاقی که در بازار روی می دهد ریشه در گذشته قیمت دارد و با تحلیل الگوهای تکرار شونده پیشین می توان آنها را به حال و آینده ارتباط و گسترش داد.

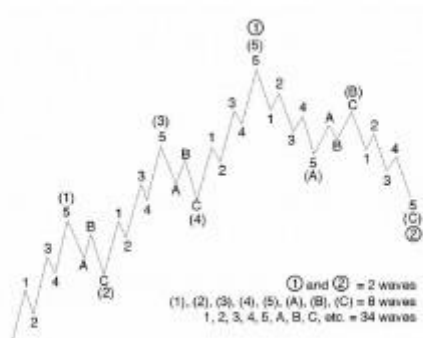
## قاعده کلی امواج

رفتار انبوه مردم در الگوهای روندها و بازگشت های بازار شناخت پذیر هستند. الیوت نام این شناخت پذیری را قانون موج ها نام گذاشت که ساختارهای اتصال یافته ای برای مدل های بزرگتر از بعضی الگوها و اسلوب آنها می باشد. بازگشت های قیمت و آغاز ساخته شدن قالب جدید برای الگویی از اندازه و موج یک درجه بالاتر نیز همین اصول را دارد. اصل پایه ای

امواج بر پنج موج محرک که با اعداد مشخص می شود و سه موج اصلاحی که با حروف نمایش داده می شود استوار است.



هر موج حرکتی از پنج ریز موج تشکیل می شود که شامل سه موج انگیزشی و دو ریز موج اصلاحی است. موج اصلاحی نیز شامل سه ریز موج است که دو موج آن انگیزشی و یک موج آن اصلاحی می باشد. موج های انگیزشی همیشه در جهت موج حرکتی یا اصلاحی یک درجه بزرگ تر از خود می باشند. بنابراین در هر درجه از روند حرکت در جهت موج اصلی پنج موجی و حرکت در جهت درجه بزرگتر اصلاحی



سه موجی می باشد.

الیوت در تقسیم بندی امواج برای نام گذاری و شناسایی از 9 درجه نام برد که بعد ها شاگردان و پیروان او به تفصیل این 9 درجه را به 15 درجه رساندند. تمام این 15 درجه با علامات عددی و حروفی شامل مشخصات درجه و سیکلشان هستند.



Wave Degree	5's With the Trend	3's Against the Trend
1 Supercycle	(1) (2) (3) (4) (5)	(A) (B) (C)
2 Millennium	(1) (2) (3) (4) (5)	(A) (B) (C)
3 Submillennium	1 2 3 4 5	A B C
4 Grand Supercycle	(1) (2) (3) (4) (5)	(a) (b) (c)
5 Supercycle	(I) (II) (III) (IV) (V)	(a) (b) (c)
6 Cycle	I II III IV V	a b c
7 Primary	(1) (2) (3) (4) (5)	(A) (B) (C)
8 Intermediate	(1) (2) (3) (4) (5)	(A) (B) (C)
9 Minor	1 2 3 4 5	A B C
10 Minute	(1) (2) (3) (4) (5)	(a) (b) (c)
11 Minute	(i) (ii) (iii) (iv) (v)	(a) (b) (c)
12 Subminute	i ii iii iv v	a b c
13 Micro	(1) (2) (3) (4) (5)	(A) (B) (C)
14 Submicro	(1) (2) (3) (4) (5)	(A) (B) (C)
15 Miniscale	1 2 3 4 5	A B C

البته باید در نظر داشته باشیم حرکات بازار و یا به نوعی انتظارات انسانی از بازار در تمامی این درجات مستقیم و یکسان نیست بلکه غالباً موجی شکل و دوره ای است.

رشد (و نزول) قیمت ها در بازار و انتظارات انسانی عبارت است از پنج موج صعودی و سه موج نزولی. این الگوی هشت موجی دوره های تناوبی صعود و نزول بازار یا اقتصاد را نمایش می دهد.

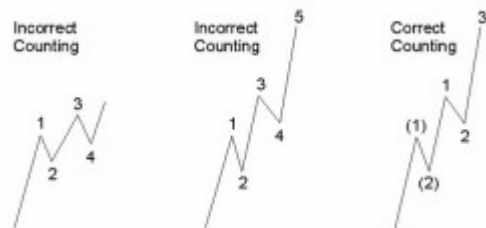
قاعده کلی موج ها سه هدف اصلی دارد: پیشگویی مسیر بازار، مشخص کردن نقاط بازگشت و تهیه کردن راهنما برای ورود و خروج از موقعیت های معاملات.

موج های حرکتی (Motive) دارای ساختار پنج موجی شماره دار 1 الی 5 هستند و در مسیری از حرکت روند اصلی درجه بزرگتر می باشند.

قواعد پایه برای موج های انگیزشی: موج 2 نمی تواند بیشتر از اندازه موج 1 بازگشت داشته باشد. موج 3 هرگز نمی تواند کوچکترین موج باشد و در عین حال معمولاً بزرگترین موج می باشد.

ساختار پنج موج حرکتی به دو دسته کلی تقسیم بندی می شود: انگیزشی (Impulse) که خود شامل دو گروه انبساطی (Extension) و کوتاه شده (Truncation) می باشد و موج های مثلث های قطری انگیزشی (Triangles Diagonal)

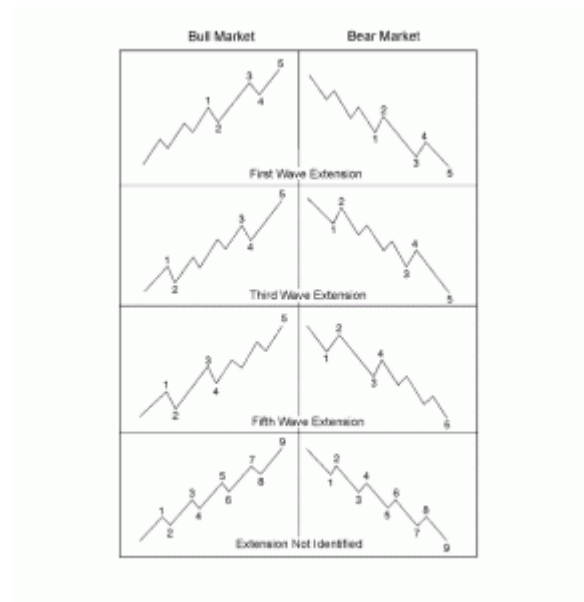
در موج های انگیزشی (Impulse) موج چهار هرگز وارد محدوده قیمت موج یک نمی شود. موج های 1، 3 و 5 قسمتی از موج های حرکتی هستند و موج 3 همیشه خود یک موج انگیزشی (Impulse) است. بنابراین همانطور که در شکل زیر مشخص است دو موج شماری سمت چپ نادرست و موج شماری سمت راست صحیح می باشد.



در مثال های زیر به وضوح مشاهده می شود موج 4 وارد محدوده موج 1 نشده و در عین حال موج 3 کوتاه ترین موج نمی باشد.



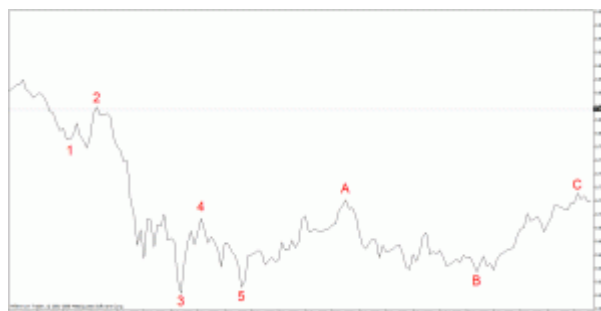
در صورتی که امواج 1، 3 و 5 شامل 5 ریز موج باشند معمولا یکی از آنها انبساط می یابد و بزرگتر از دو موج دیگر می شود. به این حالت موج انگیزشی انبساط یافته می گوئیم. در بازار سهام و تبدلات ارزی معمولا حالت انبساط یافته (Extension) در موج 3 مشاهده می شود و در بازار های کالا معمولا در موج 5 مشاهده می شود.



در بعضی حالت های خاص معمولاً با انبساط پیدا کردن موج 3، قله موج 5 فراتر از قله موج سه حرکت نمی کند. به این حالت موج 5 کوتاه شده (Truncation) می گوئیم. در این حالت ریز موج های 5 تایی موج 5 کوتاه شده باید در محدوده موج قبل از خود باشد؛ موج 5 نباید فراتر از موج 3 پیش روی کند و معمولاً همانطور که ذکر شد بعد از موج سه انبساط یافته تشکیل می شود.



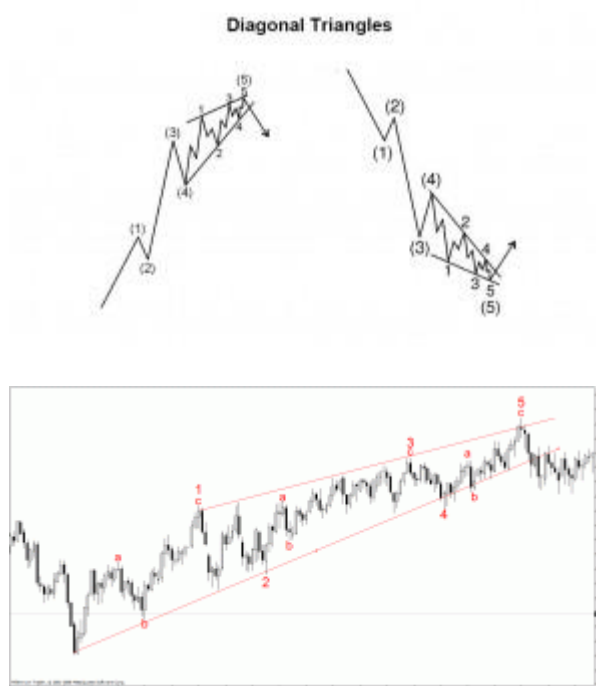
همانطور که در شکل زیر مشاهده می شود موج 5 بعد از انبساط موج 3 از دست یابی به کف جدید بازمانده و حالت موج 5 کوتاه شده را به وجود آورده است.



اگر به خاطر داشته باشید گفتیم، ساختار پنج موج حرکتی به دو دسته کلی تقسیم بندی می شود: انگیزشی (Impulse) که خود شامل دو

گروه انبساطی (Extension) و کوتاه شده (Truncation) می باشد و موج های مثلث های قطری (Diagonal Triangles).

در مثلث های قطری بر اساس یک قانون همیشگی ریز موج های 1، 3 و 5 همگی از سه موج تشکیل شده اند. برخلاف موج های انگیزشی، در مثلث های قطری موج 4 همیشه وارد محدوده موج یک می شود. مثلث های قطری معمولا نشانه خستگی یا به اتمام رسیدن الگوی یک درجه بزرگتر از خود می باشند و معمولا دو خط امتداد نقاط سقف و کف مثلث دو گوشه که کلیات مثلث قطری را می سازد همگرا می باشد.



چکیده مطالب:

- اصول امواج = وضع روانشناسی توده مردم
- موج های حرکتی ساختار 5 تایی دارند و تمام حرکت روند آنها یک موج حرکتی از درجه بزرگتر را تشکیل می دهد
- طبقه بندی موج های حرکتی شامل موج های انگیزشی و مثلث های سه گوش می باشد
- موج های انگیزشی 1، 3 و 5 خود شامل 5 ریز موج می باشند که می توانند شامل حالت های گسترش یافته یا کوتاه شده باشند.
- موج 4 به هیچ عنوان وارد محدوده موج 1 نمی شود

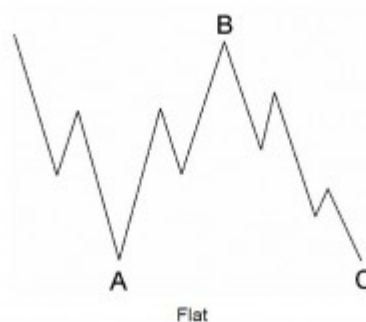
- در مثلث های قطری امواج 1، 3 و 5 شامل 3 ریز موج می باشند. موج 4 اجازه ورود به محدوده موج یک را دارد و سیگنال مناسب نقطه بازگشت قیمت از برخورد با خط روند اصلی می باشد.

### مشخصه های موج های اصلاحی

زیگزاگ (Zigzag) حالت اول موج های اصلاحی می باشد که ریز موج های A و B و C به ترتیب شامل ریز موج های 5، 3، 5 می باشد. بدین معنا که موج A شامل 5 ریز موج، موج B شامل 3 ریز موج و موج C شامل 5 ریز موج می باشد. معمولا این موج اصلاحی در موج 2 یک درجه بالاتر ایجاد می شود و حالت تند با شیب زیاد را برای بازگشت قیمت شاهد هستیم.



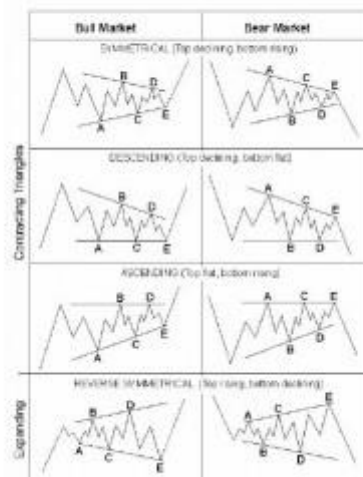
تخت (Flat) حالت دوم موج های اصلاحی می باشد که ریز موج های A و B و C به ترتیب شامل ریز موج های 3، 3، 5 می باشد. بدین معنا که موج A شامل 3 ریز موج، موج B شامل 3 ریز موج و موج C شامل 5 ریز موج می باشد. معمولا این موج اصلاحی در موج 4 یک درجه بالاتر ایجاد می شود و حالت ساید در روند رو به جلو را برای ادامه حرکت قیمت در روند اصلی شاهد هستیم.



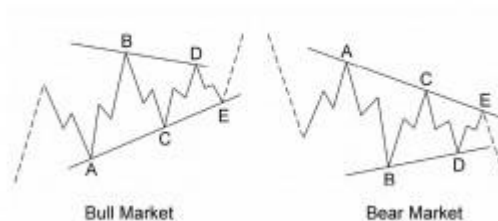
مثلث ها (Triangle) حالت سوم موج های اصلاحی می باشد که ریز موج های A و B و C را به همراه دو موج D و E دارد. تمامی ریز موج های هر موج شامل 3 ریز موج می باشد (3-3-3-3-3). معمولا این موج اصلاحی در موج 4 یک درجه بالاتر ایجاد می شود و حالت ساید در روند رو به جلو را برای ادامه حرکت قیمت در روند اصلی شاهد هستیم. مثلث ها به دسته ها و مدل های گوناگونی

تقسیم بندی می شوند که می توانید در زیر حالت های مختلف تشکیلشان را مشاهده کنید.

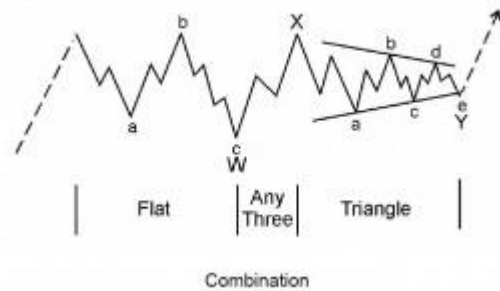
### Horizontal Triangles



### Running Triangles



امواج اصلاحی ترکیبی (Combination) آخرین حالت از مدل موج های اصلاحی می باشد که ریز موج هایش ترکیبی از امواج بازگشتی قبلی می تواند باشد و با W، X، Y نمایش داده می شوند. معمولا این موج اصلاحی در موج 4 یک درجه بالاتر ایجاد می شود و حالت ساید در روند رو به جلو را برای ادامه حرکت قیمت در روند اصلی شاهد هستیم. امواج اصلاحی ترکیبی می توانند شامل هر ترکیبی از امواج اصلاحی قبلی پشت سر هم باشند بدون آنکه دو ترکیب پشت سر هم تکرار شود. به عنوان مثال اگر در شکل زیر ترکیب اصلاح "تخت" موج X سه تایی و یک مثلث را شاهد هستیم دو ترکیب یکسان (دو مثلث) نباید پشت سر هم در موج اصلاح ترکیبی تکرار شود.



مطالب ضمیمه :

شبهات:

- دو موج حرکتی یا انگیزشی از پنج موج حرکتی، معمولاً به لحاظ زمانی و حرکت قیمت شبیه به یکدیگر هستند. حتی اگر به لحاظ حرکت قیمتی شبیه یکدیگر نباشند با توجه به یکی از درصدهای فیبوناچی 61.8 درصد، 100 درصد، 161 درصد یا 261 درصد نسبت به هم تناسب دارند.

- معمولاً در پنج موج حرکتی شاهد هستیم که دو موج انگیزشی در یک موج حرکتی از درجه بزرگتر هر دو گسترش یافته نمی شوند. در غالب موارد یک موج گسترش یافته است که بیشتر در مورد موج سوم اتفاق می افتد.

- برای مثال اگر موج سوم گسترش یافته باشد موج 5 گسترش یافته نمی شود و حداکثر تا 61.8 درصد از اندازه موج سوم حرکت می کند.

## تناوب

در امواج انگیزشی:

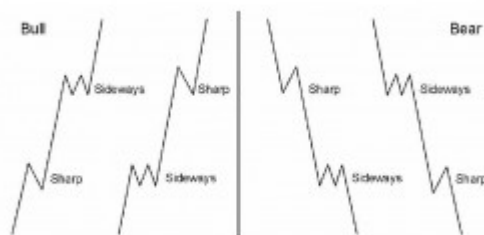
- اگر موج دوم بصورت آنی و با سرعت زیاد بازگشت داشته باشد و زمانی کوتاه را مانند امواج اصلاحی زیگزاگ به خود گرفته باشد در موج چهارم تکرار این مدل تصحیح بسیار ضعیف است و بازگشت با دوره زمانی طولانی تر و حالتی غیر از زیگزاگ اتفاق می افتد.

- معمولاً حرکت سریع و با دوره زمانی کوتاه برای موج های اصلاحی به شکل زیگزاگ اتفاق می افتد.

- معمولاً حرکت رنج با دوره زمانی طولانی مدت در موج های اصلاحی به شکل های تخت (Flat)، مثلث ها (Triangle) و اصلاحی های ترکیبی (Combination) به وجود می آیند.



- در امواج حرکتی که به شکل مثلث قطری (Diagonal Triangles) هستند تناوب بین موج دوم و چهارم وجود ندارد.



تناوب:

در امواج اصلاحی

- اگر در موج A شاهد یک حرکت با ساختار a، b، c به شکل تخت (Flat) باشیم در موج B به احتمال زیاد شاهد یک ساختار زیگزاگ مانند هستیم و یا بالعکس.



- اگر بازگشت کامل در موج A با یک زیگزاگ آغاز بشود حرکت موج B می تواند با زیگزاگ دیگری که ساختارش به بیرون از محدوده زیگزاگ اول رسیده است امتداد پیدا کند.



محدوده موج چهار

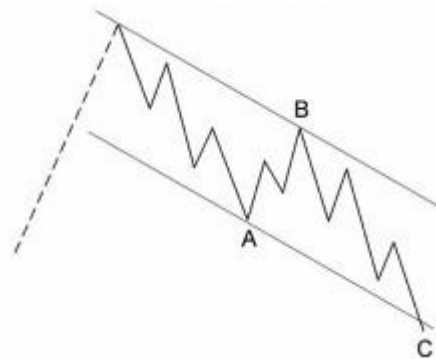
- محدوده موج چهار از یک درجه بزرگتر معمولاً تا موج چهار یک درجه کوچکتر موج سه اصلی امتداد می یابد و در موارد اندکی از موج چهار ریز موج های موج سه حرکتی بیشتر انجام می دهد.

کانال ها

- در موارد بسیاری امواج حرکتی در محدوده یک کانال حرکت می کنند. این کانال می تواند از امتداد خط کانال پایان نقاط موج های یک و سه ترسیم شده باشد و یا می تواند از امتداد ابتدای امواج دو و چهار ترسیم شده باشد.

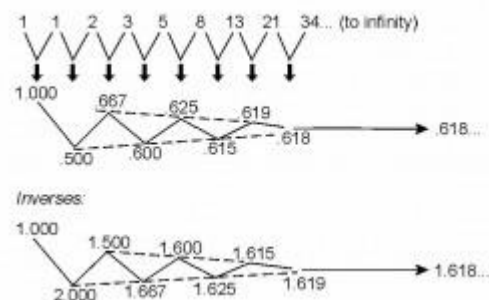


- به همان ترتیب که در موج های حرکتی می توانیم روند و کانال داشته باشیم. برای امواج اصلاحی زیگزاگ نیز می توانیم کانال ترسیم کنیم. شیوه ترسیم بدین شکل است که از انتهای موج 5 به ابتدای موج B خط روند رسم می شود و به موازات آن خط کانال از انتهای موج A ترسیم می شود.



### اعداد فیبوناچی و نسبت های بازگشتی

اعداد فیبوناچی دامنه ای از صفر و یک هستند که هر عدد جدید مجموع دو عدد قبل از خود می باشد نسبت های بین این دامنه اعداد بسیار جالب و کاربردی می باشد. معمولا از نسبت های 38.2 درصد، 50 درصد، 61.8 درصد، 100 درصد و 161.8 درصد در بازار برای تحلیل میزان حرکت قیمت استفاده می شود.

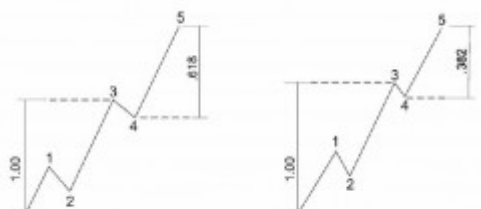


- معمولا موج دو 61.8 درصد از میزان حرکت موج یک را بازگشت دارد.

- موج چهار معمولا تا حداکثر 38.2 درصد از موج سوم را بازگشت دارد.



- موج پنج می تواند 38.2 یا 61.8 درصد حرکت اصلی ابتدای موج یک تا انتهای موج سوم را حرکت داشته باشد.



- به لحاظ زمانی نیز امواج می توانند بر اساس دوره زمانی اعداد فیبوناچی حرکت کنند. به عنوان مثال اگر موج سوم گسترش یافته و 21 ماه طول زمانی داشته باشد موج 5 یک عدد فیبوناچی عقب تر می باشد و 13 ماه زمان تشکیل آن طول می کشد.

## اصول انحصاری موج 2 :

موج 2 به صورت سه موجه یا کامپلکس می باشد  
احتمال تشکیل ایریگولار در کارکشن موج abc وجود دارد (موج پیشرو)

## نسبتهای موج 2:

- 1-نسبت 61.8 یا 78.6 یا 88.6 ریتریس موج یک
- 2- 127 یا 161 اکستنشن موج b
- 3-نسبتهای انتهای موج 5 ( داخلی c)

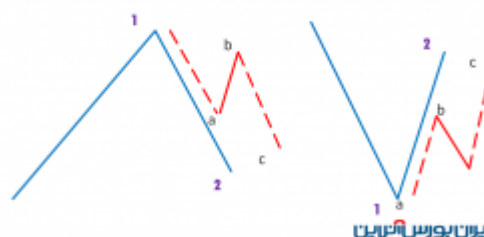
## نکته موج 2:

- 1- در صورت ایجاد شدن موج 2 به کامپلکس بهتر است معامله صورت نگیرد
- 2- موج 2 به صورت ABC ایجاد می گردد
- 3- موج B در داخل موج 2 به صورت سه موجه ایجاد میشود.
- 4- موج C در داخل موج 2 به صورت پنج موج ایجاد میشود.
- 5- احتمال تشکیل پترن گارتلی-بت یا (123)
- 6- موج 2 نمی تواند 100 موج 1 را بپوشاند.

## نسبتهای فیبوناچی تایم:

- 1- نسبت 50 یا 61.8 ریتریس موج 1
- 2- پروجکشن 100 موج a
- 3- اکستنشن 161 موج b
- نسبتهای انتهای موج 5 (داخلی c)

## شکل و ساختار موج 2:



شکل و ساختار موج 2

### اصول انحصاری موج 3:

موج 3 به صورت پنج موجه ایجاد می شود. (موج پیشرو)

### نسبتهای موج 3:

- 1-نسبت پروجکشن 161 یا 261 موج 1
- 2-نسبت اکستنشن 261 یا 361 موج 2
- 3-نسبتهای انتهای موج 5 (داخلی 3)

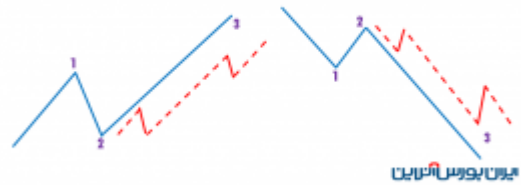
### نکته موج 3:

- 1-در انتهای موج 3 یک پیک بلند در اندیکاتور AO ایجاد می گردد.
- 2-در انتهای موج 3 امکان ایجاد پترن کراب وجود دارد.
- 3-موج 3 به صورت پنج موجه ایجاد می گردد.
- 4-موج 3 بلندترین موج پیشرو می باشد.
- 5-موج 3 معمولا تا پروجکشن 261 موج 1 ادامه می باید

### نسبتهای فیبوناچی تایم:

- 1-نسبت 161 یا 261 پروجکشن موج 1
- 2-نسبت 261 ریتریسمنت موج 2
- 3-نسبتهای داخلی موج 5 (داخلی 3)

### شکل و ساختار موج 3:



شکل موج 3

#### اصول انحصاری موج 4:

موج 4 به صورت سه موجه یا کامپلکس می باشد.  
 احتمال تشکیل اریگولار در کارکشن موج (abc موج پیشرو) وجود دارد.

#### نسبتهای موج 4:

- 1-نسبت پروجکشن 161 یا 261 موج 1
- 2-نسبت اکستنشن 261 یا 361 موج 2
- 3-نسبتهای انتهای موج 5 (داخلی 3)

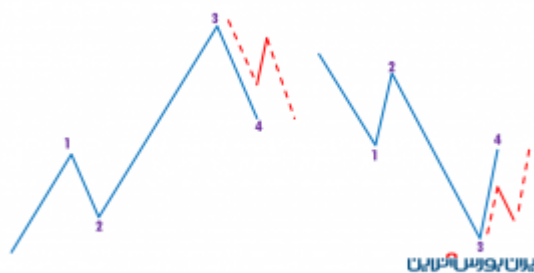
#### نکته موج 4:

- 1-در انتهای موج 3 یک پیک بلند در اندیکاتور AO ایجاد می گردد.
- 2-در انتهای موج 3 امکان ایجاد پترن کراب وجود دارد.
- 3-موج 3 به صورت پنج موجه ایجاد می گردد.
- 4-موج 3 بلندترین موج پیشرو می باشد.
- 5-موج 3 معمولا تا پروجکشن 261 موج 1 ادامه می باید.

نسبتهای فیبوناچی تایم:

- 1-نسبت 161 یا 261 پروجکشن موج 1
- 2-نسبت 261 ریتریسمنت موج 2
- 3-نسبتهای داخلی موج 5 (داخلی3)

#### شکل و ساختار موج 4:



شکل و ساختار موج 4

#### اصول انحصاری موج 5:

موج 5 به صورت پنج موجه ایجاد می شود (موج پیشرو).

#### نسبتهای موج 5:

- 1-نسبت اکستنشن 127 یا 161 موج 4
- 2-نسبت پروجکشن 100% یا 161% موج 1
- 3-نسبت 38/2 یا 61/8 پروجکشن موج 3-0
- 3-نسبت انتهای موج 5 (داخلی 5)
- 5-نسبت 424 موج 2

#### نکته موج 5:

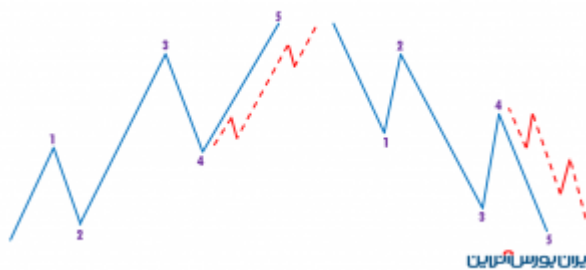


- 1- دایورجنس Divergence قیمتی و اندیکاتور AO بین امواج 3-5 به صورت واگرایی ظاهر میشود.
- 2- موج 5 به صورت پنج موجه ایجاد می گردد.
- 3- در انتهای موج 5 امکان تشکیل پترن باترفلای می باشد.

### نسبتهای فیبوناچی تایم:

- 1- 161- فیبو تایم اکستنشن موج 4
- 2- 100- یا 161 فیبو پروجکت موج 1 از انتهای موج 4
- 3- 38.2- یا 50 یا 61.8 فیبو پروجکت انتهای موج 3-0 از موج 4
- 4- نسبت 424 اکستنشن موج 2
- 5- نسبتهای انتهای موج 5 (داخلی 5)

### شکل و ساختار موج 5:



شکل و ساختار موج 5

### اصول انحصاری موج: A

موج A اصلاحی به صورت سه یا پنج موجه ایجاد می شود (موج اصلاحی).

## نسبتهای موج: A

- 1- 127 یا 161 اکستنشن موج 4 (داخلی) A)
- 2- نسبت 100 یا 161 پروجکشن موج یک (داخلی) A)
- 3- نسبت 38.2 یا 61.8 پروجکشن 0-3 (داخلی) A)
- 4- نسبتهای داخلی انتهای موج 5 (داخلی) A)
- 5- نسبت 424 موج 2 (داخلی) A)

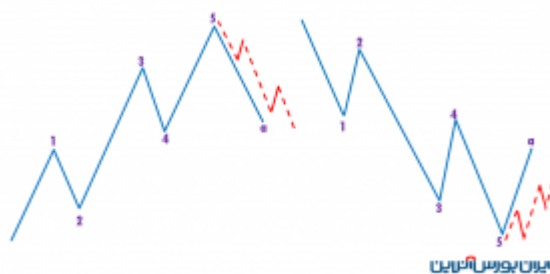
## نکته موج: A

1- احتمال تشکیل پترن باترفلای

## نسبتهای فیبوناچی تایم:

- 1- 161 فیبو تایم اکستنشن موج 4 (داخلی) a)
- 2- 100 یا 161 فیبو پروجکشن موج 1 از انتهای موج 4 (داخلی) a)
- 3- 38.2 یا 50 یا 61.8 فیبو پروجکشن انتهای موج 0-3 از موج 4 (داخلی) a)
- 4- نسبت 424 اکستنشن موج 2 (داخلی) a)

## شکل و ساختار موج: A



شکل و ساختار موج A

## اصول انحصاری موج: B

موج B به صورت سه موجه می باشد.  
پترن اریگولار فقط در کارکشن موج b ایجاد می گردد (موج اصلاحی).

### نسبتهای موج: B

- 1- نسبت 61.8 یا 78.6 یا 88.6 ریتریس موج A
- 2- 127 یا 161 اکستنشن موج b چون موج B به صورت کارکشن می باشد)
- 3- نسبتهای انتهای موج 5 ( داخلی c)
- 4- احتمال تشکیل پترن گارتلی یا بت یا (123)
- 5- 127 یا 161 اکستنشن موج A پترن اریگولار

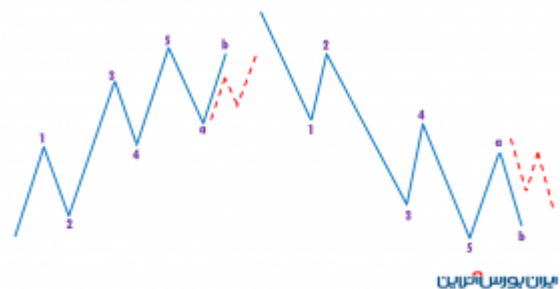
### نکته موج: B

- 1- احتمال تشکیل پترن گارتلی یا بت یا (123)

### نسبتهای فیبوناچی تایم:

- 1- نسبت 100 یا 161 پروجکت A از انتهای موج B
- 2- نسبت 161 اکستنشن موج b
- 3- نسبت 100 پروجکشن موج a

### شکل و ساختار موج: B



شکل و ساختار موج B

### اصول انحصاری موج: C

موج C به صورت 5 موجه ایجاد می گردد (موج اصلاحی).

### نسبتهای موج: C

- 1- نسبت ریتریسمنت 8.61 یا 6.78 موج 1
- 2- نسبت اکستنشن 161 یا 261 ریتریسمنت موج B
- 3- نسبت پروجکشن 161 یا 100 موج A
- 4- نسبت انتهای موج 5

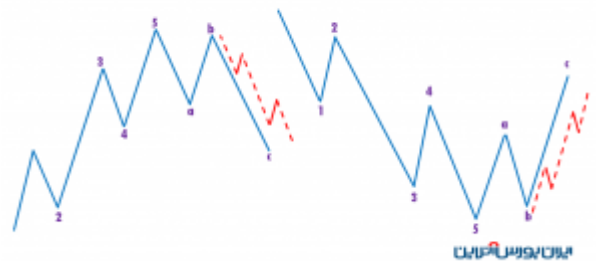
### نکته موج: C

1- موج C معمولا تا نسبت 161 پروجکشن موج A ایجاد میشود.

### نسبتهای فیبوناچی تایم:

- 1- نسبت 50 یا 61.8 ریتریس موج 1
- 2- نسبتهای انتهای موج 5 (داخلی C)
- 3- اکستنشن 161 موج B
- 4- پروجکشن 100 موج A

### شکل و ساختار موج: C



شکل و ساختار موج C

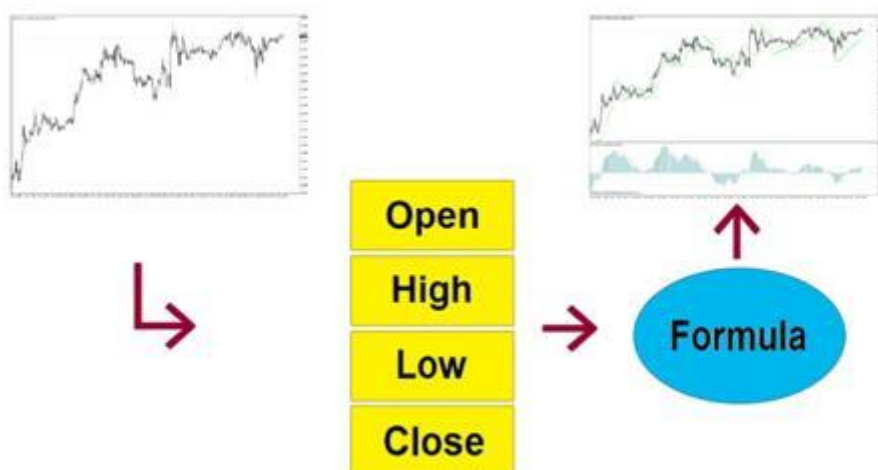
## جلسه هفدهم : آشنایی با اندیکاتور ها

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۲۱ اسفند ۱۳۸۸ - ۱۴:۱۸  
مطلب قبلی: [جلسه شانزدهم : مقدمه ای بر امواج الیوت](#)  
مطلب بعدی: [جلسه هجدهم : اسیلاتور ها](#)  
[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS](#) [نظرات](#) [صفحه اصلی](#) [ارسال لینک این مطلب](#)

- [تعریف اندیکاتور](#)
- [استفاده از اندیکاتورها](#)
- [انواع اندیکاتورها](#)
- [اندیکاتور ADX](#)
- [Parabolic SAR](#)
- [Bollinger Bands](#)
- [CCI](#) [Commodity Channel Index](#)

### تعریف اندیکاتور

اندیکاتورها توابع ریاضی هستند که بر اساس فرمول های خاص در جهت تحلیل بازار بوسیله ابزارهای گرافیکی ترسیم و مورد استفاده قرار می گیرند. داده های ورودی در اندیکاتورها بر اساس تعدادی از بازه های قبلی تغییرات قیمت وارد می شود. در هر بازه زمانی اطلاعات قیمت آغاز (Open)، پایان (Close)، سقف (High)، کف (Low) و یا تعدادی از مجموع این اطلاعات مورد استفاده قرار می گیرد.



### استفاده از اندیکاتورها

برای استفاده از اندیکاتورها در بازارهای مالی بر اساس تغییرات گذشته قیمت، سه استفاده کلی میشود.

## 1- هشدار:

اندیکاتورها در زمان های خاص بر اساس شرایط شکل گرفته روی آنها، قبل از تغییر روند یا همزمان با چرخش روند، در بازار علائم بازگشت روند را نشان می دهند. از این رو یکی از مهم ترین استفاده ها از اندیکاتورها برای تعیین هشدارهای مناسب تغییر روند و جهت حرکت قیمت است.

## 2- پیش بینی:

یکی از استفاده های اندیکاتورها برای پیش بینی قیمت ورودی مناسب است. معمولاً اندیکاتورهای کمی هستند که برای پیش بینی قیمت ورودی و در عین حال جهت درست، مناسب معامله گری باشند.

## 3- تایید:

از مهمترین استفاده هایی که از اندیکاتورها می شود برای تایید گرفتن تشخیص درست روند یا جهت است. این روش استفاده از اندیکاتورها معمولاً زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که تحلیل گر بر اساس داده های تکنیکی یا بنیادی جهت و قیمت ورودی مناسب در بازار را پیش بینی کرده است و از اندیکاتور برای تایید گرفتن استفاده می کند.

اندیکاتورها به لحاظ نوع حرکت و رفتارشان به دو دسته کلی تقسیم بندی می شوند:

– Leading Indicators

– Lagging Indicators

اندیکاتورهای پیشرو (Leading) معمولاً همراه با نوسانات قیمت هشدار و پیش بینی را اعلام می کنند و اندیکاتورهای تاخیری (Lagging) معمولاً با تاخیر پس از حرکت قیمت و جابجایی بازار هشدار و پیش بینی لازم را ارائه می دهند.

اندیکاتورهای پیشرو، اغلب موارد سیگنال های بیشتری نسبت به اندیکاتورهای تاخیری ایجاد می کنند و به همین جهت احتمال خطا در آنها بیشتر است. اندیکاتورهای تاخیری با اینکه سیگنال های کمتری ایجاد می کنند اما به خاطر اینکه قیمت حرکت اصلی خود را در بازار انجام داده و سپس این اندیکاتورها سیگنال می دهند معمولاً تاخیر آنها باعث از دست رفتن موقعیت مناسب ورود می شود. ایراد دیگر اندیکاتورهای تاخیری سیگنال های اشتباه آنها در روندهای رو به جلو است. این دسته از اندیکاتورها معمولاً برای بازارها و بازه های زمانی مناسب هستند که بازار جهت و روند صعودی یا نزولی مشخص دارد.

## انواع اندیکاتورها

در تقسیم بندی ها اندیکاتورها به چند خانواده اصلی بر اساس نوع نمایش یا مدل محاسباتی تقسیم بندی می شوند که مهمترین این تقسیم بندی ها شامل:

- Trend

- Oscillators: {Banded-Centered}

- Volumes

- Bill Williams

اندیکاتورهای Trend ابزارهایی برای شناسایی روند هستند.

اسیلاتورها ابزارهایی برای تشخیص روند جاری و محدوده بیش خرید و بیش فروش هستند. اسیلاتورها خود به دو دسته Banded و Centered تقسیم بندی می شوند.

اندیکاتورهای Volumes برای تشخیص حجم معاملات و استفاده از برابری تعداد پوینت های نوسانات استفاده می شود. این دسته از اندیکاتورها در بازار تبادلات ارزی کاربرد چندانی به واسطه اهمیت نداشتن حجم ندارند.

و اندیکاتورهای Bill Williams برای تشخیص جابجایی سطوح قیمتی روند مورد استفاده قرار می گیرند.

در این بخش به معرفی چند اندیکاتور مهم و دارای کاربرد بیشتر می پردازیم.

## اندیکاتور ADX

ADX یا Average Directional Movement Index یکی از اندیکاتورهای خانواده ترند در نرم افزار متا تریدر است.

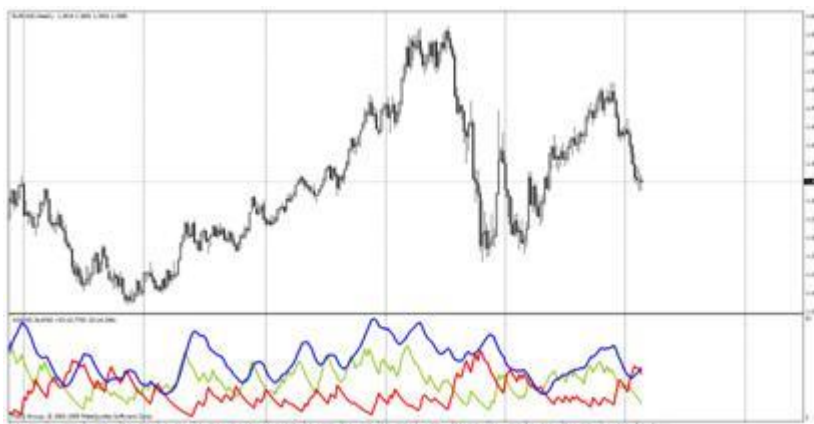
این اندیکاتور یک ابزار مشخص کننده روند و قدرت روند است.

بر اساس این اندیکاتور ابتدا مشخص می کنیم که روند نزولی یا صعودی و یا رو به جلو است. بر این اساس مادامی که خط ممتد شاخص (ADX در اینجا خط ممتد آبی) کمتر از شاخص 25 باشد یا زیر خطوط دیگر +DI و -DI باشد روند رو به جلو در نظر گرفته می شود.

در حالتی که خط ممتد شاخص (ADX در اینجا خط ممتد آبی) بیشتر از شاخص 25 باشد یا روی خطوط دیگر +DI و -DI باشد روند صعودی یا نزولی در نظر گرفته می شود. در این حالت برای مواردی که -DI



روی +DI باشد روند نزولی است و در حالتی که +DI روی -DI باشد روند صعودی است. نقطه عبور +DI و -DI را از روی یکدیگر می توان مکان ارائه سیگنال در نظر گرفت.



### Parabolic SAR

Parabolic SAR اندیکاتوری برای تشخیص روند و بدست آوردن نقاط کلیدی اتمام یک روند است.

مادامی که نقاط سبز رنگ این اندیکاتور روی هر شمع باشد روند نزولی و مادامی که نقاط سبز رنگ این اندیکاتور زیر هر شمع باشد روند صعودی است.

در عین حال هر نقطه سبز رنگ این اندیکاتور می تواند حکم یک حمایت یا مقاومت را در بازار داشته باشد. عبور قیمت هر شمع از نقطه سبز رنگ اندیکاتور به معنی پایان روند جاری و آغاز یک روند خلاف جهت است. این اندیکاتور معمولا برای بازارها یا دوره های رو به جلو کاربرد چندانی ندارد.



### Bollinger Bands

باند های بولینگر اندیکاتوری بر اساس دو باند انحراف از معیار یک میانگین متحرک است. باندهای این اندیکاتور در حالتی که سایر شرایط تکنیکال تایید کنند حکم حمایت و مقاومت را می تواند در بازار داشته باشد و حداقل میزان بازگشت قیمت بر اساس این حمایت و مقاومت ها تا خط مرکزی این اندیکاتور یعنی میانگین متحرک آن می باشد. در عین حال عبور و بسته شدن قیمت پایانی یک یا چند شمع نشانه و رآی باندهای بولینگر نشانه آغاز روند جدیدی در بازار است.

استفاده دیگر از باندهای بولینگر برای شناسایی قدرت نسبی روند جاری در بازار است. زمانی که دو باند بالایی و پایینی باندها بسیار به هم نزدیک شوند نشانه عدم وجود روند در بازار است و در جایگاهی دو باند از یکدیگر فاصله بگیرند نشانه وجود روند و شتاب شدید در بازار است. در نتیجه معمولاً در بازار ارز وقتی دو باند بولینگر بسیار به یکدیگر نزدیک شوند معامله گران انتظار دارند که حرکت و نوسان جدید و شدیدی در بازار آغاز شود.



### CCI یا Commodity Channel Index

اندیکاتور شاخص کانال کالا یا CCI اندیکاتوری برای تشخیص روند و میزان قدرت روند می باشد. بر خلاف اندیکاتورهای خانواده اسیلاتورها این اندیکاتور فاقد محدوده بیش خرید و بیش فروش است.

طریقه استفاده از این اندیکاتور بدین ترتیب است که در صورت عبور شاخص CCI از روی عدد 100 مثبت دیدگاه جهت و روند، صعودی در نظر گرفته می شود و در صورت عبور شاخص CCI به زیر عدد منفی 100 دیدگاه جهت و روند، نزولی در نظر گرفته می شود. هرچه شاخص CCI از اعداد 100 مثبت یا 100 منفی بیشتر فاصله بگیرد روند در آن جهت قدرت بیشتری خواهد داشت.

در این اندیکاتور واگرایی به مانند اندیکاتورهای خانواده اسیلاتور مورد استفاده قرار می گیرد. واگرایی و همگرایی در

درس بعدی به همراه اندیکاتورهای خانواده اسیلاتور توضیح داده خواهد شد.

در عین حال اندیکاتور CCI از جمله اندیکاتورهای شناخته می شود که همراه و همزمان با تغییرات قیمت سیگنال ارائه می دهد و پس از جابجایی قیمت تصحیح انجام نمی دهد.



توضیحات مابقی اندیکاتورها، مخصوصا اندیکاتورهای خانواده اسیلاتور در درس آینده به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

### جلسه هفدهم : اسیلاتور ها

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۲۸ اسفند ۱۳۸۸ - ۱۴:۲۶  
مطلب قبلی: [جلسه هفدهم : آشنایی با اندیکاتور ها](#)  
مطلب بعدی: [جلسه نوزدهم : تحلیل فاندامنتال \(تحلیل بنیادی\)](#)  
[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

- [Center Line](#)
- [محدوده بیش خرید و بیش فروش](#)
- [واگرایی \(دایورژنس\)](#)
- [RSI](#)
- [MACD](#)

همانطور که در درس قبل اشاره شد اسیلاتورها یکی از مهمترین خانواده های اندیکاتورها هستند.

اسیلاتورها به دو دسته **Banded** و **Centered** تقسیم بندی می شوند. عمده سیگنال های اسیلاتورهای **Centered** بر مبنای خط مرکزی و اسیلاتورهای **Banded** بر مبنای محدوده های بیش خرید و بیش فروش ایجاد می شود.

اسیلاتورها سه نمونه سیگنال یا تحلیل عمده به معامله گر می دهند:

1-سیگنال خرید یا فروش بر اساس خط مرکزی

2-سیگنال خرید و فروش بر اساس محدوده بیش خرید و بیش فروش  
Overbought و Oversold

3-سیگنال خرید و فروش بر اساس واگرایی Divergence

### Center Line

بر مبنای عبور شاخص اسیلاتور از خط مرکزی می توان تشخیص داد که روند صعودی یا نزولی است. بدین مفهوم که اگر شاخص اسیلاتور از پایین رو به بالا حرکت کرد سیگنال خرید یا صعود ایجاد می شود و اگر از بالا رو به پایین حرکت کرد و از خط مرکزی عبور کرد سیگنال فروش یا نزول ایجاد می شود.

در اسیلاتورهای Banded خط مرکزی عدد 50 یا نقطه میانه آنها است و در اسیلاتورهای Centered خط مرکزی نقطه صفر است.



### محدوده بیش خرید و بیش فروش Oversold و Overbought

محدوده های بیش خرید و بیش فروش تنها در اسیلاتورهای Banded به وجود می آید.

سیگنال فروش در این اسیلاتورها زمانی به وجود می آید که شاخص اسیلاتور از محدوده بیش خرید خارج شود. محدوده بیش خرید در بین اسیلاتورهایی که بصورت Banded از صفر تا 100 فاصله دارند معمولا روی عدد 70 یا 80 تعریف می شود. بنابراین ورود شاخص اسیلاتور به محدوده بالای 70 یا 80 ملاک تصمیم گیری نیست بلکه خروج قیمت از این محدوده نشان دهنده تضعیف و به احتمال زیاد بازگشت روند است.

عکس حالت خروج از محدوده بیش خرید می تواند در محدوده بیش فروش نیز روی دهد. بدین معنا که با ورود شاخص اسیلاتور به محدوده بیش فروش سیگنال یا تحلیلی انجام نمی شود بلکه با خروج اسیلاتور از محدوده 20 یا 30 رو به بالا، صعودی بودن قیمت یا تضعیف روند نزولی تفسیر می شود.



## Divergence واگرایی

به تناقض بین رفتار قیمت و رفتار اندیکاتور واگرایی گفته می شود. در روند صعودی واگرایی در انتهای ریز موج های صعودی و در روند نزولی واگرایی در ریز موج های نزولی به نمایش در می آید.

واگرایی ابزار بسیار مفیدی برای تشخیص کاسته شدن قدرت روند یا بازگشت روند است. این ابزار معمولاً احتمال خطای کمتری نسبت به سایر استفاده های اندیکاتورها دارد.

زمانی که انتهای ریز موج های صعودی قیمت هر بار در هر قله جدید بالاتر از قله قبلی یا سقف قبلی تشکیل شوند اما قله ها یا سقف های مترادف و همراستای اندیکاتور مانند قیمت رفتار نکند و هر بار سقف جدید هم راستا با سقف قبلی خودش یا پایین تر از سقف قبلی خودش تشکیل شود واگرایی یا تناقض در انتهای روند صعودی ایجاد شده است که نشانه ای از بازگشت روند صعودی به نزولی خواهد بود.

در روند نزولی زمانی که انتهای ریز موج های نزولی قیمت هر بار در هر دره جدید پایین تر از دره قبلی یا کف قبلی تشکیل شوند اما دره ها یا کف های مترادف و همراستای اندیکاتور مانند قیمت رفتار نکند و هر بار کف جدید هم راستا با کف قبلی خودش یا بالاتر از کف قبلی خودش تشکیل شود واگرایی یا تناقض در انتهای روند نزولی ایجاد شده است که نشانه ای از بازگشت روند نزولی به صعودی خواهد بود.



### Relative Strength Index (RSI)

RSI یکی از معروفترین اندیکاتورهای مورد استفاده معامله گران و تحلیلگران بازار ارز است که نیرو و شتاب بازار را نشان می دهد.

سه نمونه استفاده ای که برای اسیلاتورها گفتیم را در این اندیکاتور به وضوح می توان به کار برد. با این وجود عبور شاخص RSI از خط مرکزی اش که عدد 50 باشد چندان برای معامله و تحلیل مناسب نیست اما خروج از محدوده های بیش خرید و بیش فروش برای نشان دادن انتهای روند و واگرایی هایی که نشان می دهد به شدت کاربردی است. تصویر بالا یکی از واگرایی های این اندیکاتور را نشان می دهد.

### Moving Average Convergence/Divergence (MACD)

این اندیکاتور محبوب ترین اندیکاتور در بین معامله گران تکنیکال است که از اختلاف بین میانگین متحرک های با دوره زمانی مختلف ترسیم و تشکیل می شود.

استفاده اول از این اندیکاتور به عبور میله ها و شاخص خود MACD از خط مرکزی صفر مربوط می شود. با عبور از خط صفر با توجه به جهتی که شاخص اندیکاتور از بالا به پایین یا از پایین به بالا عبور کرده است جهت کلی روند پیش بینی و تحلیل می شود.

با توجه به اینکه در این اندیکاتور محدوده بیش خرید و بیش فروش نداریم روش دوم استفاده از این اندیکاتور با سایر اسیلاتورها کمی متفاوت است. در استفاده دوم از این اندیکاتور گفته می شود با قرار گرفتن MACD SMA که یک میانگین متحرک با دوره زمانی کوتاه تر است و در نرم افزار متاتریدر به شکل نقطه چین قرمز رنگ به نمایش در می آید در روی امتداد میله ها جهت و روند نزولی نشان داده می شود و با عبور MACD SMA به زیر امتداد میله ها در زیر خط مرکزی روند و جهت صعودی نشان داده می شود.

## جلسه نوزدهم : تحلیل فاندامنتال (تحلیل بنیادی)

نوشته شده توسط [ایران بورس آنلاین](#) - ۱۳ شهریور ۱۳۸۹ - ۱۲:۰۱

مطلب قبلی: [جلسه هجدهم : اسیلاتور ها](#)

مطلب بعدی:

[لینک دائم نسخه قابل چاپ RSS نظرات صفحه اصلی ارسال لینک این مطلب](#)

- [دانش فاندامنتال و دلایل استفاده از تحلیل فاندامنتال \(تحلیل بنیادی\)](#)
- [تراز پرداخت ها BOP](#)
- [مدل بازار دارایی](#)
- [تفاوت نرخ های بهره واقعی](#)
- [معاملات انتقالی](#)
- [جریان ریسک](#)

## دانش فاندامنتال و دلایل استفاده از تحلیل فاندامنتال (تحلیل بنیادی)

همانطور که در گذشته اشاره شد بررسی، تحلیل و پیش بینی بازارهای مالی از نقطه نظرهای گوناگون مورد کنکاش قرار می گیرد.

از دو روش عمده برای بررسی و تحلیل بازارهای کارا استفاده می شود:

1- تحلیل تکنیکال یا نموداری

2- تحلیل فاندامنتال یا بنیادی

در طول دروس گذشته تا حدود زیادی در مورد مقدمات تحلیل تکنیکی صحبت شد. در طول این درس و درس آینده به مبانی دانش فاندامنتال یا بنیادی می پردازیم.

با بررسی بازار تبدلات ارزی از دیدگاه فاندامنتال در واقع عوامل موثر بر عرضه و تقاضای ارزهای مختلف در نظر گرفته می شود تا روند صعودی یا نزولی نرخ برابری جفت ارزی مورد بررسی و پیش بینی قرار بگیرد. بنابراین بطور ساده دانش فاندامنتال

به بررسی عوامل تاثیرگذار بر عرضه و تقاضا می پردازد. این عوامل بطور کلی به چهار بخش عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بحران ها تقسیم بندی می شود. هر کدام از این عوامل در

جایگاه خود بر روی روند عرضه و تقاضای یک ارز و در نتیجه نرخ برابری آن ارز در مقابل سایر ارزها اثر گذار است.

عوامل تاثیر گذار بر عرضه و تقاضا متعدد و گاه متغیر هستند و همین موضوع تحلیل فاندامنتال را پیچیده و مشکل کرده است.

با این وجود تحلیل فاندامنتال دید و نگاه گسترده تری برای بررسی به معامله گر بازار ارز می دهد. در مقام قیاس می توان گفت اگر در بازار سهام داده های بنیادی شرکت ها برای بررسی قیمت سهام آن شرکت مورد توجه قرار می گیرد در بازار ارز



داده های اقتصادی یک کشور برای بررسی ارزش پول محلی که حکم همان قیمت سهام را دارد مورد بررسی قرار می گیرد. در ادامه به مباحث و نظریه های مهم تاثیر گذار بر روی برابری نرخ ارزها می پردازیم.

## تراز پرداخت ها BOP

تراز پرداختها در واقع صورت مالی کلیه مبادلات یک کشور با سایر کشورهای جهان می باشد. اگر تراز پرداخت های کشوری مثبت باشد گرایش به تقویت ارز محلی به وجود می آید و اگر تراز پرداخت های کشوری منفی باشد گرایش به تضعیف ارز محلی به وجود می آید. در واقع بر اساس تئوری تراز پرداخت ها نرخ ارز باید در سطح تعادل باشد. این سطح جایگاهی است که تراز حساب جاری یک کشور پایدار و با ثبات باشد.

تراز پرداخت ها از سه بخش تشکیل شده است:

تراز حساب جاری = صادرات کالا - واردات کالا

تراز حساب جاری = (صادرات کالا + صادرات خدمات) - (واردات کالا + واردات خدمات)

تراز سرمایه گذاری در خارج از کشور - سرمایه گذاری در داخل کشور

این سه بخش در واقع به این موضوع اشاره دارند که هر چه ورود سرمایه بابت صادرات کالا و خدمات یا بابت سرمایه گذاری بیگانگان در داخل مرزهای یک کشور بیشتر از خروج سرمایه از مرزهای آن کشور باشد به دلیل تقاضای بیشتر برای ارز محلی نسبت به عرضه بیشتر ارز محلی تقویت ارز محلی بوجود می آید. این تئوری معمولاً در دوره های بلند مدت می تواند رفتار ارزها را در مقابل یکدیگر توجیه کند اما در دوره های کوتاه مدت چندان بهینه نیست. در عین حال امروزه بخش سوم این تئوری که به تراز سرمایه اشاره دارد بابت آسان شدن سرمایه گذاری خارجی و سرمایه پذیری خارجی اهمیت بیشتری بر روی نرخ ارز کشورهای صنعتی پیدا کرده است.

## مدل بازار دارایی

بر اساس این مدل ورود و خروج سرمایه به کشور بر اساس جذابیت سرمایه گذاری در بازار دارایی یک کشور به مانند بازار سهام با اوراق قرضه تعریف می شود. در واقع مطابق با این نظریه هر چه بازار سهام و اوراق قرضه یک کشور سود آوری و بهره بالاتری را برای سرمایه گذار داشته باشد. به دلیل جذب سرمایه خارجی و تبدیل به پول محلی، ارزش پول محلی نسبت به سایر ارزهای بین المللی افزایش پیدا می کند و اگر بازارهای سهام یا اوراق قرضه کشوری نزولی یا با بازدهی اندک باشند تقاضای چندان برای نرخ ارز آن کشور وجود ندارد و در نتیجه تضعیف آن ارز مقابل سایر ارزها را می توان انتظار داشت.

تفاوت نرخ های بهره واقعی

این نظریه به این موضوع اشاره دارد که نرخ بهره واقعی هر کشوری که بالاتر باشد تقاضا برای ارز محلی آن کشور بیشتر خواهد شد. زمانی که نرخ بهره واقعی کشوری بیشتر باشد این موضوع منجر به جذب سرمایه خارجی بیشتری به آن کشور می شود و به دلیل اینکه سرمایه خارجی تبدیل به ارز محلی می شود و سپس سپرده گذاری یا سرمایه گذاری می شود تقاضا برای ارز محلی افزایش پیدا می کند و نرخ برابری ارز محلی مثبت خواهد شد. به همین ترتیب نرخ بهره واقعی کشوری اگر کاسته شود یا در سطوح پایین تری باشد به دلیل عدم جذابیت برای سرمایه گذاری یا ورود سرمایه به آن کشور و در عین حال وام گرفتن خارجیان و خروج سرمایه از آن کشور، عرضه برای پول محلی بوجود می آید و ارزش آن ارز کاسته می شود.

## معاملات انتقالی

معاملات انتقالی یا کری ترید Carry Trade به سبکی از معاملات گفته می شود که سوداگران و سرمایه گذاران بین المللی تمایل دارند ارزی را که نرخ بهره پایینی دارد را عرضه کنند یا به فروش برسانند و ارزی را که نرخ بهره بالاتری دارد را تقاضا یا خرید کنند.

دلیل اصلی چنین جریانی برای ارزهای اصلی به این موضوع بر می گردد که وقتی کشوری نرخ بهره پایینی دارد تقاضا برای وام و جذب سرمایه از بانک ها و بازار سرمایه این کشور بسیار بالا می رود اما این سرمایه یا وام در داخل مرزهای آن کشور برای سرمایه گذاری مورد استفاده قرار نمی گیرد و به سمت کشورهای که بهره بالاتری دارند یا بازارهای خارجی که سود آوری بیشتری دارند منتقل می شود.

به عنوان مثال در کشور ژاپن نرخ بهره 0.1% است و در کشور استرالیا نرخ بهره 4.5% است. در چنین شرایطی سوداگران و سرمایه گذاران از بانک های ژاپنی وام دریافت می کنند و با تبدیل این وام که به ین ژاپن است آن را در بانک های استرالیا بوسیله دلار این کشور سپرده گذاری می کنند. در طی این عملیات عرضه یا فروش ین بوجود می آید و تقاضا یا خرید برای دلار استرالیا بالا می رود به همین دلیل ارزش برابری دلار استرالیا به ین ژاپن به شدت در جهت صعودی حرکت می کند. حال آنکه سرمایه گذار یا سوداگر هم از اختلاف نرخ بهره سود برده است و هم به دلیل جابجایی ارزش برابری دلار استرالیا به ین ژاپن از تفاوت نرخ ارز در زمان بازگشت سرمایه می تواند سود کسب کند. این سبک از معاملات در دوره های بلند مدت یکی از عوامل کلیدی جابجایی نرخ ارز می باشد.

## جریان ریسک

جریان ریسک اقتصادی یا به نوعی ریسک پذیری و ریسک گریزی در واقع جریان سرمایه در دنیا را بر اساس دوره های رونق و رکود جهانی تبیین می کند. مطابق بر مباحث این دو موضوع، زمانی که

اقتصاد جهانی در حال رونق و بهبود باشد، سرمایه از سمت دارایی های ایمن یا کم ریسک که عموماً کم بازده هم هستند به سمت دارایی های پر ریسک یا پربازده جریان پیدا می کند و در شرایط رکود یا بحران اقتصادی سرمایه ها از سمت دارایی پر بازده به سمت دارایی کم بازده جریان پیدا می کند.

در بین ارزها می توان به ین ژاپن، دلار ایالات متحده و تا حدودی فرانک سوییس به عنوان ارز کم بازده اشاره کرد و پوند انگلستان، یورو، دلار استرالیا، دلار کانادا، دلار نیوزلند یا بسیاری از ارزهای دیگر را دارایی یا ارز پربازده می شناسند.

از این رو در زمان رونق و بهبود اقتصاد جهانی، فروش و عرضه ین، دلار و تا حدودی فرانک را در مقابل ارزهای پربازده شاهد هستیم و در دوران رکود و نگرانی نسبت به شرایط اقتصاد جهانی تقاضا و خرید ین، دلار و تا حدودی فرانک را مقابل ارزهای پر بازده شاهد هستیم. به حالت اول ریسک پذیری و به حالت دوم ریسک گریزی می گویند. امروزه جریان ریسک پذیری و ریسک گریزی را مقدم بر ضعف یا قوت نسبی داخلی اقتصاد ها در سطح جهان می دانند و نیروهای تاثیر گذار بر ریسک پذیری و ریسک گریزی مقدم بر شرایط داخلی اقتصادها هستند.

